

پیامدهای نبود حمایت هدفمند از تولید



طی سال‌های گذشته حمایت از تولید به یکی از محورهای اصلی گفتمان اقتصادی کشور تبدیل شده است؛ از تصویب قوانین حمایتی تا تعیین شعار سال در حمایت از کالای ایرانی. اما بسیاری از تولیدکنندگان، به‌ویژه در بخش‌های کوچک و متوسط، همچنان با موانع متعددی در مسیر تولید روبرو هستند که نشان می‌دهد حمایت‌ها، نه‌تنها کافی نیستند، بلکه در اغلب موارد فاقد هدف‌گذاری دقیق و اثربخش هستند.

به گفته فعالان اقتصادی، سال‌هاست دسترسی دشوار به منابع مالی و تسهیلات بانکی در صف اول فهرست معضلات اصلی تولید قرار دارد و نرخ بالای بهره و سختگیری در ارائه وام‌ها، به‌ویژه برای واحدهای کوچک و متوسط، مانعی جدی در مسیر سرمایه‌گذاری و نوسازی خطوط تولید به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، سیاست‌های مالیاتی و مقررات پیچیده نیز بار مضاعفی بر دوش تولیدکنندگان گذاشته که اغلب به مانعی جدی بر سر راه چابکی و رشد کسب‌وکارها بدل می‌شود.

با اینهمه و در کنار تمام چالش‌های ریز و درشت، ظرفیت‌هایی در ایران وجود دارد که فرصت‌های قابل توجهی برای بخش تولید ایجاد کرده است. ظرفیت‌هایی از جمله جمعیت جوان و تحصیل‌کرده، دسترسی به منابع انرژی، بازار بزرگ داخلی و موقعیت جغرافیایی مناسب برای صادرات منطقه‌ای؛ موارد یادشده از جمله مزیت‌هایی هستند که در صورت بهره‌برداری درست، می‌توانند سکوی پرتابی برای توسعه تولید باشند. به‌علاوه اینکه در سال‌های اخیر محدودیت‌های ناشی از تحریم، موجب افزایش تقاضا برای محصولات ساخت داخل شده و اگر این شرایط با سیاست‌های حمایتی هوشمند همراه شود، می‌تواند منجر به رونق صنایع داخلی شود. به‌عبارت دیگر، اگر حمایت‌های صورت‌گرفته از تولید، فاقد برنامه‌ریزی دقیق، اولویت‌بندی و ارزیابی اثربخشی باشند، نه‌تنها کمکی به رشد اقتصادی نمی‌کنند، بلکه خود به یکی از عوامل تشدید ناکارآمدی تبدیل می‌شوند. روشن است که حمایت از تولید اگر بدون هدف‌گذاری، نظارت و برنامه‌ریزی باشد، نه‌تنها بی‌اثر، بلکه زیانبار خواهد بود.

نخستین پیامد نبود حمایت هدفمند، اتلاف منابع مالی و انسانی است. زمانی که تسهیلات، معافیت‌ها و مشوق‌ها بدون ارزیابی دقیق عملکرد یا نیاز واقعی بنگاه‌ها توزیع می‌شود، منابع کشور صرف واحدهایی می‌شود که یا توان رقابت ندارند یا به‌دلیل سوءمدیریت، بهره‌وری پایینی دارند. این نوع حمایت نه‌تنها تولید را بهبود نمی‌بخشد، بلکه به ایجاد رانت، فساد و گسترش فعالیت‌های غیرمولد منجر می‌شود.

در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران نیز اعتماد خود را نسبت به سیاست‌های اقتصادی از دست می‌دهند. وقتی تولیدکنندگان نتوانمند، تأویر و شفاف در صف انتظار حمایت می‌مانند، اما حمایت‌ها نصیب افراد یا بنگاه‌هایی می‌شود که از مسیرهای غیر شفاف استفاده می‌کنند، فضای رقابت سالم از بین رفته و انگیزه برای بهبود کیفیت و نوآوری کاهش می‌یابد.

یکی دیگر از تبعات مهم نبود حمایت هدفمند، رشد خام‌فروشی و کاهش ارزش‌افزوده در اقتصاد است. بدون جهت‌دهی هوشمندانه به سیاست‌های صنعتی، بسیاری از تولیدکنندگان به‌جای تمرکز بر ارتقای فناوری، تحقیق و توسعه و صادرات، به فعالیت‌های کوتاه‌مدت و سودآور اما کم‌اثر برای اقتصاد ملی روی می‌آورند. این روند در بلندمدت مانع از شکل‌گیری زیرحوزه‌های تولید پیشرفته و صنایع رقابت‌پذیر خواهد شد.

حمایت هدفمند به این معناست که دولت با شناسایی دقیق بخش‌های دارای مزیت نسبی و ظرفیت رشد، منابع مالی، مشوق‌ها و امکانات را به‌سمت بنگاه‌هایی هدایت کند که توانایی ایجاد اشتغال پایدار، افزایش صادرات، ارتقای فناوری و بهره‌وری را دارند. به‌عنوان نمونه، صنایع دانش‌بنیان، تولیدات صادرات‌محور و واحدهایی که در راستای بومی‌سازی فناوری و کاهش وابستگی حرکت می‌کنند، باید در اولویت حمایت قرار گیرند.

از سوی دیگر، ارائه تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت تنها زمانی مؤثر است که مشروط به طرح‌های شفاف، عملکرد قابل‌سنجش و توسعه‌گرا باشد. در حقیقت تسهیلات بدون ارزیابی دقیق، نه‌تنها به رشد تولید منجر نمی‌شود، بلکه موجب افزایش بدهی‌های معوق و اختلال در بازار پول نیز خواهد شد. تسهیل در واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات ضروری از دیگر از ارکان حمایت هدفمند تولید است. در حالی که برخی سیاست‌ها با رویکرد خودکفایی افراطی، مسیر واردات را سد کرده‌اند. در این میان، اثربخشی حمایت‌ها مشروط بر ایجاد ثبات در سیاست‌های ارزی و جاری است که سال‌هاست به اصلی‌ترین چالش اقتصاد ایران بدل شده است.

از نگاهی دیگر، حمایت واقعی از تولید زمانی معنا پیدا می‌کند که رقابت سالم برقرار باشد، بنابراین مبارزه جدی با قاچاق، حذف رانت، کنترل بازار محصولات بی‌کیفیت و ساماندهی تولید زیرزمینی، گامی اساسی برای حمایت از تولیدکنندگان شفاف و قانون‌مدار است.

آنچه مسلم است، شرایط تولید در اقتصاد ایران نیازمند بازنگری و اصلاحات ساختاری است. کاهش موانع بروکراتیک، بهبود فضای کسب‌وکار، ثبات در سیاست‌های اقتصادی و ارزی و حمایت هدفمند از تولیدکنندگان، می‌تواند مسیر توسعه پایدار را برای اقتصاد کشور هموار کند. تنها با چنین رویکردی می‌توان امید داشت که تولید ملی، به موتور محرک توسعه پایدار و مقاومت‌سازی اقتصاد کشور تبدیل شود.

امروز بیش از هر زمان دیگری، اقتصاد ایران نیازمند سیاست‌هایی دقیق، شفاف و مبتنی بر داده برای تقویت تولید است؛ حمایتی که به‌جای ایجاد وابستگی، به رشد پایدار و توانمندسازی واقعی تولیدکنندگان منجر شود.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

تولید و سراب حمایت

را با بی‌ثباتی و عدم‌قطعیت همراه کرده‌اند. این عوامل باعث شده‌اند بسیاری از واحدهای تولیدی با کاهش ظرفیت فعالیت، افزایش هزینه‌ها و افت رقابت‌پذیری روبرو شوند. در نهایت، حمایت هوشمندانه از تولید، همراه با سیاست‌های توسعه‌محور مانند تسهیل در صدور مجوزها، بهبود زیرساخت‌های صنعتی و دسترسی به منابع مالی، می‌تواند موتور محرکه اقتصاد را با شتاب بیشتری به حرکت درآورد. تولید نه‌تنها یک فعالیت اقتصادی صرف، بلکه یک راهبرد کلان برای تضمین آینده اقتصادی کشور است. در تقویم جهانی، ۱۳مهر به‌عنوان روز جهانی تولید، نام‌گذاری شده و به همین بهانه در پرونده پیش‌روی به بررسی مشکلات روز تولید در اقتصاد ایران و راه‌های حمایتی از این بخش مهم اقتصاد در شرایط حاضر پرداخته‌ایم.

رصد «تولید» در توفان متغیرهای کلان



شکاف نابرابری و بازتاب آن بر تولید ملی

در مناطق شهری ضریب جینی به ۰.۳۶۸۹ رسیده که نسبت به سال قبل از آن ۰.۱۳۱ کاهش یافته است. همچنین ضریب جینی خانوارهای روستایی ۰.۳۵۳۲ است که آن هم ۰.۰۰۵۱ کاهش را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۳ سهم هزینه در دهک خانوارهای کل کشور نسبت به سال قبل تا دهک هشتم افزایشی بوده و این سهم در دهک نهم و دهم کاهش را نشان می‌دهد.

در سال ۱۴۰۳ سهم ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین ۶۰.۷ درصد است که نسبت به سال قبل افزایش و سهم ۲۰ درصد پرهزینه‌ترین جمعیت در کل کشور ۴۶.۲۴ درصد است که نسبت به سال قبل کاهش یافته است. نسبت ۲۰ و ۴۰ درصد پرهزینه‌ترین به ۲۰ و ۴۰ درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت در کل کشور به‌ترتیب ۱۳.۲۵، ۷.۶۲ و ۴.۰۶ است که نسبت به سال قبل، هر ۳ شاخص کاهش یافته‌اند. همچنین سهم هزینه در دهک خانوارهای مناطق شهری نسبت به سال قبل از دهک اول تا دهک هشتم افزایشی بوده و در ۲ دهک نهم و دهم کاهش را نشان می‌دهد. همچنین سهم هزینه در دهک خانوارهای مناطق روستایی نسبت به سال قبل در دهک اول، دوم و دهم کاهشی بوده و در سایر دهک‌ها، افزایش را نشان می‌دهد. ضریب جینی، مثل خط‌کش نیست که فاصله‌ها را اندازه بگیرد، مثل آینه‌ای است که جامعه را وادار می‌کند به خودش نگاه کند. وقتی پایین است، یعنی چهره‌ای متعادل، آرام، با فرصت‌های به‌نسبت برابر. اما وقتی بالا می‌رود، تصویر در آینه ترک می‌خورد. عده‌ای در قاب جا نمی‌شوند و عده‌ای تمام قاب را اشغال کرده‌اند. این شاخص، به ما نمی‌گوید چه کسی ثروتمند است. بلکه نشان می‌دهد چقدر از جامعه، از مسیر رشد جا مانده‌اند. چقدر از کودکان، با رویاهای کوچک بزرگ می‌شوند، چون سهم‌شان از امکانات، کوچک‌تر از حد انتظار است. در سال ۱۴۰۳، ضریب جینی خانوارهای کل کشور به ۰.۳۸۷ رسیده؛ عددی که نسبت به سال گذشته، ۰.۰۱ واحد کاهش نشان می‌دهد.

در نگاه اول، این کاهش شاید ناچیز به‌نظر برسد. اما اگر بدانیم که کل دامنه تغییر و نوسان این ضریب بین صفر تا یک است، معنای دقیق‌تری به خود می‌گیرد، در دنیای نابرابری، حتی یک صدم، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر باشد؛ تغییری که باید با دقت خوانده شود. کارشناسان با تکیه بر این آمار معتقدند؛ کاهش این شاخص اصلا خبر خوبی نیست؛ میانگین درآمد جمعیت طبقات پایین افت کرده و وزن این طبقات در جامعه بیشتر شده است، یعنی جمعیت بیشتری وارد گروه‌های پایین درآمدی شده‌اند. میانگین جمعیت پایین جامعه که دچار فقر شده‌اند، وضعیت بسیار نامطلوبی دارند. ضریب جینی عدد بی‌رحمی است، به‌صراحت بخشی از وضعیت جامعه و اقتصاد را نشان می‌دهد، با کسلی تعارف و ملاحظه ندارد، شاید کمتر شدن آن در گام نخست، خبر خوبی باشد، اما بررسی آن در کنار سایر شاخص‌ها، تصویر عریان‌تری از وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم نشان می‌دهد.

تولید در نقطه تعادل شکننده

و فشار بر بانک مرکزی برای تامین مالی عملیات عمومی، تشدید شده است. **■ وابستگی به نفت و تاثیر بر تولید غیرنفتی** یکی از معضلات ساختاری اقتصاد ایران، وابستگی زیاد به درآمد نفتی است. وقتی بودجه دولت بر نفت استوار باشد، تغییرات نرخ جهانی نفت تاثیر چشمگیری بر مخارج عمومی، تخصیص منابع و سیاست‌های مالی می‌گذارد. در سال‌هایی که نرخ نفت رشد دارد، دولت تمایل دارد هزینه‌ها را افزایش دهد؛ اما در سال‌هایی که نرخ نفت ضعیف است، کسری بودجه فشار به بخش تولید وارد می‌کند. همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، رشد بخش غیرنفتی در برخی سال‌ها منفی شده است. برای مثال، مرکز آمار گزارش داده که در سال ۱۴۰۲، رشد صنایع بدون نفت پس از ۴ سال منفی بوده است. چنین وضعی نشان‌دهنده آن است که بخش تولیدی، در شرایطی که از تغییرات نفتی تبعیت نکند، آسیب‌پذیر است.

سخن پایانی

در شرایط فعلی، تولید ملی ایران در موقعیت خطیری قرار دارد. هزینه‌ها فشار می‌آورد، تقاضای موثر کاهش یافته است، سرمایه‌گذاری‌ها کند شده‌اند و نوسانات کلان اقتصادی سایر عوامل تولید را در معرض ریسک شدید قرار داده‌اند. کارشناسان معتقدند؛ اگر سیاست‌گذاران مایلند تولید به مسیر پایدار بازگردد، باید برنامه‌ای ترکیبی ارائه کنند. از کنترل تورم با سیاست پولی انقبضاتی تا ایجاد ثبات در نرخ ارز که می‌تواند از طریق مدیریت ذخایر ارزی و تنظیم عرضه ارز وارداتی محقق شود.

تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به تامین مالی با بهره پایین و کاهش وابستگی به نفت و تنوع‌بخشی اقتصاد از دیگر این راهکارهاست که در نهایت می‌تواند منجر به تقویت توان داخلی در تولید شود.

فعالان اقتصادی نیز تاکید دارند؛ بدون این مجموعه اقدامات هماهنگ، تولید همچنان زیر فشار متغیرهای کلان اقتصادی خواهد ماند و امکان رشد پایدار سخت‌تر خواهد شد.

یافته و منابع بیشتری برای توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و سلامت فراهم می‌شود. از سوی دیگر، پایداری اقتصادی در گرو تداوم و بهبود تولید ملی است. اقتصادی که به واردات وابسته باشد، در برابر شوک‌های خارجی بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود. در مقابل، تمرکز بر تولید داخلی موجب تقویت استقلال اقتصادی، کاهش خروج ارز و بهبود تراز تجاری کشور می‌شود. به‌ویژه در شرایط تحریم یا بحران‌های بین‌المللی، یک اقتصاد تولیدمحور بهتر می‌تواند تاب‌آوری نشان دهد و مسیر توسعه را حفظ کند. تولید در اقتصاد ایران همواره به‌عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه اقتصادی مطرح بوده، اما در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه شده است. نوسانات ارزی، محدودیت‌های واردات مواد اولیه، تورم بالا، کاهش سرمایه‌گذاری و همچنین تحریم‌های بین‌المللی، فضای تولید

تولید، ستون فقرات هر اقتصادی محسوب می‌شود و نقشی بنیادین در رشد پایدار، اشتغال‌زایی و افزایش درآمد ملی ایفا می‌کند. بدون وجود یک بخش تولیدی قوی، هیچ اقتصادی قادر به دستیابی به استقلال، ثبات و رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی نخواهد بود. تولید، با تبدیل منابع خام به کالاهای ارزش‌افزوده، نه‌تنها زمینه‌های اقتصادی را فعال کرده، بلکه به گردش سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیز کمک می‌کند. یکی از مهم‌ترین آثار توسعه تولید، ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات وابسته است. با رشد بخش تولید، نیاز به نیروی کار افزایش یافته و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد؛ این موضوع مستقیماً بر بهبود معیشت خانوارها و افزایش قدرت خرید تاثیرگذار است. همچنین با رونق تولید، درآمدهای مالیاتی دولت افزایش

در هر اقتصادی، تولید به‌عنوان یکی از ارکان اصلی رشد و توسعه شناخته می‌شود. افزایش تولید نه‌تنها موجب رشد درآمد ملی و کاهش نرخ بیکاری می‌شود، بلکه زمینه‌ساز ارتقای سطح رفاه اجتماعی و افزایش قدرت رقابتی کشور در عرصه جهانی نیز هست. با این حال، تولید تنها در فضای اقتصادی باثبات و تحت‌تاثیر مثبت شاخص‌های کلان اقتصادی می‌تواند شکوفا شود. بررسی دقیق این شاخص‌ها نشان می‌دهد که نقش آنها در تعیین جهت‌گیری تولید غیرقابل‌انکار است. شاخص‌های کلان اقتصادی همچون تورم، نرخ ارز، بهره‌بانکی و ثبات اقتصادی، به‌مثابه دماسنج‌هایی هستند که وضعیت کلی اقتصاد و چشم‌انداز تولید را مشخص می‌کنند. توجه به این شاخص‌ها و اصلاح سیاست‌های مرتبط با آنها، می‌تواند مسیر تولید را هموار کرده و اقتصاد را در مسیر رشد پایدار قرار دهد.

تاثیر شاخص‌های کلان

اقتصادی بر تولید

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی، نرخ تورم است. تورم بالا باعث افزایش هزینه‌های تولید، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و در نهایت افت تقاضا برای کالاها و خدمات می‌شود. از سوی دیگر، نوسانات شدید تورمی فضای بی‌ثباتی برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که مانعی جدی برای برنامه‌ریزی‌های تولیدی بلندمدت است. در مقابل، تورم کنترل‌شده و قابل‌پیش‌بینی، به تولیدکنندگان امکان برنامه‌ریزی موثر و توسعه فعالیت‌های‌شان را می‌دهد. نرخ ارز نیز به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان، تاثیر قابل‌توجهی بر تولید دارد. نوسانات شدید نرخ ارز، به‌ویژه در اقتصادهایی که وابستگی بالایی به واردات مواد اولیه دارند، می‌تواند هزینه‌های تولید را به‌طور ناگهانی افزایش دهد. از سوی دیگر، تقویت پول ملی می‌تواند واردات را تسهیل کرده و به کاهش هزینه تولید کمک کند، اما در بلندمدت ممکن است به تضعیف تولید داخلی و رشد واردات بینجامد.

نرخ بهره بانکی و شرایط تامین مالی، از دیگر عوامل کلان اقتصادی موثر بر تولید هستند. زمانی که نرخ بهره در سطوح بالا قرار می‌گیرد، هزینه استقراض برای بنگاه‌های تولیدی افزایش می‌یابد و انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید کاهش می‌یابد. در مقابل، سیاست‌های پولی انبساطی و دسترسی آسان به منابع مالی ارزان‌قیمت، می‌تواند موتور محرک‌های برای رونق تولید محسوب شود. در نهایت، ثبات سیاسی و اقتصادی و نیز پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌گذاری‌های کلان، از دیگر عواملی هستند که به‌طور غیرمستقیم اما بسیار تاثیرگذار، بر تولید اثر می‌گذارند. فعالان اقتصادی برای توسعه خطوط تولید، نیازمند محیطی با حداقل ریسک‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی هستند.

کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش نرخ واردات خام و قطعات می‌شود، به‌ویژه در صنایعی که وابستگی خارجی دارند. وقتی ارز به‌شدت نوسان کند، تولیدکننده نمی‌تواند هزینه‌های آتی را پیش‌بینی کند، تامین مالی قطعات وارداتی را مشکل خواهد یافت و اغلب باید بخشی از خط تولید را تعطیل کند یا در سطح پایین‌تر کار کند.

■ هزینه تامین مالی و نرخ بهره

در چنین فضای تورمی، هزینه پول بسیار مهم است. اگر نرخ بهره بانکی برای تولیدکنندگان بالا باشد، سرمایه‌گذاری برای ارتقا، نوسازی ماشین‌آلات یا توسعه خطوط تولید دشوار خواهد شد. بخش خصوصی در شرایطی که بازده سرمایه‌گذاری نامطمئن باشد و بهره بالا باشد، تمایل به رکود یا انجماد تصمیمات سرمایه‌ای پیدا خواهد کرد. این موضوع در ایران، به‌دلیل کسری بودجه دولت

در سال‌های اخیر، تولید ملی ایران با چالش‌هایی جدی مواجه شده است؛ چالش‌هایی که ریشه در ناپایداری‌های شاخص‌های کلان اقتصادی دارد. وقتی تورم، نرخ ارز و هزینه تامین مالی به آب‌وتاش می‌زنند، تولیدکنندگان مجبورند پوست‌اندازی کرده و در شرایط نامطمئن فعالیت کنند. سهم نفت در آمار رشد اقتصادی نشان‌دهنده وابستگی قابل توجه اقتصاد به بخش نفت است که خود از نوسان نرخ جهانی تاثیر می‌پذیرد. چنانچه در بهار ۱۴۰۴، تولید ناخالص داخلی با نفت ۰.۱ درصد کاهش یافته و بدون نفت ۰.۴ درصد افت کرده است. این رکود نشان‌دهنده آن است که بخش تولیدی غیرنفتی در فشارهای اقتصادی، توان مقاومت خود را از دست داده است.

■ تیغ تورم بر پیکر تولید

نرخ تورم ایران در سال ۱۴۰۴ با شتاب بالا حرکت می‌کند. طبق داده‌های بین‌المللی، نرخ تورم نقطه به نقطه در شهر یور ۱۴۰۴ به ۴۵.۲ درصد رسیده است. این سطح از تورم فشار سنگینی بر هزینه‌های مواد اولیه، دستمزدها، انرژی و حمل‌ونقل وارد می‌کند. از آنجا که بخش عمده تولیدکنندگان داخلی مجبورند ز واردات قطعات یا مواد اولیه استفاده کنند، نوسان نرخ ارز و تورم وارداتی هزینه تولید را به‌طور مستقیم افزایش می‌دهد.

همچنین در بخش صنعت، شاخص نرخ تولیدکننده (PPI) نیز در سال گذشته رشد قابل توجهی داشته و برای مثال، در برخی ماه‌ها رشد سالانه ۲۵.۹ درصد گزارش شده است. این بدان معناست که تولیدکننده باید هزینه بیشتری برای تامین مواد اولیه و قطعات پردازد و حاشیه سودش باریک‌تر می‌شود.

■ نرخ ارز؛ دشمن نامرئی تولید

نوسان شدید نرخ ارز یکی از بزرگ‌ترین عوامل بحران آفرین است. تورم و

رونق صنعت خودرو ایران با غلبه بر سیاست مونتاژ



درحال حاضر بیش از سی مدل مختلف خودرو در کشور تولید می‌شود. با توجه به سهم محدود هریک از این محصولات در بازار، تولید بسیاری از قطعات آنها در داخل کشور صرفه اقتصادی ندارد. لذا درصد داخلی‌سازی این محصولات پایین است. ازسوی دیگر مونتاژکاران هر سال محصولات جدیدی به سبد محصولات خود اضافه می‌کنند که این امر اجازه دستیابی به تیراژ اقتصادی در بلندمدت را نیز فراهم نمی‌کند.

سخن پایانی

بنابراین گزارش رونق مونتاژکاری، در ظاهر به افزایش تیراژ کمک می‌کند اما در واقع صنعت خودرو را از مسیر توسعه واقعی منحرف کرده و آن را به واردات‌محوری و اتلاف منابع ارزی وابسته می‌سازد. ادامه این روند به معنای تثبیت تولیدی کم‌عمق، فاقد فناوری و غیرمولد است که هیچ دستاوردی جز وابستگی بیشتر و عقب‌ماندگی صنعتی برای کشور به همراه ندارد.

بر این اساس باید تاکید کرد که تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تداوم رویکرد مونتاژمحور، صنعت خودرو را در چرخه‌ای از وابستگی، اتلاف منابع ارزی و تولید غیرمولد گرفتار کرده است. عبور از این وضعیت تنها با بازنگری جدی در سیاست‌های صنعتی، تمرکز بر پلتفرم‌سازی و ارتقای واقعی توان طراحی و مهندسی در داخل کشور ممکن خواهد بود.

رسانده است. هرچند در سال ۱۴۰۳ تولید مدیران خودرو با کاهش ۳۴ درصدی نسبت به سال گذشته به ۱۴۲، ۶۴۰ دستگاه رسید، همچنان در جایگاه نخست میان خودروسازان خصوصی قرار دارد. شرکت کرمان موتور در سال ۱۴۰۱ با تولید ۲۶، ۱۲۲ دستگاه خودرو، رشد ۳۸ درصدی را نسبت به سال قبل تجربه کرده و در سال ۱۴۰۲ با جهشی ۱۲۵ درصدی، تیراژ خود را به ۵۸، ۶۳۱ دستگاه افزایش داده است. در سال ۱۴۰۳ نیز تولید این شرکت با رشد محدودتری ادامه یافته و به ۶۲، ۲۴۲ دستگاه رسیده است.

بهمن موتور نیز که در سال‌های ابتدایی دوره موردبررسی تیراژ بسیار پایینی داشت، از سال ۱۴۰۰ روند صعودی را آغاز کرده و در سال ۱۴۰۱ با رشد ۱۱۱ درصدی به تولید ۱۵، ۲۳۶ دستگاه رسیده است. این روند در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز ادامه داشته و تیراژ تولید این شرکت به ترتیب به ۲۱، ۸۱۷ و ۲۷، ۷۷۹ دستگاه افزایش یافته است. تیراژ لازم به‌منظور توجیه اقتصادی برای شرکتی که زیرساخت صنعتی دارد، طراحی پلتفرم از صفر در آن اتفاق نمی‌افتد و به‌صورت مشارکت با یک شرکت بین‌المللی به محصول جدید دست می‌یابد، ۶۰۰ هزار دستگاه در سال است. افزایش مونتاژ خودروهای متنوع در کشور باعث تقسیم سهم بازار بین این محصولات خواهد شد. ازاین رو تیراژ تولید آنها کاهش می‌یابد. این امر در نهایت امکان دستیابی به تیراژ اقتصادی پلتفرم‌های موجود در کشور را غیر ممکن می‌کند.

دستگاه است که نسبت به مدت مشابه خود در سال ۱۴۰۲ حدود یک درصد کاهش داشته است.

مطابق با آمار ارائه شده در شکل بالا، تولید خودرو در کشور در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ و سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ با کاهش شدید مواجه شد؛ موضوعی که ریشه در تحریم‌های بین‌المللی اعمال‌شده علیه ایران دارد و بیانگر نوعی وابستگی صنعت خودرو از منظر تامین قطعات تولید به تولیدکنندگان و تامین‌کنندگان خارجی است.

در بازه ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ تیراژ تولید خودروسازان خصوصی از ۳۲، ۶۰۹ دستگاه به ۲۷۲، ۸۶۹ دستگاه رسیده که بیانگر رشد بیش از ۸ برابری طی ۶ سال است.

نقطه جهش این روند در سال ۱۴۰۱ بوده که تولید از ۶۸، ۱۱۴ دستگاه در سال ۱۴۰۰ به ۴۶، ۱۷۵ دستگاه افزایش یافته و در سال‌های بعد نیز با شیب نسبتاً تند ادامه پیدا کرده است. سهم این بخش از کل تولید نیز از ۲۹، ۴ درصد در سال ۱۳۹۸ به ۳۶، ۲۴ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیده است.

در میان خودروسازان خصوصی، شرکت مدیران خودرو طی سال‌های اخیر همواره بالاترین تیراژ تولید را به خود اختصاص داده است. این شرکت در سال ۱۴۰۱ با رشد قابل توجه ۱۴۴ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰، تعداد ۹۲، ۸۷۱ دستگاه خودرو تولید کرده و در سال ۱۴۰۲ نیز با رشد ۶۰ درصدی، تیراژ خود را به ۴۸، ۶۷۸ دستگاه

طبق گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه‌کرده، سیاست مونتاژ در ابتدا می‌توانست ابزاری موقت برای افزایش تیراژ و داخلی‌سازی باشد، اما نبود سازوکارهای توسعه‌ای، این مسیر را به تداوم وابستگی و تولید غیرمولد تبدیل کرد. به‌گونه‌ای که فقط در سال ۱۴۰۲، میزان کل ارزی‌ری صنعت خودرو به حدود ۸ میلیارد و ۸۸ میلیون دلار رسیده که از این میزان، بیش از ۳۵ میلیارد دلار صرف واردات قطعات تمامی محصولات مونتاژی در کشور شده است. این حجم از تخصیص منابع ارزی، درحالی صورت گرفته که بازده فناوریانه، تولیدی و صادراتی متناظری برای آن قابل مشاهده نیست و تداوم این روند، وابستگی ساختاری کشور به واردات و ارز خارجی را در یکی از مهم‌ترین بخش‌های صنعتی نهادینه خواهد کرد. درعمل، روابط خارجی صنعت خودرو عمدتاً به واردات قطعه محدود مانده و از توسعه دانش فنی و زنجیره تامین غفلت شده است. ازاین رو، اصلاح الگوی تعاملات بین‌المللی در گرو بازنگری جدی در سیاست‌ها و ساختار حاکم بر روند طی شده در چند سال گذشته است.

بر این اساس باتوجه به نوسانات تیراژ تولید در صنعت خودرو کشور و بررسی علل این نوسانات میتوان به تأثیر مونتاژ خودرو در این صنعت پی برد. در شکل زیر میزان تولید خودرو در داخل کشور از سال ۱۳۸۸ تا پایان سال ۱۴۰۳ آمده است

تیراژ تولید خودرو سواری کشور در سال ۱۴۰۳، ۱۴۰۰، ۱۰۱۲۰۶۰۰

افتخاری دیگر برای شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان:

انتخاب مجتمعه گندله‌سازی بهاباد بعنوان «واحد نمونه صنعتی»

مجمعه گندله‌سازی بهاباد یکی از کارخانجات مهم شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان در استان یزد به‌عنوان «واحد نمونه صنعتی» معرفی شد.

شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان، شرکتی پیشرو در توسعه زنجیره بالادستی و پایین دستی فولاد و نماد استواری در صنعت فولاد کشور با تولید آهن اسفنجی در اردکان و گندله در بهاباد با بالاترین کیفیت و بیشترین تقاضا در بورس کالای گندله‌سازی، فعالیت درخشان خود را ادامه می‌دهد.

در «بیست و نهمین آیین بزرگداشت روز ملی صنعت و معدن استان یزد» که با حضور مسئولان کشوری و استانی برگزار شد، «مجمعه گندله‌سازی بهاباد» که با ظرفیت اسمی ۴ میلیون تن گندله در شهر بهاباد استان یزد به بهره‌برداری رسیده‌است در بین ۴۹ طرح مهم صنعتی بعنوان واحد نمونه صنعتی استان یزد انتخاب شد.

روابط عمومی شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان

مجمعه گندله‌سازی بهاباد یکی از کارخانجات مهم شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان در استان یزد به‌عنوان «واحد نمونه صنعتی» معرفی شد.

شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان، شرکتی پیشرو در توسعه زنجیره بالادستی و پایین دستی فولاد و نماد استواری در صنعت فولاد کشور با تولید آهن اسفنجی در اردکان و گندله در بهاباد با بالاترین کیفیت و بیشترین تقاضا در بورس کالای گندله‌سازی، فعالیت درخشان خود را ادامه می‌دهد.

در «بیست و نهمین آیین بزرگداشت روز ملی صنعت و معدن استان یزد» که با حضور مسئولان کشوری و استانی برگزار شد، «مجمعه گندله‌سازی بهاباد» که با ظرفیت اسمی ۴ میلیون تن گندله در شهر بهاباد استان یزد به بهره‌برداری رسیده‌است در بین ۴۹ طرح مهم صنعتی بعنوان واحد نمونه صنعتی استان یزد انتخاب شد.

روابط عمومی شرکت آهن و فولاد غدیر ایرانیان

آگهی مزایده عمومی

فروش حدود ۱۷۰ هزار تن ماده معدنی اکسیده طلادار

شرکت آتین معدن میدیا در نظر دارد از طریق برگزاری مزایده عمومی، حدود ۱۷۰/۰۰۰ تن ماده معدنی استخراج شده اکسیده طلادار از معدن طلای زاپلیک واقع در شهرستان اهر، کیلومتر ۱۵ جاده اهر-مشکین شهر را به فروش رساند.

متقاضیان خرید می‌توانند با ارائه معرفی‌نامه حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و پس از تکمیل مدارک و اسناد حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ اقدام به تحویل پاکات به دبیرخانه شرکت به آدرس زیر نمایند.

شماره تلفن همراه ۰۹۱۲۰۰۶۲۲۴۶ برای هماهنگی و کسب اطلاعات بیشتر از ساعت ۱۰ الی ۱۴

آدرس محل دریافت اسناد و تحویل پاکات: تهران، خیابان شریعتی، خیابان وحید دستگردی (ظفر)، نیش کازرون شمالی پلاک ۱۲۸، ساختمان مهین، طبقه سوم کدپستی: ۱۹۱۹۹۴۳۴۵

شرکت آتین معدن میدیا

آگهی مناقصه شماره: TMC/۰۴/۲۰۴۰

موضوع: احداث خط خردایش و پیش فرآوری کلوخه سنگ آهن به ظرفیت ورودی ۲۵۰ تن بر ساعت بصورت کلید در دست

یک شرکت فعال در حوزه استخراج سنگ آهن در استان یزد در نظر دارد موضوع فوق را با شرایط مندرج در اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط و گذار نماید.

هماهنگی جهت دریافت اسناد تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰:

۰۹۱۳۵۷۰۶۴۹۶ و ۰۳۱-۹۱۰۹۷۷۷۹

مدیریت امور قراردادها

آگهی مناقصه عمومی شماره ۰۴/ع/۱۷

شرکت همیار گهر حدید سیرجان در نظر دارد تأمین دو دستگاه بیل مکانیکی AR-PC۴۰۰ کوماتسو به همراه ۲ عدد چکش هیدرولیکی سوسان SB1۵۱ بصورت نو و کارنکرده با مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید؛ لذا از تمامی شرکت‌های معتبر که دارای توانایی مناسب، سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه به آدرس سیرجان کیلومتر ۶۰ جاده شیراز - سایت شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین - دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان و یا به وبسایت شرکت به آدرس www.goharhadid.com مراجعه و یا درخواست خود را جهت اخذ اسناد به آدرس ایمیل tenderhadid@goharzamin.com ارسال نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکت ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ در محل دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان می‌باشد. لازم به ذکر است پیمانکاران محترم می‌بایست اسناد خود را در پاکت مخصوصی که از دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان دریافت می‌نمایند به صورت مهر و موم شده تحویل نمایند. شرکت همیار گهر حدید سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد. هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن‌های ۰۳۴۴۱۵۲۶۰۰۰ داخلی ۹۱۴۷ و یا شماره تلفن ۰۹۱۳۴۵۸۵۱۱۴ تماس حاصل فرمایید.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر

آگهی مزایده عمومی شماره ۱۹/۱۴۰۴/ز

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در نظر دارد "۷۰ هزار تن کنسانتره سنگ آهن با عیار ۶۸ درصد" را در کارخانه خود واقع در سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده شیراز از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند به منظور دریافت اسناد مزایده و همچنین اطلاع از شرایط مزایده به سایت www.geg.ir بخش مناقصه و مزایده مراجعه فرمایند.

لازم به ذکر است پاکت پیشنهادی می‌باید حداکثر تا ساعت ۰۹:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ به آدرس دفتر کمیسیون معاملات مجتمع سیرجان (کیلومتر ۵۰ جاده شیراز) تحویل داده شود. ضمناً جلسه بازگشایی پاکات نیز همزمان در همین تاریخ (رأس ساعت ۰۹:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲) و در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع سیرجان می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر

parameter	Analysis %
%Fe Ave	68.00
%FeO	Min 24 Max 28
%P Max	0.035
%S Max	0.5
%SiO2 Max	2.2
%Al2O3 Max	0.6
%CaO Max	0.7
%MgO Max	2.2
%Moisture Max	7.0
Size ave	mm 0.15>80%

کارشناس صنعت خودرو در گفت و گو با

سیاست گذاری های متناقض زمینه ساز فروپاشی صنعت خودرو

رونق تولید در گرو امنیت سرمایه گذاری

سیدشجاع الدین امامی رتوف
کارشناس حوزه صنعت

برای افزایش سرمایه گذاری در تولید نخست امنیت سرمایه گذاری به طور جدی ایجاد شود. زمانی که سرمایه گذار هایش اطمینان داشته باشد، به طور طبیعی تمایل بیشتری برای سرمایه گذاری خواهد داشت. وضعیت کنونی تولید در کشور مساعد نیست و عواملی مانند قطعی مکرر برق و گاز و احتمال بروز مشکلات جدید مانند قطعی آب و ناترازی در بخش های متعدد، همگی به ایجاد ناپایداری در محیط کسب و کار منجر شده اند. در چنین شرایطی، سرمایه ها نمی توانند مسیر امن خود را پیدا کنند و در نتیجه، تمایل به سرمایه گذاری در بخش تولید کاهش می یابد. از این رو بدون ایجاد امنیت برای سرمایه گذاران، انتظار افزایش سرمایه گذاری های تولیدی غیرواقع بینانه خواهد بود. علاوه بر این، در حال حاضر بخش های اقتصادی که به فعالیت های سفته بازی و دلالی مشغول هستند، معمولاً سودآوری بیشتری دارند. پس طبیعی است که سرمایه ها به سمت این بازارها حرکت کنند، چراکه آنها چالش های تولید کننده را متحمل نمی شوند.

در این مسیر دولت می تواند به تولید کننده کمک کند. برای افزایش سرمایه گذاری در حوزه تولید دولت می تواند سیاست هایی را وضع کند که از کالاهای تولید داخلی حمایت کند این حمایت می تواند شامل ممنوعیت واردات برخی کالاها، وضع محدودیت ها، یا ارائه مشوق ها و تسهیلات مالی باشد. همچنین، معافیت های مالیاتی و سایر تسهیلات نیز باید در نظر گرفته شود تا نشان دهد حاکمیت به طور جدی به دنبال تضمین امنیت و سودآوری برای سرمایه گذاران است. در غیر این صورت، صرفاً با تکیه بر شعارها و بدون فراهم کردن بسترهای لازم برای افزایش سرمایه گذاری، نمی توان انتظار داشت که نتایج مثبتی در پایان سال حاصل شود.

همچنین اگر بتوانیم با اصلاحات جدی و ریشه ای در قوانین و مقررات، فضای مناسبی برای سرمایه گذاری ایجاد کنیم، می توانیم در آینده شاهد رشد سرمایه گذاری های تولیدی باشیم. از سوی دیگر، سازمان های دولتی مانند سازمان تأمین اجتماعی و سازمان امور مالیاتی باید به عنوان شرکای اجتماعی بخش خصوصی در نظر گرفته شوند. این نهادها باید به جای تمرکز بر افزایش درآمدهای خود، توجه بیشتری به رشد سرمایه گذاری در بخش تولید داشته باشند. افزایش سرمایه گذاری در نهایت منجر به رشد درآمدهای این سازمان ها نیز خواهد شد.

لازمه تحقق اهداف یادشده هماهنگی و هم سویی تمامی نهادهای دولتی و پرهیز از نگاه جزیره ای برای تسهیل سرمایه گذاری و ارائه تسهیلات مشوق است. سیستم بانکی نیز باید با دیدی فراتر از سودآوری کوتاه مدت، به حمایت از سرمایه گذاری برای تولید بپردازد. این رویکرد نه تنها به بهبود فضای کلان اقتصاد کمک می کند، بلکه در ارتقاء درآمدهای تمامی بخش های مرتبط با زنجیره تولید و صنعت نیز مؤثر خواهد بود. دولت باید به طور جدی از پروژه های بازسازی و نوسازی واحدهای تولیدی و همچنین ایجاد واحدهای جدید حمایت کند، زیرا این اقدامات می توانند در سال های آینده ضامن تولید ملی و داخلی و در واقع بخشی از اقتصاد مقاومتی کشور باشند. متأسفانه، عدم توجه به این موضوع در گذشته و حال، ما را از بهره برداری از این سرمایه گذاری ها در آینده محروم کرده است. به ویژه در شرایط کنونی که شاخص های کلان اقتصادی نامناسب است، ایجاد اعتماد دوباره در میان مردم برای سرمایه گذاری در بورس و بخش تولید ضروری است.

برای جبران تجربیات تلخ، نیازمند بازسازی و تجدیدنظر در سیاست های اقتصادی هستیم. بورس می تواند یکی از نهادهای مالی مؤثر در تأمین نقدینگی باشد، اما در شرایط فعلی این امکان فراهم نیست. همچنین، وضعیت بانک ها و سیاست های آنها در زمینه سودآوری و سرمایه گذاری نیز چالش هایی را ایجاد کرده است. ورود بانک ها به حوزه های مختلف سرمایه گذاری مانند مسکن و صندوق ها، باعث افزایش نرخ تسهیلات شده که یکی از مشکلات اساسی بخش تولید به شمار می آید. در این راستا باید بررسی شود که آیا واحدهای تولیدی توان بازپرداخت این نرخ های بالا را دارند یا خیر. اگر تسهیلات با نرخ های بالا دریافت کنند، آیا قادر خواهند بود با کالاهای مشابه خارجی رقابت کنند؟

در این شرایط همچنین نیاز به تدابیر مؤثری برای کاهش نرخ تسهیلات وجود دارد. سرمایه گذاری در تولیدی نه تنها منجر به ایجاد اشتغال خواهد شد، بلکه بار مسئولیت دولت در زمینه تأمین رفاه اجتماعی و امنیت اقتصادی را نیز کاهش خواهد داد. جامعه ای که افراد دارای شغل و درآمد مناسب باشند، خطرات اجتماعی و سیاسی کاهش می یابد. ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی در جامعه، خود به افزایش سرمایه گذاری ها کمک خواهد کرد. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی و سیاسی یکی از پیش نیازهای اصلی برای جذب سرمایه گذاری در بخش تولید است.

سرمایه گذاری در تولید همچنین مستلزم وجود نیروی انسانی است و نیروی انسانی نیازمند تأمین خواسته های خود است و این چرخه باید با نگاهی کلان و جامعه نگر دیده شود نه به صورت جزیره ای. همه اجزای زنجیره تولید، از جمله سرمایه گذاران، منابع مالی و بسترهای سرمایه گذاری که عمدتاً تحت تأثیر حاکمیت و قوای مختلف کشور قرار دارند، باید به طور هماهنگ همکاری کنند تا فضای کسب و کار در کشور اصلاح شود. تنها در شرایطی که فضای کلان کسب و کار بهبود یابد، می توانیم به سمت رشد و توسعه پایدار حرکت کنیم و این حرکت می تواند تأثیر مثبتی بر شاخص های اقتصادی کشور در سال های آتی داشته باشد.

شهناز صفایی

editor@smtnews.ir

نگاهی به آمارهای موجود نشان می دهد با وجود بیش از ۵ دهه تلاش در صنعت خودرو، وضعیت تولید خودرو در کشور چه از نظر کمی و چه کیفی اسفبار است. امیرحسین کاکایی، صاحب نظر صنعت خودرو، وضعیت نابسامان این صنعت را ناشی از سال ها سیاست گذاری متناقض، تحریم های شدید و ضعف ساختاری می داند که زمینه ساز فروپاشی این صنعت شده است. وی تأکید می کند که با وجود ظرفیت های بالقوه، نبود مدیریت واحد و دخالت های ناپیوسته سیاست گذاران، این صنعت به سمت مونتاژ کاری پیش رفته و بازار به سوی واردات خودرو و قطعات سوق یافته است. کاکایی راه حل اصلی حل مشکلات تولید خودرو در کشور را در تشکیل یک کمیته تخصصی فراجحای با اختیار تام و تمرکز بر اصلاح قوانین و بازسازی اکوسیستم تولید می بیند که بتواند صنعت خودرو را احیا کرده و مهم تر از همه نقش لکوموتیو اقتصاد کشور را ایفا کند. در ادامه گفت و گو با

این کارشناس صنعت خودرو و عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت را درباره کم و کیف تولید خودرو در کشور می خوانید.

همان طور که می دانید باوجود بیش از ۵ دهه تلاش وضعیت تولید خودرو چه در بحث کمی و چه کیفی چندان قابل قبول نیست. بفرمایید این روند از کی شروع شد و چه عواملی بر آن تأثیر گذار بودند؟

مشکل صنعت ما همان طور که بارها گفته ام از رویاپردازی های سیاستمداران، کلای مجلس (قانونگذاران) و مسئولان رده بالای دولتی که در قالب قانون گذاری های، سیاست گذاری ها و دستورات اجرایی متناقض و متغیر ناشی می شود. به خصوص در ۱۴ سال گذشته، وقتی که تحریم های سیسدا در ۲۰۰۹ و اعمال نخستین اقدامات جدی آن در ۲۰۱۱ توسط امریکا، آغاز شد، جریان سیاست گذاری توسعه صنعتی و به طور خاص توسعه صنعت خودرو دچار فروپاشی شد و هر کسی در هر مقطعی با ارائه طرح های رویایی، در تخریب این صنعت کوشید. از ۱۳۹۷ که تحریم ها با قلدری امریکا وارد فاز جدیدی شدند، اوضاع کلا در صنعت خودرو بهم ریخت و نظام فشل تنظیم گری و قانون گذاری و سیاست گذاری در این صنعت کلا متلاشی شد. تا قبل از این جریان بیش از ۳۰ نهاد دولتی و حاکمیتی بر این صنعت نظارت و حکمرانی می کردند. اما تقریباً سازمان گسترش متولی هدایت این صنعت تحت سیاست گذاری های مدیریت خودرو و وزارتخانه بود. در حال حاضر اما بیش از ۷ معاون وزیر صمت در هدایت صنعت خودرو اعمال نظر می کنند و در همان حال، هیچ کس حرف آخر را نمی زند. در این ۸ سال هشت وزیر عوض گردید و تمام ساختار بروکراتیک وزارتخانه ای که قرار بود نظمی به صنعت خودرو در حال اضمحلال بدهد و حتی توقع از آن، رشد و توسعه این صنعت بود، از هم پاشید. بماند همزمان نهادهای دیگر از جمله شورای رقابت با دستورالعمل های عجیب و غریب برای نرخ گذاری، ستاد تنظیم بازار با بحث هایی مانند قرعه کشی خودرو، و مجلس شورای اسلامی با قانون پر از تناقض و ضدتولید ساماندهی صنعت خودرو و بار کردن هزینه طرح هایی مانند جوانی جمعیت و نوسازی ناوگان بر این صنعت، در این ۸ سال اخیر کارهایی کردن که کلا صنعت خودرو به جرم می شنود و هم اکنون با سرعت زیادی به سمت مونتاژ کاری می رود. البته دولتمردان و قانون گذاری که مسبب این اوضاع نابسامان بودند، با تخریب کامل بازار خودرو، به جای حل مشکلات تولید، به سمت تقویت شدید واردات روی آوردند و با تمام توان امروز مسیر واردات را کاملاً باز کردند. آنها حتی امروز که مناکتیس فعال شده، به جای آنکه مسائل تولید را رفع کنند، در حال رفع موانع ارز و لزوم شفافیت در منشأ ارزی هستند که قطعاً باعث تقویت واردات از انواع مختلف آن خواهد شد.

البته مشکلات فقط در این سطح نیست و بسیار عمیق تر از این حرف ها است. یکی از بدیهی ترین موارد در تمام دنیای توسعه یافته یا در حال توسعه فراهم آوردن زیرساخت های مناسب برای توسعه از جمله برق و آب و گاز و راه مناسب برای توسعه صنعتی است. اما در ایران که ما زمانی (در دهه ۸۰) به اوج رسیده بودیم، با سیاست هایی کاملاً غلط ما را به روزی انداخته اند که به تدریج تمام این زیرساخت ها (به ویژه تأمین حامل های انرژی) که زمانی مزیت رقابتی بالامنابع ما بود، تبدیل به نقطه ضعف ما شده و چنان صنعت و صنعتگران را گرفتار کرده اند که بعید می دانم سالم از این دام بیرون بیایند. در خوشبینانه ترین حالت، صنعتگران ما می توانند با هزینه بالا بر این مشکلات زیرساختی بر بیایند و عملاً بیش از پیش از حوزه رقابت بین المللی کنار می روند و البته با باز شدن سیل گونه مسیر واردات انواع خودرو و قطعات، عملاً رقابت در بازار داخلی را هم می یازند. البته مسئولان ادعا می کنند که کمبود ارز توازن ایجاد خواهد کرد، اما همان طور که بارها توضیح داده ام این عدم توازن بیش از مونتاژ کاران و واردکنندگان، به تولیدکنندگان واقعی ضربه زده و خواهد زد.

حالا چه باید کرد آیا هنوز توان تولید خودرو داریم؟ با توجه به اینکه در روزگاری هم تولیدکننده خوبی بودیم و هم حرفی برای گفتن داشتیم. واقعیت این است تا مسئولان که خود را به خواب زده اند، بیدار نشوند و مشکلات و حتی بحران ها را قبول نکنند، کاری نمی شود کرد و سقوط صنعت خودرو حتمی است. اگر هر چه زودتر آنها بیدار شوند و قبول کنند که اشتباه کرده اند، ما نیازمند چند جراحی بزرگ هستیم و اگر این جراحی ها به موقع و درست و توسط متخصصان انجام شود، امکان احیای این صنعت وجود دارد. چرا؟ چون این صنعت دارای اکوسیستم و بنیهای علمی و مهارتی و ساختاری است که تقریباً هیچ یک از صنایع تولیدی ما ندارند. مهم ترین نقطه قوت این صنعت وجود مدیران، متخصصان و کارگرانی است که کار جمعی در این سطح را درک می کنند و تا حد مناسبی به صنعت، فناوری و مدیریت تسلط دارند. بماند که در چند سال اخیر، ضربات مهلکی به این بخش از صنعت هم خورده است. اما فرق استهلاک

تجهیزات با استهلاک اکوسیستمی این است که اکوسیستم تا وقتی زنده است، همچنان با هوشمندی قابل اصلاح است. بماند که در این اکوسیستم با افراد هوشمند، دانشمند، کارآمد و توانمند خلاقی روبه رو هستیم که تا همین الان هم با پوست کلفتی در مقابل تخریب صنعت مقاومت کرده اند و برخی شرکت ها و گروه های صنعتی کوچک و بزرگ از ساختار این اکوسیستم زنده هستند. این اکوسیستم دارای توانمندی های بسیاری بوده و هم اکنون در حال صرف انرژی برای رفع موانع تولیدی است که مسئولان ملکیتی به وجود آورده و می آورند. جالب است که مسئولان انگار خستگی ناپذیرند و تقریباً روزی نیست که مانعی جدید ایجاد نکنند. پس از روزی که مسئولان به جای مانع تراشی و صدور دستورات متناقض، کاری به کار صنعت نداشته باشند، این اکوسیستم شروع به تغییر رویه داده و رشد را دوباره آغاز می کند. این در سطح اولیه است و چیزی است که دائماً کارآفرینان به آن اشاره می کنند: مسئولان به ما کاری نداشته باشند، ما راه حل داریم و از پس مشکلات برمی آیم. اما اگر مسئولان کمی همت به خرج دهند و به جای رویه قبلی رویه هایی همچون مسئولان کشورهای چین و ویتنام و کره جنوبی و ترکیه در رابطه با صنعت خودرو از خود نشان دهند و کمی همت کنند، حتی این اکوسیستم و این صنعت می شود لکوموتیو صنایع دیگر و می تواند اقتصاد ما را به تحرکی جدی وادارد.

این فرآیند را از کجا شروع کنیم؟

اوضاع خیلی خراب است. متأسفانه طبق اطلاعات من نه تنها بیش از سی سی نهاد حاکمیتی در صنعت خودرو حکمفرمایی می کنند، بلکه انواع گروه ها به جاهای مختلف این نهادها چسبیده اند و از قدرت این نهادها استفاده می کنند تا نظر خود را اعمال کنند، بدون توجه به منافع ملی و حرکت دیگر نهادها و گروه ها. به عبارتی ما حتی درون نهادها (از جمله وزارت صمت، دولت، و...) دارای یکپارچگی نهادی و سازماندهی و سیاست گذاری نیستیم. اخیراً هم که مد شده انواع اندیشکده و هسته فکری شکل می دهند و جوانان جویای نامی دور هم جمع می شوند و بر مبنای اطلاعات سطحی و علم بین المللی ناقص مدعی پیدا کردن راه حل برای رفع مشکلات صنعت می شوند و در ادامه برخی از نهادهای بالادستی هم آنها را سرکار می گذارند و با ایده پردازی های ناقص، در ادامه رویاپردازی های بلند پروازانه پیرومردمی می کنند تا نظر خود را برای ما به ارث گذاشته اند، فضای سیاست گذاری را پر کرده اند از پیشنهادات سطحی و بعضاً تکراری که در طول تاریخ شصت سال گذشته بارها تجربه شده است. پس با این تحلیل، نقطه شروع، ایجاد یک کمیته یا شورا از طرف حاکمیت است که با تمام قدرت بتواند ساختار تنظیم گری را زیرورو کند. قدرتی شبیه آقای میله در آرژانتین، یا شبیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، وقتی برای جهش صنعت خودرو حدود سی سال پیش نقشه می کشید و طی این سی سال این صنعت را از حضيض ذلت به اوج رساند.

چقدر زمان می برد تا اصلاحات اولیه شروع شده و تأثیر آنها دیده شود؟

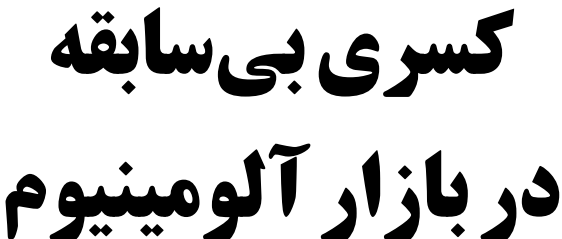
زمان اصلی به شدت وابسته به قبول واقعیت توسط مسئولان رده بالای کشور و تصمیم به اصلاح جدی مسیر و البته شجاعت آنها دارد؛ چراکه این تغییر و تحول در حد یک جراحی بزرگ اقتصادی و ترساند است. آدم هایی می توانند دست به این کار بزنند که واقعا نگران پست و مقامشان نباشند و فقط به فکر نجات میهن و زندگی حال و آینده مردم باشند. البته شجاعت به تنهایی جواب نمی دهد. باید خودخواهی ها و دفاع از عملکرد گذشته را کنار بگذارند و بچسبند به راه حل ها و واقع نگری را پیشه کنند. متأسفانه بیشتر افرادی که همینک باید تصمیم بگیرند هر کدام در مقطعی مسئولیتی در قبال این صنعت و حتی دیگر صنایع داشته اند و هر گونه اصلاحی با نگرانی آنها از زیر سوال رفتن عملکرد گذشته آنها همراه است. باید این بازی های سیاسی را به خاطر مردم و صلاح ممکت، کنار گذاشت و شجاعانه و مدیرانه، بر مبنای حداکثر بهره برداری از تجربه گذشته و استفاده از دانش سیاست گذاری روز دنیا، چنین تصمیمی را گرفت و شورایی از خبره ترین نخبگان در سطح ملی تشکیل داد که بتوانند حتی به مجلس هم دیکته کنند چه پرسد به رئیس جمهوری و وزرا. به عنوان مثال اگر بخواهیم قانون ساماندهی صنعت خودرو را کاملاً رعایت کنیم، خودبه خود هر گونه روند تحولی در صنعت قفل است پس این تیم ناچار است مجوزی داشته باشد که تحولات را شروع کند و تغییر قوانین مربوطه را در فرآیند عادی آن که معمولاً بیش از یکی دو سال و بعضاً تا سال ها طول می کشد، دنبال کنند. همچنین اگر بخواهیم به حرف های سازمان ملی استاندارد تمام قد گوش دهیم، در چنین شرایطی حتماً فرصت را از دست داده و صنعت خواهد مرد و دیگر صنعتی نمی ماند که برای آن استانداردسازی کنیم. پس باید

این تیم قدرت تغییر استاندارد را (مانند آن چیزی که در روسیه بعد از جنگ اوکراین دوهفته ای رخ داد) داشته باشد و بر مبنای واقع نگری تصمیم گیری کند و مجریان موظف به اجرا باشند. همچنین اگر بخواهیم مثلاً یورو ۵ را حفظ کنیم،



باید بتوانیم به وزیر نفت دستور دهیم که بنزین مربوطه را تأمین کند. اگر امکانات کشور اجازه نمی دهد در شرایط فعلی، وزیر نفت، چنین خواسته ای را اجرا کند، واقع نگر باشیم و استاندارد مورد نظر را پایین بیاوریم. همچنین باید بتوانیم برای تخصیص ارز، بین واردات و تولید، توازن راهبردی جدیدی برقرار کنیم. اگر بخواهیم رویه ای که به خصوص اخیراً باب شده است و هر کسی ارز در دسترس دارد، بتواند زودتر و به مقدار بیشتر مصرف کند، معلوم است که واردکننده برده است، چراکه واردات قطعاً سود بیشتری نسبت به تولید دارد. همچنین نمی شود شورای رقابت و سازمان حمایت و ستاد تنظیم بازار در این شرایط تورمی و تحریمی، بر حفظ سطح قیمت ها بر مبنای درخواست های اجتماعی به جای عوامل اقتصادی، اصرار ورزند و همزمان ما شاهد نجات صنعت و اقتصاد باشیم. از این دست مثال ها که مصداق همان تناقضات قانون گذاری های است که بارها گفته ام، زیاد است و آن تیم باید با رعایت مصالح مملکت و در عین شفافیت و سلامت برنامه ای ملی را پیاده کنند.

چه کسانی باید در این روند وارد عمل شوند و در این راستا بزرگ ترین موانع چیست و چگونه می توان آنها را برطرف کرد؟ در این راستا باید تمام عوامل و نهادهای حاکمیتی از تیم منتخب تبعیت کنند. برخی می گویند در کشور بیش از صد شورای عالی داریم و این حرکت را هم مانند آن صد شورا می دانند. اما این حرکت یک تفاوت اساسی دارد و آن این است که اتفاق نباید وزرا و کلا و مسئولان از جمله رئیس جمهوری عضو آن باشند. اگر هم کسی از مسئولان عضو این شورا است، باید به علت تخصص و تعهدش باشد و نه جایگاه سیاسی یا اجرایی اش. درست مانند رئیس شورای رقابت که شش سال رئیس است و قابل تعویض نیست. چنین افرادی منطقاً باید مستقیم توسط رهبر کشور انتخاب شوند و اختیار تام از طرف رهبری دریافت کنند. در نظام سیاسی ما چاره ای جز این نیست. در ادامه بقیه ارکان حکمرانی شامل قوه مجریه، قوه مقننه و حتی ارکان اجرایی قوه قضاییه و بقیه نهادهای شبه دولتی و حاکمیتی، باید تابع تصمیمات باشند. البته همزمان چنین شورایی مجبور است دستوراتی در مورد اصلاح اکوسیستم خودرو سازی بدهد. در این حالت بخش خصوصی و کارآفرینان هم در راهبر جدید نقش خود را متعاقب آن تمام توان حاکمیتی و حتی اقتصاد به تحرک واداشته بشود، ما هم مانند چین و کره جنوبی ناچار به جراحی های بزرگ در ساختار صنعت هستیم. ما باید تولید مبتنی بر پلتفرم های مشترک در انواع خودرو (سواری، اتوبوس، کمشندها و کامیون و حتی موتورسیکلت) را در سطح مختلف (خودرو، مجموعه ها و حتی قطعات راهبردی) را در دستور کار قرار دهیم. یک مثال ساده بنزین تا تصور نشود که این مسیر یک مسیر کمونیستی یا رو به عقب است. امروز انواع بردهای الکترونیک در انواع خودرو به کار می رود که اتفاق نه تنها ازبرری شدیدی به همراه دارد، بلکه امنیت کشور را هم به خطر انداخته است. با بازطراحی و تولید برخی از این بردها و از آن مهم تر پلتفرم های برنامه های سیستم عامل حاکم بر این بردهای نسبتاً هوشمند و خود کار، می توانیم شاهد جهش بزرگی در صنعت خودرو و البته صنعت الکترونیک باشیم. همین برنامه درباره انواع مازول های راهبردی خودرو از جمله پلتفرم خودرو، قوای محرکه مشترک، گیربکس مشترک و مواردی از این دست در انواع خودروهای با تقاضای بالا در جامعه قابل اجراست و به راحتی می تواند بالا ۸۰ درصد نیاز انواع بازارها را برآورده کند و دوباره اکوسیستم احیا شده و شروع به رشد کند. توجه داشته باشید که در این حرکت لزوماً جلوی مثلاً واردات خودرو برقی یا لوکس گرفته نمی شود، بلکه اولویت کشور روی خودرو مورد مصرف عامه مردم خواهد شد و تمام توان حاکمیتی در راستای توسعه آن به کار می رود. البته بدیهی است که بساط بسیار از رانت خواری ها که در قالب پروانه های بهره برداری و تولید یا واردات پهن شده است، جمع خواهد شد و اتفاقاً این همان چیزی است که تاکنون بزرگ ترین مانع هر گونه تحول اساسی در مسیر حذف رانت ها بوده است.



بشیر پاشایی؛ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ مشهد



مهرداد احمدی - کارشناس ارشد معادن و صنایع معدنی

در گوشه و کنار کوه‌ها و دشت‌های ایران، صدها معدن متروکه حضور دارند؛ گنجینه‌هایی که روزگاری نماد اشتغال، سرمایه و امید بودند، اما امروز به لکه‌هایی سیاه بر طبیعت و هشدارِ خاموش برای جوامع محلی تبدیل شده‌اند. این معادن بدون هیچ‌گونه مدیریت و تمهیدات حفاظتی رها شده‌اند و پیامدهای آن فراتر از تصور است؛ از آلودگی خاک و تخریب مراتع گرفته تا زهاب اسیدی و تهدید منابع آب زیرزمینی، این میراث فراموش‌شده در دل زمین، زندگی انسانی و طبیعی را به چالش کشیده است.

وضعیت ایران البته یک پدیده منحصر به خود نیست؛ بسیاری از کشورهای جهان نیز با معادن متروکه مواجهند، اما تفاوت اصلی در نحوه مدیریت است. کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند کانادا، استرالیا و آلمان با قوانین سختگیرانه، شرکت‌های معدنی را موظف می‌کنند تا پیش از پایان بهره‌برداری، بودجه و برنامه‌ای مشخص برای بازسازی زمین ارائه دهند. در این کشورها، معادن متروکه نه تهدید بلکه بخشی از چرخه توسعه پایدار محسوب می‌شوند؛ زمین‌های آسیب‌دیده تبدیل به پارک‌های طبیعی، مراکز گردشگری یا سایت‌های تولید انرژی تجدیدپذیر شده و حتی ارزش اقتصادی و اشتغال ایجاد می‌کنند. در ایران اما فقدان قوانین الزام‌آور، نبود مدیریت یکپارچه و ضعف سرمایه‌گذاری موجب شده است که معادن متروکه بیش از آنکه فرصت باشند، تهدیدی خاموش و همیشگی برای محیط‌زیست و اقتصاد محلی باقی بمانند.

چنین شکافی میان ایران و جهان بیش از آنکه ناشی از کمبود دانش فنی باشد، نتیجه محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات مدیریتی است. در کشورهای توسعه‌یافته، بازسازی معادن به یک صنعت مستقل تبدیل شده و با جریان سرمایه‌های کلان دنبال می‌شود، در حالی که اقتصاد ایران درگیر رکود و محدودیت منابع مالی است. این واقعیت، ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای بومی و کم‌هزینه را پررنگ می‌کند. حتی اقداماتی ساده مانند بازکاشت گیاهان مقاوم، تثبیت خاک و مدیریت خرد منابع آب می‌تواند بخشی از زمین‌های تخریب‌شده را احیا کند و از پیشرفت بحران زیست‌محیطی جلوگیری کند. معادن متروکه نه‌تنها تهدید زیست‌محیطی، بلکه فرصت اقتصادی نیز هستند. در شرایطی که کشور با بحران بیکاری و رکود اقتصادی مواجه است، تبدیل این معادن به کاربری‌های جایگزین – از گردشگری طبیعی و اکوتوریسم گرفته تا زمین‌های کشاورزی سازگار و سایت‌های تولید انرژی خورشیدی و بادی – می‌تواند چرخه‌ای تازه از اشتغال و تولید ایجاد کند. این همان رویکردی است که در کشورهای پیشرو دنبال شده است و نشان می‌دهد نگاه به معدن پس از پایان بهره‌برداری، تنها نگاه به یک گودال خالی نیست، بلکه نگاهی است به ظرفیت‌های نو برای توسعه و بازآفرینی.

ابعاد اجتماعی این بحران نیز نباید نادیده گرفته شود. رها شدن معادن به‌معنای از دست رفتن فرصت‌های شغلی، کاهش درآمد خانوارها و مهاجرت نیروهای کار است. نمونه‌هایی در استان یزد و چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که هزاران هکتار از زمین‌ها و مراتع به‌دلیل فعالیت‌های معدنی تخریب شده‌اند و بدون برنامه احیا، این خسارت‌ها جبران‌ناپذیر خواهند بود. در چنین شرایطی، تنها مدیریت خرد و مشارکت فعال جوامع محلی می‌تواند بخشی از این ظرفیت‌ها را به جریان اقتصادی بازگرداند و از بروز فجایع زیست‌محیطی و اجتماعی جلوگیری کند.

یکی دیگر از چالش‌های مهم ایران، واگذاری شتاب‌زده معادن متروکه در قالب مزایده‌های گسترده است. کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند که آزادسازی هم‌زمان هزاران معدن بدون ارزیابی علمی و برنامه‌ریزی دقیق، ریسک زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری به اکوسیستم کشور وارد خواهد کرد. در بسیاری از کشورهای جهان، چنین روندی به‌طور کامل کنترل می‌شود؛ سرمایه‌گذاران ملزم به ارائه طرح‌های احیا، تضمین بودجه بازسازی و رعایت استانداردهای محیط‌زیستی هستند. این تفاوت نشان می‌دهد که ایران برای تبدیل معادن متروکه به فرصتی پایدار، نیازمند اصلاح قوانین، ایجاد صندوق‌های احیا و نظارت موثر است.

در عین حال، محدودیت‌های اقتصادی نباید مانع ابتکار عمل شود. حتی با منابع مالی محدود، می‌توان با استفاده از ظرفیت جوامع محلی، فناوری‌های کم‌هزینه بومی و تعریف پروژه‌های کوچک و هدفمند، روند احیا را آغاز کرد. نگاه به معادن متروکه به‌عنوان منابعی برای توسعه پایدار، نه تنها محیط‌زیست را حفظ می‌کند، بلکه ارزش اقتصادی جدید و اشتغال پایدار ایجاد خواهد کرد. تجربه جهانی نشان می‌دهد که این نوع سرمایه‌گذاری بلندمدت، هرچند زمان‌بر، بازدهی اقتصادی و زیست‌محیطی قابل‌توجهی دارد.

معادن متروکه در ایران بیش از آنکه پایان یک چرخه باشند، آغاز آزمونی بزرگ هستند؛ آزمونی که نشان خواهد داد آیا کشور توانایی دارد میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست توازن برقرار کند یا این میراث خاموش زمین، تهدیدی دائمی برای نسل‌های آینده باقی خواهد ماند. جهان ثابت کرده است که با مدیریت علمی، سیاست‌گذاری پایدار و نگاه بلندمدت، می‌توان از دل زمین‌های آسیب‌دیده، آینده‌ای سبز و فرصت‌آفرین ساخت. ایران نیز اگرچه با محدودیت‌های اقتصادی و مدیریتی دست به گریبان است، اما با اصلاح قوانین، مشارکت جوامع محلی و استفاده از ظرفیت‌های بومی، می‌تواند این تهدید خاموش را به فرصتی واقعی برای توسعه پایدار تبدیل کند و نشان دهد که حتی در شرایط سخت، توسعه و حفاظت از طبیعت می‌توانند هم‌زمان تحقق یابند.

در بررسی وضعیت از وضعیت معادن کشور نمایان شد

مسیر سخت تولید



تولید را باید یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد دانست که ارتباط موثری با صادرات موفق دارد. هر میزان تولید افزایش یابد، صادرات نیز افزایش پیدا می‌کند و جایگاه کشور را ارتقا می‌دهد. معدن در بحث تولید با چالش‌های اساسی مانند کاهش سرمایه‌گذاری، نبود تکنولوژی، ماشین‌آلات فرسوده و... مواجه است و تا رفع این مشکلات، تولید محصولات معدنی، چندان قابل توجه نخواهد بود. به‌مناسبت روز جهانی تولید، وضعیت تولید محصولات معدنی در کشور را بررسی کرده است.

صنایع معدنی به‌عنوان منبع تأمین مواد اولیه در بخش‌های مختلف صنعتی از جمله فولاد، سیمان، پتروشیمی، خودروسازی و قطعه‌سازی اهمیت بالایی دارد. استخراج و فرآوری مواد معدنی نه‌تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد اشتغال و توسعه مناطق محروم نیز است. در بسیاری از کشورها، بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی از طریق فعالیت‌های

معدن و ایجاد توسعه پایدار

سنگ‌آهن، برنز پیدا کند، اما با این حال، ایران در بخش معدن با این مشکل مواجه نیست.

❑ **درآمدهای نفتی با درآمدهای معدنی، تفاوت ساختاری دارند**
وی افزود: برخلاف بخش نفت که با این عارضه دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ دلایل متعددی برای این تفاوت وجود دارد، از جمله اینکه درآمدهای نفتی با درآمدهای معدنی تفاوت ساختاری دارند، به‌علاوه، بخش معدن به‌دلیل آنکه بخش عمده‌ای از تولیدات آن از مرحله استخراج تا فرآوری و تبدیل به محصولات مختلف، به‌ویژه در صنعت فولاد، در داخل کشور مصرف می‌شود، از عوارض بیماری هلندی مصون مانده است؛ این زنجیره که در بخش‌های پایین‌دستی خود تا حدی مبتنی بر فناوری و تکنولوژی نیز هست، نه‌تنها اشتغالزا است، بلکه می‌تواند رشد اقتصادی نسبتاً پایداری را نیز رقم بزند.

این فعال صنعت و معدن در ادامه این گفت‌وگو اظهار کرد: باوجود اینکه سهم بخش معدن و صنایع مرتبط در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد، مانند خدمات یا نفت، چندان بزرگ نیست، اما این بخش قطعاً می‌تواند اشتغال پایدار ایجاد کند و کمک بزرگی برای تولید محصولات معدنی باشد. همان‌طور که گفته شد، تولید را باید یکی از مهم‌ترین ارکان حوزه معدن دانست. از لحظه استخراج تا تبدیل به مقاطع فولادی و استفاده در صنایع ساختمانی، خودروسازی یا حتی صادرات و بازرگانی، این زنجیره می‌تواند اقتصاد را پویاتر کند. بنابراین این فرآیند نه‌تنها درآمد داخلی ایجاد می‌کند، بلکه امکان صادرات و ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم را نیز فراهم می‌آورد که این موضوع

مسیر تولید و توسعه فولاد سبز

و هیدروژن تولید می‌شود، یک راه امیدوارکننده برای کربن‌زدایی تولید فولاد و گسترش صنعت هیدروژن است. ایران که دارای منابع تجدیدپذیر فراوان و ذخایر سنگ‌آهن است، در موقعیت ایده‌آلی برای حمایت از این فناوری دوستدار محیط‌زیست قرار دارد. تولید فولاد سبز از نظر زیست‌محیطی و اقتصادی دارای چالش‌های مهمی نیز هست. وی گفت: فولاد سبز، تولید خود را در نخستین کارخانه فولاد سبز اروپا در شمال سوئد آغاز کرده است. از روش‌های تولید فولاد سبز استفاده از هیدروژن برای واکنش با سنگ‌آهن و تولید بخار آب یا بازیافت مواد خام است. نتایج تحقیقات نشان داد که استفاده از فولاد سبز، باوجود چالش‌هایی که دارد به کاهش انتشار گاز CO۲ کمک می‌کند و از نظر اقتصادی نسبت به فولاد معمولی به‌صرفه‌تر است. هدف فولاد سبز این است که تولید فولاد سازگارتر با محیط‌زیست باشد و تأثیر آن بر اقلیم کاهش یابد. فرآیند تولید فولاد سبز متمرکز بر استفاده از برق و سوخت‌های غیر فسیلی است که منجر به انتشار

مزیت نسبی ایران در تولید آهن اسفنجی

می‌رود، همچنین تکنولوژی‌های نوین تولید هیدروژن سبز، نقشی کلیدی در آینده آهن‌اسفنجی بازی خواهند کرد.

❑ **مزیت نسبی کشور ما نسبت به سایر کشورها**

وی گفت: مزیت نسبی کشور ما نسبت به سایر کشورهای فعال در حوزه تولید آهن، انرژی ارزان است. در سال‌های گذشته، نرخ هرتن کک حدود ۴۰۰ دلار بود. برای مثال، ذوب‌آهن اصفهان برای تولید هر تن فولاد، حدود ۵۰۰ کیلو کک مصرف می‌کند که در مقایسه با نرخ گاز طبیعی بسیار بالا است و در نتیجه، سودآوری کمتری دارد. علاوه بر بحث قیمت، مسئله مخرب‌بودن کوره‌بلندها برای محیط‌زیست نیز مطرح است. در روش تولید احیای مستقیم، حدود هزار و ۳۰۰ کیلو گاز گلخانه‌ای CO۲ به ازای هر تن فولاد تولید می‌شود، در حالی که این رقم در کوره‌بلندها تا ۲هزار و ۳۰۰ کیلو CO۲ به ازای یک تن

فناوری‌های بازیافت پسماند، استخراج سبز و بهره‌گیری از منابع انرژی تجدیدپذیر از جمله راهکارهای موثر به‌شمار می‌آیند. همچنین پایش مداوم کیفیت هوا و آب در اطراف معادن می‌تواند به حفظ محیط‌زیست کمک کند. برنامه‌های بازسازی مناطق معدنکاری‌شده مانند کاشت مجدد درختان و احیای زیستگاه‌های طبیعی پس از اتمام استخراج اهمیت ویژه‌ای دارد.



به‌وضوح یک مزیت و نعمت است و جای تردید ندارد. چالش‌های تأمین مالی پروژه‌های معدنی و صنعتی نباید صرفاً به تأمین مالی محدود شود، بلکه باید به‌عنوان یک بسته جامع مورد بررسی قرار

گیرد که ابتدا اقتصاد کلان و سپس این صنعت را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. به‌بیان دیگر، ابتدا باید تصویر کلان اقتصادی را در نظر گرفت؛ چراکه وقتی از سرمایه‌گذاری صحبت می‌شود، تمامی سرمایه‌گذاران اعم از خصوصی، نهادی یا دولتی، به نرخ بازگشت سرمایه و هزینه‌های آن توجه ویژه دارند. وی درباره سهم تکنولوژی در راستای تولید با کیفیت گفت: قطعاً، تکنولوژی می‌تواند تأثیر بسیاری بر تولید بیشتر و باکیفیت داشته باشد. هر میزان تکنولوژی متناسب با تغییرات جهانی حرکت کند، قطعاً بهترین کارایی را خواهد داشت و کمک بسیار بزرگی بر تمام حوزه‌های اقتصادی از جمله معدن خواهد بود. نبود تکنولوژی، هدررفت انرژی افزایش می‌یابد، کیفیت محصول کاهش پیدا می‌کند و مشکلات دیگری نیز بروز می‌کند. از سوی دیگر، موضوعات زیست‌محیطی در دنیا روزه‌به‌روز جدی‌تر می‌شوند و به نظر من، در ۱۰ سال آینده، اگر بخواهیم صادراتی در این صنعت داشته باشیم، باید به مسائل زیست‌محیطی توجه ویژه‌ای داشته باشیم و بحث‌هایی مثل فولاد سبز، مالیات بر آلودگی، مالیات کربن و سایر مسائل مشابه اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و ممکن است صادرات ما را تحت‌تاثیر قرار دهند.



گازهای گلخانه‌ای کمتر نسبت به فولاد معمولی می‌شود. فرآیند فولاد سبز انتشار گاز دی‌اکسیدکربن را تقریباً صفر می‌کند، در حالی که صنعت فولادسازی بیش از ۷ درصد از انتشار دی‌اکسیدکربن

جهانی را تشکیل می‌دهد؛ از این‌رو کربن‌زدایی یک اولویت جهانی در صنعت فولاد است. وی افزود: چالش‌های پیش‌روی پذیرش تولید گسترده فولاد سبز شامل هزینه‌های بالا، دسترسی محدود به فناوری و نیاز به زنجیره تأمین قابل‌اعتماد هیدروژن تولیدشده توسط ۱۰۰ درصد انرژی‌های تجدیدپذیر است. هزینه احیای مستقیم مبتنی بر هیدروژن و الکترولیز اکسید مذاب در حال حاضر ۲۰ تا ۳۰ درصد بیشتر از تولید فولاد معمولی است که با نرخ کربن حدود ۷۰ تا ۱۰۰ دلار به‌ازای هر تن CO۲ مطابقت دارد.

سخن پایانی

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت اقتصادی در جهان بخش معدن است. امروزه کشورهای پیشرو اقتصادی، معدن را به‌عنوان موتور محرک اقتصادی به‌کار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که این بخش، سهم مهمی در توسعه و تولید ناخالص داخلی آنها ایفا می‌کند. ایران به‌عنوان کشوری غنی از نظر نوع و تعداد کانی‌های معدنی، می‌تواند با در پیش گرفتن شیوه‌های ترکیبی و هم‌زمان، بخش معدن را به‌عنوان اهرمی برای رشد اقتصادی و توسعه همه‌جانبه خود قرار دهد.

در تنگنای جنگ و اقتصاد



مسعود بنایفان
– **نایب رئیس اتاق**
تبریز: این روزها بیش از هر زمان دیگری، در تقاطع پرخطر منازعات ژئوپلیتیکی و بحران‌های ساختاری گرفتار آمده‌ایم. آثار به‌جامانده از سال‌ها

تحریم، سوءتدبیرهای انباشته و ساختار معیوب مالی – پولی کشور، در کنار تحولات ناگهانی امنیتی و منطقه‌ای، یک فضای پرتلاطم و غیرقابل پیش‌بینی پدید آورده است. جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم اشغالگر قدس، اگرچه از منظر نظامی در مرزهای مشخصی رخ داد، اما پیامدهای اقتصادی آن فراتر از یک تقابل کوتاه‌مدت بود؛ لرزش در زنجیره‌های تامین، تشدید نااطمینانی، اختلال در صادرات و واردات و مهم‌تر از همه، ایجاد ذهنیت بحران در میان کنشگران اقتصادی. در چنین فضایی، پرسش اصلی این نیست که ایران در حال عبور از بحران است یا خیر؛ بلکه اینکه چگونه و با چه سازکارهایی می‌توان در دل این بحران تصمیم‌سازی کرد؟ آیا می‌توان همچنان با ابزارهای کهنه و ساختارهای بروکراتیک ناکارآمد، اقتصاد را در این میدان مین هدایت کرد؟ یا وقت آن فرا رسیده که تصمیم‌های سخت، اما عقلانی، در دستور کار قرار گیرند، مهم است.

اتاق‌های بازرگانی، به‌عنوان نهادهای میانی بین دولت و بخش خصوصی، نه‌تنها شاهد عینی وضعیت جاری هستند بلکه نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان اصلاح اقتصادی در شرایط بحرانی دارند. واقعیت این است که امروز مسئله صرفا رکود نیست، تورم هم نیست، حتی کسری بودجه هم به‌تنهایی معضل اصلی نیست؛ آنچه اقتصاد ایران را شکننده کرده، «برهم‌خوردن غلاتیت در تصمیم‌گیری‌های کلان» است.

این بی‌نظمی، تصمیم‌گیری را تابع ملاحظات لحظه‌ای، تعارض منافع و گاه حتی جوسازی‌های رسانه‌ای کرده است. در چنین شرایطی، تجمیع دانش، بازبینی ساختارها و اصلاح رویه‌ها نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت فوری است. اگر به عقب بازگردیم، درمی‌یابیم که کشور در دهه‌های اخیر بارها با بحران مواجه شده است؛ اما آنچه بحران امروز را متفاوت می‌کند، همزمانی فشرده چندین عامل ساختاری و بیرونی است: فشارهای تورمی بی‌سابقه، فرسایش ظرفیت‌های تولید، فرار سرمایه انسانی و مالی و در عین حال، ورود ناگهانی شوک‌هایی نظیر جنگ و قطع ارتباطات تجاری. این ترکیب خطرناک، موجب شده که تصمیم‌های اقتصادی دیگر با نگاه میان‌مدت نیز کفایت نکنند.

ما با پدیده‌ای مواجهیم که می‌توان آن را «وژئانس ساختاری» نامید؛ شرایطی که در آن، اقتصاد نیازمند مداخلاتی هدفمند، موثری و در عین حال آینده‌نگر است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بحران اخیر، تشدید اختلال در گردش پول و سرمایه در کشور است. به‌عبارت روشن‌تر، نه‌تنها بخش خصوصی به منابع دسترسی کافی ندارد، بلکه انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مجدد نیز مشاهده نمی‌شود. نظام بانکی، که باید رکن واسطه‌گری مالی باشد، خود به‌دلیل تکیه افراطی دولت بر منابع بانکی و رشد بی‌رویه پایه پولی، دچار خفگی اعتباری شده است.

این در حالی است که بسیاری از راهکارهای پیش‌روی سیاست‌گذار، در صورت استفاده صحیح، می‌توانند به ابزاری بخشی از این خرجه کمک کنند: از مهار انتظارات تورمی گرفته تا سیاست‌های انقباضی هدفمند، ساماندهی تخصیص منابع بانکی و حتی طراحی سازکارهای حمایتی مبتنی بر بازار. از سوی دیگر، شرایط بحرانی، فرصتی است برای بازتعریف نقش نهادهای اقتصادی در سیاست‌گذاری. امروز اتاق‌های بازرگانی تنها ناظر یا مطالبه‌گر نیستند؛ آنها در خط مقدم طراحی راه‌حل قرار دارند. تجربه کشورهای گرفتار جنگ و بحران نشان داده که طراحی پروتکل‌های اجرایی مشارکتی بین دولت و بخش خصوصی، می‌تواند بسیاری از هزینه‌ها را تعدیل کرده و حتی افق‌های جدیدی برای بازسازی اقتصادی فراهم کند.

در همین چارچوب، ضرورت دارد که سیاست‌های بخردانه و مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی، نه با رویکرد کلی‌گویی یا توصیه‌های دانشگاهی، بلکه با تمرکز بر داده‌ها، مطالعات موردی و الگوبرداری دقیق از تجربیات داخلی و خارجی پیگیری شود. در این شماره، هدف آن نیست که صرفا تصویری تاریک از وضعیت ارائه شود. بلکه، آنچه مدنظر است، باز کردن دریچه گفت‌وگویی جدید است؛ گفت‌وگویی که در آن، بحران به‌عنوان یک وضعیت گذرا تلقی نشود، بلکه به‌مثابه بستر اصلاح، بازسازی و حتی نوسازی نهادهای اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

اگر پیش‌تر از «مقاومت اقتصادی» سخن گفته می‌شد، امروز وقت آن رسیده که از «غلاتیت بحرانی» حرف بزنیم؛ غلاتیتی که هم شرایط میدان را درک می‌کند و هم راه‌حل‌هایی واقع‌گرا اما بلندپروازانه برای برون‌رفت از آن ارائه می‌دهد. بی‌تردید، این وضعیت آسان نیست. شاید در کوتاه‌مدت پرهزینه باشند، اما در بلندمدت، نجات‌بخش خواهند بود.

تفکاه



بخش عمده

صادرات

ایران شامل

مواد خام یا

کم‌فراوری‌شده،

مانند محصولات

معدنی و نفتی

است که

خریداران اصلی

آن کشور های

صنعتی هستند



با وضعیت

فعلی اقتصاد و

محدودیت‌های

تحریمی، تمرکز

بر تولیدات

صادرات محور

نه‌تنها

ضروری بلکه

اجتناب‌ناپذیر

است

تجارت

تحریم‌ها دوباره صحنه رقابت را تغییر می‌دهند

مسیر سخت صادرات



کیما ملکی

editor@smtnews.ir

دشواری، نبرد تازه‌ای بر سر حفظ بازارهای هدف آغاز شده است. این روزها کارخانه‌داران، صادرکنندگان و فعالان اقتصادی می‌دانند که رقابت دیگر فقط در کیفیت و نرخ خلاصه نمی‌شود، بلکه در سرعت، اعتماد و دسترسی شکل گرفته است. رقبا در منطقه، از ترکیه تا امارات، از خلأ حضور قدرتمند ایران در برخی بازارها، نهایت استفاده را می‌کنند. پرسش اصلی این است: ایران چگونه می‌تواند در شرایطی که فشارهای لجستیکی، محدودیت‌های بانکی

زنجیره تامین زیر سایه محدودیت‌ها

غیرمستقیم و واسطه‌های ثالث متکی است.

نبرد بازارهای منطقه

بازارهای منطقه‌ای، که زمانی سکوی پرتاب صادرات غیرنفتی ایران بودند، امروز به میدان رقابتی شدید تبدیل شده‌اند. عراق، افغانستان، آسیای میانه و قفقاز همچنان بهترین فرصت‌ها برای تولیدکنندگان ایرانی به‌شمار می‌روند، اما رقبا با سرعتی بسیار بیشتر از گذشته در حال تصاحب این بازارها هستند. ترکیه با امتیاز نزدیکی جغرافیایی و توافقات تجاری با اروپا، محصولات استاندارد و متنوع را با نرخ رقابتی به این کشورها عرضه می‌کند. امارات با تمرکز بر نقش هاب لجستیک، توانایی تحویل سریع کالا را به مشتریان تضمین کرده و همین مزیت، اعتماد خریداران را جلب می‌کند. در این میدان، کیفیت و تنوع محصول دیگر تنها معیار تصمیم مشتری نیست؛ سرعت تحویل، ضمانت نرخ و سهولت پرداخت نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. تحریم‌ها مسیر نقل و انتقال پول را برای بسیاری از مشتریان دشوار کرده و این مسئله باعث شده برخی از واردکنندگان به سمت تولیدکنندگان دیگر متمایل شوند. برای مثال، یک مشتری قفقازی که پیش‌تر محصولات ساختمانی ایرانی را ترجیح می‌داد، اکنون به‌دلیل مشکلات بانکی به‌سمت تامین‌کننده ترک حرکت کرده است. این واقعیت تلخ نشان می‌دهد که با رقابت منطقه‌ای در حال دگرگونی است و ایران برای حفظ جایگاه خود باید استراتژی تازه‌ای داشته باشد. ایجاد پایگاه‌های توزیع در کشورهای هدف، استفاده از ارزهای محلی و ورود به توافقات تهاتری می‌تواند این مسیر را کوتاه‌تر کند. سرعت و انعطاف عمل، همان نکته‌ای است که می‌تواند

۲۵درصد صادرات ایران در گرو ۵ کشور محدود

چالش تولید صادراتمحور

حریری با انتقاد از نبود تولیدات صادراتمحور افزود: تمرکز صرف بر توسعه بازارهای هدف کافی نیست، بلکه باید کیفیت و نرخ محصولات تولیدی ایران به سطح رقابت جهانی برسد. به‌گفته وی، اگر بازار افغانستان و عراق از دست برود، مشخص نیست کدام کشور پذیرای کالاهای ساخته‌شده ایرانی خواهد بود. نبود برنامه‌ریزی تولیدی متناسب با نیاز بازارهای جهانی، دلیل اصلی عقب‌ماندگی صادرات است.

تجارت خارجی بدون ۳ ستون حیاتی

وی یادآور شد؛ تجارت بین‌المللی بر ۳ ستون بانکداری، بیمه و حمل‌ونقل استوار است، اما ایران در هر ۳ بخش تحت‌تحریم قرار دارد. در نتیجه، تعداد کشورهایی که ریسک همکاری با ایران را می‌پذیرند، روزبه‌روز کمتر می‌شوند و محدودیت در بازارهای هدف به پدیده‌ای عادی تبدیل شده است.

تمرکز بر همسایگان

حریری گفت: مطابق سیاست‌های تجاری، از سال ۱۴۰۰ اولویت

راهی جز صادرات غیرنفتی نیست

دارد، افزود: چاره‌ای جز ورود به این مسیر نداریم؛ حتی اگر درصد موفقیت ۱۰ درصد هم باشد، بازهم بهتر از سکون بوده و هدف، پیشبرد صادرات در شرایط فعلی است؛ چه محدود و چه گسترده.

تبادلات کالایی؛ مدل جایگزین پولی

دانشمند بالشاره به نقش کشورهای همسایه در تجارت ایران اظهارکرد: می‌توان بر مبادلات کالایی با همسایگان تمرکز کرد؛ در این روش، نه پولی رد و بدل می‌شود و نه وابستگی به سیستم‌های بانکی داریم. تنها کالا در برابر کالا مبادله می‌شود، با قیمت‌گذاری توافقی و بدون انتقال وجه نقد.

این مدل قبلا نیز بین ایران و عراق اجرا شده و موفق بوده است

سخن پایانی

استفاده از ظرفیت‌های لجستیکی نوو ساخت برند قابل اعتماد تکیه دارد، در میدان رقابت منطقه‌ای، ایران باید نه‌تنها در کیفیت محصول، بلکه در سرعت، خدمات و روش‌های نوین پرداخت حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد. هرچند فشارها سنگین است، اما بازارهای همسایه و برخی بازارهای آسیایی همچنان تشنه کالاهای ایرانی با نرخ و کیفیت مناسب هستند، با

editor@smtnews.ir

و دشواری‌های تامین مواد اولیه بیش از همیشه نفس تولید را سنگین کرده، مسیر رشد صادرات را حفظ کند؟ گرچه ابعاد چالش گسترده است، اما تجربه سال‌های گذشته نشان داده که تولیدکننده ایرانی توان عبور از بحران را دارد؛ آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز است، بازتعریف نقشه صادرات و تمرکز بر ظرفیت‌های تولیدی است که بتوانند در میدان رقابت خاورمیانه و فراتر از آن، حرف آخر را بزنند.

در جنگ بازارها، برگ برنده صادرکننده ایرانی باشد.

راه عبور: بازتعریف مسیر تولید صادراتی

گرچه فشار سیاسی و اقتصادی بر تولیدات صادراتمحور سنگین است، اما ایران همچنان ظرفیت‌های بالقوه زیادی دارد که با سیاست‌گذاری درست می‌تواند آنها را بالفعل کند. نخستین گام، بازتعریف ساختار تولید بر اساس نیاز بازارهای هدف است. محصولات باید نه برمبنای آنچه در داخل متداول است، بلکه براساس استانداردها و سلیقه مشتریان خارجی طراحی و تولید شوند. این رویکرد، علاوه بر افزایش جذابیت کالا، جایگاه ایران را در رقابت سالم تثبیت می‌کند. در بخش فناوری، سرمایه‌گذاری روی نوسازی خطوط تولید حتی با منابع محدود داخلی، ضروری است. تجربه نشان داده است هرچه کیفیت و دوام کالا بالاتر باشد، مشتریان آماده پذیرش محدودیت‌های لجستیکی هستند. در کنار این، باید به بازاریابی هوشمندانه توجه کرد. حضور در نمایشگاه‌های منطقه‌ای، هرچند به‌صورت محدود با از طریق نمایندگی‌های محلی، می‌تواند مسیر یافتن مشتریان جدید را باز کند. مدیریت هوشمند زنجیره تامین نیز اهمیت بالایی دارد. این روزها برخی صنایع با ایجاد شبکه‌های تامین چندجانبه در آسیا و افریقا توانسته‌اند بخشی از فشار تحریم‌ها را کاهش دهند. استفاده از مسیرهای لجستیکی جایگزین و انعطاف در قراردادهای، باعث حفظ تعهد به مشتریان شده و اعتبار برند را در بازار جهانی تقویت می‌کند. در نهایت، موفقیت صنایع صادراتمحور ایران در شرایط جدید، ترکیبی از نوآوری، سرعت تصمیم‌گیری و توانایی تطبیق با محیط تجاری متغیر خواهد بود.



نخست تعاملات خارجی به کشورهای همسایه و سپس هند چین داده شده، در مرحله دوم نیز بازارهای آمریکای لاتین در نظر گرفته شدند. در سراسر جهان، روابط تجاری با همسایگان به‌طور طبیعی حجم بیشتری دارد و ایران نیز از این قاعده مستثنای نیست.

راهکارهای گسترش بازارها

به‌عنوان راه‌حل وی بر ۲ مسیر موازی تاکید کرد؛ نخست، رفع کامل تحریم‌ها که تیم دیپلماتی آن را دنبال می‌کند. دوم، طراحی راهکار جایگزین در صورت ادامه یا تشدید تحریم‌ها از جمله توسعه تفاهم‌های موجود به پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه و عضویت در توافقات متنوع برای ورود به بازارهای جدید.



و امروز می‌توان آن را با پاکستان و دیگر کشورها نیز گسترش داد.

راهکار برای عبور از محدودیت مالی

این کارشناس تجاری خاطرنشان کرد: تبادل کالا با کشورهایی که به تجارت غیرتحریمی با ایران تمایل دارند، تنها مسیر عملی در شرایط فعلی است. وقتی امکان پول دادن یا پول گرفتن وجود ندارد، تنها راه حفظ جریان تجارت، استفاده از روش کالا در برابر کالا است.

برنامه‌ریزی دقیق، تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی و تمرکز بر بخش‌هایی که مزیت نسبی دارند، می‌توان این میدان دشوار را به فرصتی تازه برای تثبیت جایگاه ایران در تجارت بین‌الملل تبدیل کرد. آینده صادرات ایران، همان‌طور که گذشته‌اش نشان داده، در گرو توان عبور از بحران و استفاده هوشمندانه از آن برای بازسازی مسیر رشد خواهد بود.

باید از کاهش تولید مسکن هر اسید

علی حسن‌زاده
کارشناس مسائل اقتصادی

مکانیزم ماشه، ایران را به سمت یک بحران سه‌بعدی سوق می‌دهد که براساس آن، شاهد فروپاشی عمیق اقتصادی و اجتماعی خواهیم بود. اما نکته قابل تامل، تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها است که در بدترین سناریو ۶ ماه و در بهترین سناریو ۱۸ ماه پیش‌بینی شده است!

مسکن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای اساسی خانوار، نقشی تعیین‌کننده در ثبات اجتماعی، توسعه اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی دارد. با این حال، در سال‌های اخیر کاهش محسوس تولید مسکن در ایران موجب بروز مشکلات جدی در بازار عرضه و تقاضا شده است. این مسئله اگر به‌صورت راهبردی مدیریت نشود، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی قابل‌توجهی برای کشور به‌همراه خواهد داشت.

تبعات کاهش تولید مسکن در یک کلام با افزایش هزینه‌های خانوار و محدودیت در عرضه همراه می‌شود که منجر به رشد نرخ خرید و اجاره شده و بخش بزرگی از درآمد خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین موجب گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و رشد حاشیه‌نشینی می‌شود. ضمن اینکه گرانی مسکن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج و فرزندآوری نیز شناخته می‌شود که می‌تواند روند تحولات جمعیتی کشور را مختل کند.

به‌بیان دیگر، رکود اقتصادی و کاهش فعالیت‌های ساختمانی موجب رکود در بیش از ۱۰۰ رشته صنعتی وابسته و ایجاد فشار بر بازار کار می‌شود.

در این زمینه مرکز آمار، میزان تورم مرداد را ۴۲.۴ درصد نسبت به سال گذشته و ۳.۹ درصد نسبت به ماه قبل اعلام کرده است. همچنین تورم مسکن ۳۴ درصد و تورم اجاره مسکن ۳۷ درصد بوده و میانگین نرخ هر مترمربع مسکن در تهران ۱۲۳ میلیون تومان اعلام شده که مطابق آمار رسمی کشور از کل هزینه‌های ماهانه نیمی از خانوارهای ایرانی و جمعیت کشور بخش بزرگی صرف مسکن (اجاره یا اقساط یا...) و حدود ۳۰ درصد صرف غذا می‌شود؛ که جمع آن بیش از ۸۰ درصد درآمد خانواده را می‌بلعد.

از سوی دیگر، مطابق آمار ارائه‌شده در نیمه ابتدایی سال در بخش فروش ساختمان با آمار منفی ۵۰ درصد و در بخش بازدهی بازارها حوزه مسکن منفی ۱۰ درصد را به نمایش گذاشته است! این یعنی تمام آمارها گویای مواجه شدن ایران با تورم حدود ۷۰ درصد تا پایان سال است که باید از آن هراسید.

از جمله راهکارهای پیشنهادی به دولت به‌منظور مدیریت بحران موجود و تامین نیاز مسکن، می‌توان از تخصیص زمین و زیرساخت‌های لازم به پروژه‌های مسکن درون و پیرامون شهرها، همراه با توسعه حمل‌ونقل عمومی و خدمات شهری نام برد.

ایجاد مشوق‌های مالی و اعتباری از جمله اعطای وام‌های بلندمدت و کم‌بهره، راه‌اندازی صندوق‌های زمین و ساختمان و استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای تامین مالی پروژه‌های بزرگ و همچنین تقویت مشارکت بخش خصوصی و تعاونی‌ها از طریق کاهش بروکراسی، تسهیل صدور مجوزها و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری نیز از جمله موارد قابل‌توجه هستند.

بکارگیری فناوری‌های نوین ساختمانی برای افزایش سرعت، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت ساخت‌وساز و اصلاح سیاست‌های مالیاتی شامل اعمال مالیات بر خانه‌های خالی و معاملات مکرر، به‌منظور هدایت سرمایه‌ها به‌سمت تولید و ساخت نیز از جمله راه‌حل‌های بحران مسکن و ارتقای عدالت اجتماعی است.

همچنین از آنجایی که سایه تورم بالا بر بازار مسکن موجب شده است تا هزینه ساخت‌وساز و در نهایت نرخ تمام‌شده مسکن بالا برود، باید مشوق‌هایی برای انبوه‌سازان در نظر گرفت، چراکه در حال حاضر این صنف با انواع هزینه‌ها نظیر انشعابات، صدور پروانه ساختمانی و نظارت نظام مهندسی مواجه است که ساخت‌وساز برایش صرفه اقتصادی نخواهد داشت.

زهرای پیردانی
editor@smtnews.ir

در بررسی مسکن از دلایل کاهش ساخت‌وساز در کشور نمایان شد

بحران بی‌پایان مسکن



ساخت‌وساز در خواب عمیق

است. متوسط مساحت زیربنا در این پروانه‌ها ۶۷۵ مترمربع بوده است.

بررسی نتایج طرح «گردآوری اطلاعات پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری‌های کشور» در فصل بهار سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد تعداد ۱۱ هزار و ۴۷ واحد مسکونی در پروانه‌های صادر شده برای احداث بنا از سوی شهرداری تهران، پیش‌بینی شده است که نسبت به فصل گذشته ۳۴.۰ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۱۰.۳ درصد کاهش داشته است. تعداد یک‌هزار و ۲۲۲ پروانه احداث بنا توسط شهرداری تهران

واکاوی آمار حاکی از آن است، صدور پروانه ساخت و تولید مسکن کاهش یافته به طوری که تعداد ۲۹ هزار و ۲۹۵ پروانه احداث بنا توسط شهرداری‌های کشور در بهار ۱۴۰۴ صادر شده که نسبت به زمستان گذشته ۲۷.۸ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۲۲.۷ درصد کاهش داشته است.

بر این اساس، مجموع مساحت زیربنا در پروانه‌های صادرشده برای احداث بنا در بهار ۱۴۰۴ حدود ۱۹ هزار و ۷۸۱ هزار مترمربع بوده است که نسبت به فصل گذشته ۳۳.۰ درصد و نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۱۶.۵ درصد کاهش داشته

ساخت‌وساز صرفه اقتصادی ندارد

انواع و اقسام مالیات و عوارض اخذ می‌شود این درحالی است که باید با ارائه زمین رایگان، کاهش هزینه‌های انشعابات، صدور پروانه ساختمانی و نظارت نظام‌مهندسی از انبوه‌سازان حمایت شود. درحال حاضر در کلان‌شهرها برای هر متر مسکن ۵ میلیون تومان هزینه خدمات دریافت می‌شود یعنی اگر یک واحد مسکونی ۱۰۰ متر باشد سازنده باید ۵۰۰ میلیون تومان هزینه خدمات پرداخت کند.

پورحاجت اظهار کرد: زمانی که هیچ حمایتی از بخش خصوصی نمی‌شود و سیاست‌های کلان اقتصادی دربرپاچه حرکت می‌کند به طوری که به ضرر فعالان بازار مسکن تمام می‌شود چرا باید انتظار داشت سرمایه‌ها دراین بازار باقی بماند و سمت بازارهای موازی نظیر دلار و طلا نرود. دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن تصریح کرد: نباید فراموش کرد کمبود مسکن علاوه بر تبعات اقتصادی، پیامدهای منفی اجتماعی هم دارد در حال حاضر بسیاری از جوانان به سن ازدواج رسیدند، اما به علت عدم تامین سرپناه قادر نیستند زندگی مشترک را آغاز کنند. پورحاجت تاکید کرد: با توجه به اینکه در شرایط مطلوبی از نظر سیاسی و اقتصادی به‌سر نمی‌بریم باید اصلاحاتی در سطح کلان اقتصاد و در مسیر تولید مسکن رخ دهد درغیر این صورت با افزایش افسارگسیخته تورم و به دنبال آن افزایش هزینه تمام‌شده مسکن، شکاف بین عرضه و تقاضا عمیق‌تر خواهد شد.

وی در پاسخ به این سوال که درحال حاضر بازار به چه تعداد مسکن نیاز دارد، گفت: به استناد اظهارات رئیس کمیسیون عمران مجلس، باید سالانه یک میلیون واحد مسکونی ساخته شود تا با کمبود مسکن مواجه نشویم. این درحالی است که اگر گاهی به آمار بیندازیم این عدد از ۳۰۰ هزار واحد عبور نمی‌کند.

دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن گفت: با توجه به اینکه

باید از هفت خوان بگذریم

تکرار یک نسخه ناکارآمد

وی در پاسخ به این سوال که به عنوان بخش خصوصی چه انتظاراتی از دولت دارید، گفت: انتظارات فعالان بخش مسکن هیچ‌وقت برآورده نشده، چراکه هر دولتی که روی کار آمده یک نسخه برای بازار مسکن پیچیده است به این معنی که در دوره اول ریاست‌جمهوری برای کنترل تورم سیاست‌های انقباضی درپیش می‌گیرند که به دنبال آن بازار مسکن قفل می‌شود و در نهایت در رکود عمیق فرو می‌رود. سپس در دوره دوم ریاست‌جمهوری دست از کنترل تورم برمی‌دارند که با انفجار قیمت دربازار مسکن مواجه می‌شویم. بکارگیری این سیاست به هر نحوی شده به فعالیتشان ادامه می‌دهند و گردش مالی دارند، اما انبوه‌سازان با کاهش قیمت مسکن مواجه می‌شوند به طوری‌که چاره‌ای جز تعدیل نیرو و فروش واحدهای مسکونی به زیر قیمت ندارند. رئیس هیات مدیره انجمن صنفی انبوه‌سازان مسکن و ساختمان استان مرکزی افزود:

سخن پایانی

به علت اینکه مسکن یکی از کالاهای اساسی در سبد خانوار به شمار می‌رود و به عنوان صنعت پیشران اقتصادی، زنجیره‌ای از تولید مصالح، اشتغال و خدمات را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد در کشورهای مختلف دنیا، سیاست‌های حمایتی ویژه‌ای درنظر می‌گیرند. در ایران اگرچه نسخه‌های بسیار پیاده شده اما کار ساز نبوده یا جنبه نمایشی داشته است. در حال حاضر برای برقراری توازن بین عرضه و تقاضا باید ۶ میلیون واحد مسکونی ساخته شود که امروز به سالانه ۳۰۰ هزار واحد هم نمی‌رسد. برای بهبود وضعیت فعلی تغییر سیاست‌ها در سطح کلان ضروری است زیرا رکودی که درحال حاضر بازار مسکن با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند طی ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.



تا وقتی‌که دستگاه‌های عریض و طویل نظیر شهرداری دست به چاپک‌سازی نزنند و برای تامین منابع مالی خود به بهانه‌های مختلف بر ای سازندگان مسکن هزینه‌تراشی کنند نباید انتظار داشت که تولید مسکن افزایش یابد



از آنجایی‌که هر رئیس‌جمهوری که روی کار می‌آید با بکارگیری سیاست‌های اشتباه در سطح کلان اقتصادی و حوزه ساخت‌وساز تعدادی از انبوه‌سازان را ورشکست می‌کند، طبیعی است که با کمبود مسکن مواجه باشیم

مکانیسم ماشه فعال شده دولت باید برای بخش مسکن برنامه بلندمدت تدوین کند تا بیش از این تحت‌تأثیر محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های جدید قرار نگیرد.

تحلیل هزینه به انبوه‌سازان

پورحاجت در پاسخ به این سوال که فعالان بخش ساخت‌وساز برای رونق تولید چه انتظاری از دولت دارند، گفت: دولت باید پایش را از روی گردن بخش خصوصی بردارد متأسفانه سیاست‌گذاران هیچ‌وقت به تبعات تصمیماتی که می‌گیرند فکر نمی‌کنند برای مثال از سازندگان ۳۰ درصد عوارض صدور پروانه ساختمان بابت پوشش بیمه اخذ می‌کنند بدون اینکه کارگری بیمه شود. یا در شرایطی که در رکود به‌سر می‌بریم و انبوه‌سازان درآستانه ورشکستگی هستند باید از محل درآمد خود ۲۰ درصد مالیات پرداخت کنند.

وی تصریح کرد: تا وقتی که دستگاه‌های عریض و طویل نظیر شهرداری دست به چاپک‌سازی نزنند و برای تامین منابع مالی خود به بهانه‌های مختلف برای سازندگان مسکن هزینه‌تراشی کنند نباید انتظار داشت که تولید مسکن افزایش یابد.

دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن گفت: سیاست‌گذاران نباید فراموش کنند که همه در یک کشتی نشسته‌ایم و هرگونه اتخاذ سیاستی اشتباه سرانجام به ضرر همه تمام می‌شود از سوی دیگر وضعیت فعلی بازار مسکن حاکی از آن است که نسخه‌های تجویز شده کارآیی لازم را ندارد و باید در آن تجدید نظر کرد. چرا که بازار در وضعیت اورژانسی به‌سر می‌برد.



هر رئیس‌جمهوری که روی کار می‌آید با بکارگیری سیاست‌های اشتباه در سطح کلان اقتصادی و حوزه ساخت‌وساز تعدادی از انبوه‌سازان را ورشکست می‌کند، در واقع پیاده کردن چنین سیاست‌هایی از سوی دولتمردان گواه آن است که فعالان اقتصادی دست از فعالیت بردارند و وارد بازارهای نظیر طلا، سکه و دلار شوند.

نیازمند ۶ میلیون واحد مسکونی هستیم

امیری‌راد در پاسخ به این سوال که سالانه چند واحد مسکونی باید ساخته شود، گفت: آمار مشخصی ارائه نمی‌دهند تا وخامت اوضاع بازار مسکن برملا نشود. اما در کل کشور به ۶ میلیون واحد مسکونی نیاز دارد تا توازن بین عرضه و تقاضا ایجاد شود. این میزان علاوه بر وجود بافت‌های فرسوده است که نیاز به نوسازی و یا بازسازی دارند.

روزگار اقتصاد
مهم ترین اخبار روز اقتصادی را در
سایت روزگار اقتصاد دنبال کنید
www.rouzegareeghtesad.com

شماره تماس

(داخلی ۱۵۶) ۰۲۱-۸۲۱۹۰۰۲۱

ابعاد اجرایی «امتداد مسئولیت تولید کننده» بررسی شد

بی‌مسئولیتی تولید کننده و بار هزینه‌های عمومی پسماند

کامیار فکور: روز ۱۳ مهر، به‌عنوان روز جهانی تولید شناخته می‌شود. در این روز تمرکز معمولاً روی رونق اقتصادی و خطوط تولید فعال است. اما آیا تولیدکنندگان پس از خروج کالا از کارخانه، به سرنوشت آن در سطل‌های زباله نیز می‌اندیشند؟ این پرسشی کلیدی در قلب سیاست «امتداد مسئولیت تولیدکننده» یا همان (EPR) قرار دارد؛ قانونی که تولیدکنندگان را ملزم می‌کند هزینه‌های مدیریت پسماند محصولات خود را، از بسته‌بندی پلاستیکی تا باتری‌های پیچیده، برعهده بگیرند و نهادهای عمومی را از زیر بار سنگین این هزینه خارج سازند. از طرف دیگر، این قانون باعث می‌شود تولیدکنندگان مسئولیتی نسبت به شکل تولیدات خودشان داشته باشند تا روند بازیافت آن به‌سهولت انجام شود. با این حال توجه به این موضوع در ایران تنها به‌صورت طرح مسئله و تلاش‌های نافرجام بوده است. به‌گفته برخی از پژوهشگران، مشکلات اصلی این موضوع، شامل تغییرات مکرر قوانین، تشتت در متولی دریافت عوارض و نوسان در میزان و دامنه عوارض است که همگی مانع از برنامه‌ریزی بلندمدت و ایجاد اعتماد شده است.

در شرایطی که مدیریت حجم عظیم پسماندهای شهری و صنعتی کشور به چالشی محیط‌زیستی و اقتصادی برای شهرداری‌ها و سازمان‌های دولتی تبدیل شده است، بحث اجرای کامل قانون «امتداد مسئولیت تولیدکننده» بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می‌کند. قانون امتداد مسئولیت تولیدکننده یک سیاست محیط‌زیستی است که به‌طور خلاصه بیان می‌دارد که تولیدکنندگان کالاها باید مسئولیت مدیریت کامل چرخه عمر محصولات خود را، به‌ویژه در مرحله پس از مصرف و تبدیل به پسماند، برعهده بگیرند. هدف اصلی این قانون، درونی‌سازی هزینه‌های محیط‌زیستی است که پیش‌تر بر دوش جامعه، شهرداری‌ها و مالیات‌دهندگان بود، به تولیدکننده منتقل شود تا این شرکت‌ها محصولات خود را به‌گونه‌ای طراحی کنند که قابلیت بازیافت یا استفاده مجدد بیشتری داشته باشد. این مسئولیت می‌تواند به‌صورت مالی به شکل پرداخت عوارض بازیافت به نهادهای دولتی یا خصوصی باشد یا به‌صورت فیزیکی به شکل بازپس‌گیری و مدیریت مستقیم پسماندها اعمال شود.

در ایران، چارچوب قانونی این‌ موضوع از سال ۱۳۸۳ و تا تصویب قانون مدیریت پسماند تعریف شد، اما نزدیک به ۲ دهه است که اجرای اثربخش آن با موانع و چالش‌های متعددی روبه‌رو است. عدم‌همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و دیگر نهادهای حاکمیتی و همچنین

بهمن ماه سال گذشته کارزاری عمومی با هشتگ #امتداد_مسئولیت_تولید_کننده_برای_بطری‌های_شیشه‌ای، توجه افکار عمومی و نهادهای سیاست‌گذار را به خود جلب کرد. این کارزار که توسط سعید مرادی‌کیا، کارشناس مدیریت پسماندهای شهری آغاز شد، یک مطالبه مشخص و متمرکز را هدف قرار داد؛ الزام صنایع تولیدکننده بسته‌بندی‌های شیشه‌ای به پذیرش کامل مسئولیت پسماند محصولاتشان. انتخاب بطری‌های شیشه‌ای به‌عنوان محور اصلی این مطالبه، مهم به‌نظر

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش خود با عنوان «اثر قوانین امتداد مسئولیت تولیدکنندگان بر مسئله ناپدید پسماندها» که در مهر ۱۴۰۱ منتشر شده است، با هدف آسیب‌شناسی و ارائه راهکار، ریشه اصلی چالش‌ها را در تشتت و ناهماهنگی‌های قانونی و ساختاری در حاکمیت مدیریت پسماند ایران می‌داند.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، اصلی‌ترین مانع در اجرای موفق EPR عدم‌ثبات و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات مربوط به آن است. از زمان تصویب ماده (۴) قانون مدیریت پسماندها در سال ۱۳۸۳ تا قوانین بودجه سنواتی سال‌های اخیر (۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱)، سیاست‌ها به‌طور مداوم دچار نوسان شده است. به‌باور نویسندگان این مقاله، این امر، عدم‌امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و ایجاد بی‌اعتمادی در میان تولیدکنندگان را در پی داشته است. مهم‌ترین مصادیق این تشتت، سردرگمی در متولی دریافت و مصرف عوارض (تغییر نهاد حاکمیتی) و همین‌طور تغییر در اقلام مشمول عوارض و میزان آن ذکر شده است. قوانین متعدد، محل دریافت عوارض را به‌طورمکرر تغییر داده و متولی اصلی EPR را نامشخص ساخته است. در ابتدا و طبق آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها در سال ۱۳۸۴ صندوق ملی محیط‌زیست به‌عنوان محل دریافت عوارض تعیین شده بود، اما در قوانین بودجه سنواتی و به‌ویژه با تصویب ماده (۶) قانون کمک به ساماندهی پسماندهای عادی در سال ۱۳۹۹ محل دریافت عوارض به وزارت کشور منتقل شد. این

پژوهش دیگری نیز با عنوان «بررسی راهبردهای مدیریت پسماندها در امتداد مسئولیت تولیدکننده در ایران» که توسط حسن پسندیده شکر، پروین فرشچی، داریوش کریمی و سیدمسعود منوری نگاشته و در زمستان ۱۳۹۹ منتشر شده، به بررسی راهبردهای اجرایی و حل چالش‌های قانونی این موضوع پرداخته است.

در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه و کسب نظر از ۶۰ نفر از متخصصان و کارشناسان خبره در زمینه مدیریت پسماند، عوامل محیطی و داخلی مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود تحلیل شده تا مناسب‌ترین راهبردها برای اجرای موفق این سیاست حیاتی در کشور استخراج شود.

یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که مهم‌ترین مشکل در اجرایی نشدن کامل و موثر مسئولیت گسترش‌یافته تولیدکننده، به ضعف‌های ساختاری و قانونی بازمی‌گردد. در صدر این مشکلات، نبود یک سازکار قانونی موثر و کارآمد برای الزام به همکاری و هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف برای دریافت عوارض از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالا‌های مخرب محیط‌زیست قرار دارد. علاوه بر این، تأسیس دیرینه‌نگام و ناکارآمد صندوق ملی محیط‌زیست، فراگیر بودن بیش از حد فهرست کالا‌های مشمول قانون و همچنین تخصیص یکسان عوارض برای اقلام مختلف

می‌رسد. شیشه به‌دلیل ماهیت خود که تجزیه‌پذیری آن بسیار بلندمدت است، یکی از پسماندهای دردرساز محسوب می‌شود. در عین حال، شیشه یک ماده صد در صد قابل بازیافت است که می‌تواند بارها و بارها وارد چرخه تولید شود. این کارزار با‌اشاره به «مشکلات محیط‌زیستی، بهداشتی و اقتصادی متعدد ناشی از راهسازی و عدم‌تفکیک پسماندهای بطری شیشه‌ای»، به‌صراحت از ۴ نهاد عالی‌رتبه کشور درخواست پیگیری این موضوع را داشت؛ وزیر صمت به‌عنوان مسئول تولید و صنعت، وزیر کشور به‌عنوان مسئول مدیریت

تغییرات، از «صندوق ملی محیط‌زیست» که یک نهاد تخصصی در حوزه محیط‌زیست است به «وزارت کشور» که متولی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها است، انتقال مدیریت این وجوه را به خارج از سازمان تخصصی ناظر بر محیط‌زیست سوق داد.

همچنین دامنه اقامتی که مشمول عوارض است، در طول سالیان تغییر کرده است. در آیین‌نامه اجرایی سال ۱۳۸۴، تعداد اقلام مشمول ۸ قلم کالا مانند مواد پلیمری، کالاهای شیشه‌ای و... بود. اما در قوانین بودجه بعدی، تعریف این اقلام دچار ابهام و تغییر ماهیت شد. در قانون بودجه سال ۱۳۹۹، تمرکز بر «پسماندهای مخرب محیط زیست» بود. در قوانین بودجه ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، این تعریف به «مواد اولیه، قطعات و کالاهایی که «تمام یا قسمتی از آنها قابل‌بازیافت است»، تغییر یافت. همچنین، میزان عوارض نیز دچار نوسان بود؛ از «بیم در هزار» ارزش کالا در سال ۱۳۸۴ به «یک در هزار» در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ افزایش یافت.

از ابهام در هزینه‌کرد تا عدم‌شفافه تأثیر

علاوه بر تضادهای قانونی، این گزارش به چالش‌های اساسی در نحوه اجرای طرح و مدیریت مالی آن اشاره می‌کند؛ یعنی تضاد در موضوع هزینه‌کرد و قطع ارتباط با «طراحی سبز» و همین‌طور عدم‌شفافیت مالی و عوارض یکسان.

تضاد در موضوع هزینه‌کرد و قطع ارتباط با «طراحی سبز» مهم‌ترین

اقتصاد محیط‌زیست



مسئولیت پس از تولید

این سازکار درونی‌سازی هزینه‌های واقعی محیط‌زیستی را به‌طورناقص انجام می‌دهد و در نهایت، برتری سودآوری تولید مواد اولیه بر بازیافت را حفظ کرده است. در واقع تا زمانی که هزینه تولید پلاستیک خام و سایر مواد اولیه ارزان‌تر از فرآیند پرزحمت بازیافت باقی بماند، هرگونه انگیزه برای استفاده از مواد بازیافتی ضعیف خواهد بود. عوارض و تعرفه‌های کنونی دریافتی، عموماً آنقدر ناچیز است که توانایی تغییر جهت‌گیری بازار را ندارد.

باید دید که این سیاست به خودی خود منجر به اقتصاد چرخشی نخواهد شد، چراکه این نوع اقتصاد نیازمند آن است که تولیدکنندگان مسئولیت فیزیکی محصولات خود را بپذیرند و آن را پس بگیرند، نه اینکه صرفاً یک هزینه مالی پرداخت کنند. این بازپس‌گیری، تنها راهی است که آنها را تحت‌فشار قرار می‌دهد تا محصولاتشان را با قابلیت استفاده مجدد و بادوام طراحی کنند. گرچه در برخی از کشورها چنین اتفاقی می‌افتد و مسئولیت تولیدکننده تنها به پرداخت عوارض ختم نمی‌شود، اما در ایران، حتی همین جریمه‌ها و عوارض نیز، تاکنون به مرحله اجرا نرسیده است.

بحران پسماند منتظر تغییرات بنیادین نمی‌ماند

باوجود این‌ انتقاده‌ها، بحران پسماند منتظر تغییرات بنیادین محیط‌زیستی نمی‌ماند. شرایط فعلی مدیریت پسماند در ایران حتی به مرحله اجرای ناقص EPR نیز نرسیده است. در حال حاضر مسئله

کارزاری برای مسئولیت‌پذیری

پسماند شهری و روستایی، وزیر بهداشت به‌عنوان مسئول سلامت عمومی و بهداشت محیط و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان ناظر و مجری قانون EPR. براساس این کارزار، امضاکنندگان، خواستار پیاده‌سازی کامل قانون EPR با رویکرد پذیرش «مسئولیت همکاری مالی، اجرایی، آموزشی و فرهنگ‌سازی درباره تفکیک، جمع‌آوری و بازیافت» پسماند شیشه توسط خود صنایع شدند. باتوجه به اینکه این کارزار از تاریخ ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ آغاز شد و در ۳۱ شهریور امسال پایان یافت، سوال اصلی اینجا است که آیا این دست

چالش‌های ساختاری و موانع اجرایی

انحراف، در مقصد هزینه‌کرد وجوه دریافتی است. هدف اولیه EPR تشویق تولیدکنندگان به «طراحی سبز» (Design for Environment) و پذیرش مسئولیت محصول در پایان عمر آن است. در هدف اولیه، آیین‌نامه اجرایی سال ۱۳۸۴ تصریح کرده بود که بالغ دریافتی باید صرف «بازیافت پسماند حاصل از همان قلم کالا» و در اختیار «احد‌های بازیافت‌کننده آن قلم پسماند» قرار گیرد. این امر مستقیماً تولیدکننده را به چرخه بازیافت محصول خود مرتبط می‌ساخت. اما در هدف ثانویه، یعنی از سال ۱۳۹۹ به بعد و در قوانین بودجه اخیر، هدف هزینه‌کرد به ایجاد تأسیسات منطقه‌ای تبدیل پسماند به مواد و انرژی تغییر یافت. این تغییر، پیوند مالی میان تولیدکننده و سرنوشت پسماند محصول خود را قطع می‌کند. در نتیجه، انگیزه تولیدکننده برای اصلاح طراحی محصول و استفاده از مواد بازیافتی (معافیت تبصره یک ماده ۱۲ آیین‌نامه) از بین می‌رود و تنها به پرداخت عوارض بسنده می‌کند.

درباره عدم‌شفافیت مالی و عوارض یکسان نیز باید به عوارض یکسان برای کلیه اقلام مشمول و نبود شفافیت در نحوه هزینه‌کرد اشاره کرد. اخذ عوارض به‌صورت یکسان برای همه اقلام، بدون در نظر گرفتن قابلیت بازیافت، سختی جمع‌آوری یا میزان مخرب بودن محصول برای محیط‌زیست، انگیزه برای بهبود طراحی محصول را از بین می‌برد. این امر در تضاد با ماهیت سیاست EPR است که به‌دنبال تفکیک هزینه‌ها براساس ریسک محیط‌زیستی است. همچنین عدم‌شفافیت درباره نحوه

ضعف‌های قانونی

شده است. در اولویت دوم، به ایجاد سازکار قانونی برای تأسیس سازمان‌ها و شرکت‌های تخصصی مسئولیت تولیدکننده که مستقیماً عوارض را دریافت کرده و مدیریت پسماندهای مربوطه را برعهده بگیرند، اشاره شده است. این الگو می‌تواند از تجارب موفق کشورهای پیشگام که تولیدکنندگان با پرداخت هزینه به این شرکت‌های تخصصی، مسئولیت بازیافت پسماندهای خود را محول می‌کنند، الگوبرداری کند. در اولویت سوم نیز، استفاده از ظرفیت تخصصی مراکز علمی و پژوهشی کشور برای تدوین استانداردهای فنی موردنیاز برای ماشین‌آلات و محصولات

امتداد مسئولیت تولیدکننده باوجود نقدهای جدی مدنی بر امکان تبدیل شدن آن صرفاً به اعطاکنده «مجوز آلودگی»، همچنان یکی از راهکارهای برون‌رفت ایران از بحران پسماند و خصوصی‌سازی سود در مقابل عمومی‌سازی زیان است. چالش اصلی این روش در ایران در تشتت، ناهماهنگی و عدم‌ثبات قانون‌گذاری نهفته است که از تغییر مکرر متولیان دریافت عوارض (از صندوق محیط‌زیست به وزارت کشور) تا قطع پیوند مالی با «طراحی سبز» را در بر می‌گیرد و انگیزه تولیدکنندگان برای اصلاح محصول را از بین برده است. اجرای EPR در شرایط کنونی، حتی

editor@smtnews.ir

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

پسماند در ایران درگیر تضاد قانونی، ناهماهنگی نهادی، انحراف منابع مالی و عدم‌پاسخگویی نهادی سرمایه و قدرت است که اجرای همان ابزار ناقص را نیز از کار انداخته است.

اگر تولیدکنندگان مسئولیت بازیافت کالا‌های خود را نپذیرند، هزینه‌های نجومی جمع‌آوری، دفع و مدیریت پسماندهای سخت مانند پلاستیک‌های پیچیده یا باتری‌ها همچنان برون‌زایی شده و مستقیماً از محل بودجه شهرداری‌ها و مالیات عمومی پرداخت می‌شود. این امر به‌معنای خصوصی‌سازی سود و عمومی‌سازی زیان در ابعاد گسترده‌تر است.

عدم‌نظرات بر عوارض EPR منجر به بی‌توجهی کامل به «طراحی سبز» کالاها می‌شود. تولیدکنندگان هیچ انگیزه‌ای برای کاهش مواد اولیه، افزایش قابلیت بازیافت یا حذف پلاستیک‌های یک‌بار مصرف نخواهند داشت. نتیجه این امر، افزایش تصاعدی آلودگی آب، خاک و هوا، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و وخامت وضعیت مراکز دفن زباله است. برخی از فعالان محیط‌زیست معتقد هستند؛ با دو استراتژی همزمان می‌توان این امر را پیش برد؛ در کوتاه‌مدت، اجرای قاطعانه EPR موجود برای مهار حداقلی بحران و در بلندمدت، تلاش برای تغییرات بنیادین اقتصادی که از تولید انبوه و بهره‌کشی ناپایدار منابع دست بکشد و ریشه‌های مصرف‌گرایی را موردهدف قرار دهد.

تلاش‌های مردمی، توانسته است اراده سیاسی لازم را برای الزام تولیدکنندگان به ایفای کامل تعهدات قانونی خود، ایجاد کند؟ اهمیت چنین کارزاری در آن است که اجرای کامل EPR برای شیشه می‌تواند به‌مثابه یک پایلوت موفق برای تعمیم این قانون به سایر پسماندهای مهم، به‌ویژه پلاستیک‌ها، عمل کند و بخش تولید را به‌سوی طراحی بسته‌بندی‌های محیط‌زیستی‌تر هدایت کند. ناکامی در پاسخ به این مطالبه، بیش از پیش شکاف میان قانون و عمل را در حوزه مدیریت پسماند ایران عمیق‌تر خواهد کرد.

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

این مطلب را می‌توانید در کانال تلگرام ما نیز مشاهده کنید

سخن پایانی

به شکل ناقص جهانی آن، ضروری است تا هزینه‌های نجومی اقتصادی و محیط‌زیستی مدیریت پسماند از دوش جامعه برداشته شود. براساس یافته‌های پژوهشی حاکمیتی، راهکار اصلی در بازنگری قانون جامع در بلندمدت، اصلاح ساختار حکمرانی در کوتاه‌مدت و تأسیس شرکت‌های تخصصی مجری (PROs) در میان‌مدت خلاصه می‌شود؛ اقداماتی که پایبندی تولیدکننده را از صرف پرداخت عوارض به مسئولیت فیزیکی و طراحی پایدار ارتقا می‌دهند و زمینه را برای یک سیاست مستحکم، غیرقابل‌خدشه و دارای مزایای اقتصادی پایدار فراهم خواهند کرد.

بوشهر، گنجینه نادیده ساحل و دریا

ظرفیت‌های بی‌نظیری که در انتظار بیدار شدن هستند



استان بوشهر، با نوار ساحلی درخشان و آب‌های نیلگون خلیج‌فارس، بحق یکی از جذاب‌ترین مقاصد بالقوه برای گردشگری دریایی در ایران به شمار می‌رود. این استان جنوبی، نه تنها از زیبایی‌های طبیعی خیره‌کننده شامل سواحل نرم و زلال و جزایر منحصر به فردی چون خارک و نخیلو بهره‌مند است، بلکه دارای تاریخ غنی، فرهنگ متنوع و معماری چشم‌نواز بومی است که هر گردشگری را مجذوب خود می‌کند. این مجموعه ارزشمند از ظرفیت‌ها، بوشهر را در جایگاهی قرار می‌دهد که بتواند از یک قطب منطقه‌ای فراتر رفته و به مقصدی بین‌المللی برای گردشگران تبدیل شود. اما با وجود این ظرفیت عظیم، صدای دریا و ظرفیت گردشگری بوشهر همچنان در سایه دیگر استان‌های کشور کمرنگ مانده و به نظر می‌رسد این گنجینه نادیده، به دلیل

چالش‌های ساختاری، همچنان در خواب غفلت است. ظرفیت‌های مغفول مانده بوشهر، نیازمند توجه ویژه و برنامه‌ریزی جامع است. فعالان حوزه گردشگری و مسئولان استانی، از کمبود زیرساخت‌های حیاتی مانند هتل‌ها و اقامتگاه‌های مناسب، امکانات تفریحی استاندارد و خدمات عمومی کافی به عنوان مهم‌ترین موانع جذب گردشگر نام می‌برند.

در کنار این نقصان زیرساختی، ضعف در معرفی و تبلیغات جاذبه‌های بی‌نظیر بوشهر در سطح ملی و بین‌المللی، باعث شده است که بسیاری از علاقه‌مندان به سفر از وجود این ظرفیت‌ها بی‌اطلاع باشند. این در حالی است که مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان، گردشگری را محور اصلی توسعه پایدار بوشهر می‌داند و

عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف

زیبایی‌های خاص خود را دارند. مدیریت نادرست و عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف مسئول در زمینه گردشگری، چالش دیگری است که بوشهر با آن مواجه است. برای توسعه صنعت گردشگری دریایی در این استان، نیاز به یک برنامه جامع و یکپارچه احساس می‌شود تا بتوان تمامی ظرفیت‌ها را شناسایی و از آنها بهره‌برداری کرد.

با وجود این چالش‌ها، فرصت‌های زیادی نیز برای توسعه گردشگری دریایی در بوشهر وجود دارد. سرمایه‌گذاری در ساخت هتل‌ها و مراکز تفریحی می‌تواند به جذب بیشتر گردشگران کمک کند. همچنین برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری نظیر

ظرفیت‌هایی که مغفول مانده‌اند

گردشگران شود. وی ادامه داد: بسیاری از مردم هنوز اطلاعات کافی درباره جاذبه‌های گردشگری بوشهر ندارند. تبلیغات ناکافی و عدممعرفی مناسب این استان به‌عنوان یک مقصد گردشگری دریایی باعث شده‌است که بوشهر کمتر مورد توجه قرار گیرد.

حیدری خاطر نشان کرد:عدمهماهنگی بین نهادهای مختلف مسئول در زمینه گردشگری می‌تواند به ایجاد مشکلاتی در توسعه این صنعت

کمبود زیر ساخت‌ها در مناطق گردشگری بوشهر

نهادهای مختلف تأکید کرد و گفت: برای توسعه صنعت گردشگری دریایی در بوشهر، نیاز به یک برنامه جامع و یکپارچه احساس می‌شود. باید تمامی ظرفیت‌ها شناسایی شوند و از آنها به نحو احسن بهره‌برداری شود.

تنها در این صورت است که می‌توانیم گردشگران را جذب کنیم. محمدزاده همچنین بر لزوم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها تأکید و اضافه کرد: ساخت هتل‌ها و مراکز تفریحی یکی از اصلی‌ترین نیازها است. اگر ما بتوانیم امکانات مناسبی برای اقامت و تفریح گردشگران فراهم کنیم، قطعاً تعداد بیشتری از آنها جذب استان بوشهر خواهند شد.

وی همچنین به برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری اشاره و بیان کرد: این رویدادها می‌توانند به معرفی فرهنگ محلی و جذب گردشگران کمک کنند.

محمدزاده تصریح کرد: اگر مسئولان و سرمایه‌گذاران با همکاری یکدیگر اقدام کنند و برنامه‌ای جامع برای توسعه گردشگری دریایی تدوین نمایند، بوشهر می‌تواند به یکی از مقاصد اصلی گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شود. ما باید به این گنجینه نادیده توجه کنیم

راه‌اندازی بندر تفریحی ویژه شناورهای گردشگری

سرپرست اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر اضافه کرد: توسعه گردشگری دریایی علاوه بر ابعاد فرهنگی، آثار اقتصادی و اجتماعی نیز به همراه دارد و موجب رونق شهرهای ساحلی و ارتقای نشاط اجتماعی می‌شود؛ از این رو همه دستگاه‌ها باید در کنار سازمان بنادر در این مسیر همراهی کنند.

وی ادامه داد: ایجاد ظرفیت‌های گردشگری و راه‌اندازی مارینا از اولویت‌های این اداره کل است و با تکمیل زیرساخت‌ها، زمینه برای ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و ارتقای استاندارد شناورها فراهم خواهد شد.

استان بوشهر با ظرفیت‌های فراوان خود در حوزه گردشگری دریایی می‌تواند به یکی از مقاصد برجسته گردشگری در ایران تبدیل شود. با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های موجود، نیاز است که مسئولان و سرمایه‌گذاران با همکاری یکدیگر، برنامه‌ای جامع برای توسعه این صنعت تدوین کنند تا بتوانند از ظرفیت‌های بی‌نظیر این استان بهره‌برداری کنند.

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

گروه گردشگری
editor@smtnews.ir

بیشه، نگین لرستان

روستای «بیشه» لرستان، قرن‌ها قصه زندگی را در سنگ‌هایش نگاشته، اکنون زمان آن رسیده با روایتگری این میراث بی‌نظیر، صدایش را به گوش جهان برسانیم و نامش را در حافظه جهانی ثبت کنیم.

به گزارش مهر در دل کوهستان‌های استوار لرستان، جایی که طبیعت با تاریخ درآمیخته، روستای «بیشه» همچون نگینی درخشان، قرن‌هاست که می‌درخشد. این روستا تنها مجموعه‌ای از سنگ و خانه نیست؛ بلکه زنجیره زنده خاطرات، فرهنگ و زندگی مردمانی است که با طبیعت به آشتی زیسته‌اند. امروز، «بیشه» در آستانه ثبت جهانی ایستاده؛ نه به‌عنوان یک مقصد گردشگری، بلکه به‌عنوان میراثی فراموش‌نشدنی برای همه بشریت. اینجا، داستان ماست... داستانی که باید به گوش جهان برسد.

■ ایجاد زیرساخت‌های گردشگری در روستای «بیشه»

عطا حسن‌پور مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان با اشاره به اینکه در کل استان لرستان ۱۱ روستای هدف گردشگری وجود دارد، اظهار کرد: یکی از این روستاها، روستای «بیشه» است.

وی با اشاره به رایزنی در حوزه روستاهای هدف گردشگری لرستان در وزارت کشور، عنوان کرد: سه سال پیش روستای «بیشه» به لحاظ خدمات گردشگری به دهیاری دادیم تا جوامع محلی از منفعت آبشار «بیشه» بهره‌مند شوند. مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان در ادامه سخنان خود با بیان اینکه تمام اعتبار مالی این روستا از همین محل تأمین می‌شود، افزود: در سنوات قبل هم تمام زیرساخت‌های گردشگری را در این روستا فراهم کرده‌ایم. حسن‌پور، بیان کرد: ایجاد سکو، پل ارتباطی، سرویس بهداشتی، نمازخانه، مسیر دسترسی و... از جمله زیرساخت‌های ایجاد شده در روستای گردشگری «بیشه» بوده است.

■ «بیشه» روستای بدون بیکار کشور

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به جاده دسترسی به روستای «بیشه»، گفت: به‌خاطر سازند زمین‌شناسی این مسیر که رانشی است، همواره مشکل داریم و رفع این مشکل قطعاً در یک سال و دو سال انجام نمی‌شود. مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان با تأکید بر اینکه در سنوات اخیر راهداری استان تلاش کرده‌اند که جلوی این رانش‌ها را بگیرد، تصریح کرد: اما هنوز در این‌رابطه موفق نشده است.

حسن‌پور، عنوان کرد: طرحی که در دستور کار دارند قطعاً این مشکل ترانشه‌های مسیر را حل خواهند کرد.

وی در ادامه سخنان خود با معرفی روستای «بیشه» به‌عنوان روستای بدون بیکار کشور به‌خاطر همین آبشار و استفاده از مزیت‌های ۱۲ ماهه «بیشه»، گفت: روستای «بیشه» در فصل پاییز، بهار، تابستان و حتی زمستان مملو از توریست است.

■ عبور راه‌آهن شمال به جنوب از مسیر زیبای «بیشه»

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان، افزود: دسترسی آسان از مسیر ریلی این روستا یکی از علت‌های مهم حضور توریست در این روستای گردشگری است. حسن‌پور در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه یکی از محورهای ثبت جهانی در ایران مسیر راه‌آهن سراسری است که از شمال تا جنوب ثبت جهانی شده است، عنوان کرد: زیباترین بخش مسیر که به لحاظ ژئوتوریسمی در ایران جای گرفته و در دنیا معروف شده همین مسیر از دورود به سمت خوزستان است، به‌خاطر تونل‌ها، پل‌ها، جاذبه‌های بکری مانند آبشار «آب گرمه»، گونه‌های اندمیک جانوری و همچنین مهمان‌نوازی مردم روستاهای در طول محور قطار.

وی با بیان اینکه این جاذبه‌ها به «بیشه» پیوست خورده‌اند، گفت: در سال گذشته جشنواره «رود و ریل» را در روستای «بیشه» برگزار کردیم.

■ «بیشه» به روایتگری نیاز دارد

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان با اشاره به اینکه این جشنواره با حضور خبرنگاران خارجی مقیم برگزار شد، تصریح کرد: این جشنواره در یک هفته روی آنتن‌های جهان بود و یک هفته «بیشه» به دنیا معرفی شد. حسن‌پور، ادامه داد: روستای «بیشه» جزء هستت کاندید معرفی شده ایران برای سازمان جهانی جهانگردی بود تا در فهرست روستاهای هدف گردشگری قرار گیرد، متأسفانه به‌خاطر چند مشکل شامل پایداری اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و... نتوانست امتیاز لازم را کسب کند و مقام دوم را کسب کرد. وی با اشاره به اینکه در کل کشور ایران فعلاً دو روستا ثبت جهانی شده‌اند، افزود: روستای «کندوان» و روستای «هفنگ» از جمله این روستاها هستند. مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان، بیان کرد: یک روستا برای ثبت جهانی حتماً باید یک روایت داشته باشد، روایت روستا هم باید از سوی خود مردم باشد.

■ مردم خودجوش پای کار بی‌اند

حسن‌پور با اشاره به اینکه روزی که ما شروع کردیم در روستای «بیشه» این روایت نبود، ما فقط بحث تکمیل زیرساخت‌ها و مباحث زیست‌محیطی، منابع طبیعی، بهزیستی را انجام دادیم و در واقع روایت را در قالب «رود و ریل» تعریف کردیم، این امر هم به‌خاطر بحث معیشت مردم بود، عنوان کرد: معیشت مردم بسته به دو عنصر حیاتی «آب» و رودخانه «سزار» که می‌شود «رود» و دیگری «ریل» هم که عنصر صنعتی روستا بود و در واقع معیشت مردم قبل از گردشگری بسته به این ریل راه‌آهن بود. وی ادامه داد: اما این روایت برای ثبت جهانی قابل‌قبول نبود و روستای «بیشه» رد شد، به لحاظ زیرساختی خود روستای «بیشه» مشکلی برای ثبت ندارد، فقط در بحث روایتگری است که آن هم یک مسئله آئینی و معنوی است که باید حتماً روی آن کار کنیم.

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان، بیان کرد: اگر مردم روستای «بیشه» کمک دهند و خودشان خودجوش در این زمینه همکاری و فعالیت کنند و این برای سازمان جهانی جاییافتد و قبول کنند، قطعاً روستا ثبت جهانی خواهد شد.

بسیاری از

مردم هنوز

اطلاعات

کافی درباره

جاذبه‌های

گردشگری

بوشهر ندارند.

تبلیغات

ناکافی و عدم

معرفی مناسب

این استان

به عنوان

یک مقصد

گردشگری

دریایی باعث

شده است که

بوشهر کمتر

مورد توجه

قرار گیرد

نیاید

گردشگری

دریایی تنها

به ایام نوروز

یا تعطیلات

کوتاه‌مدت

محدود شود،

بلکه می‌توان

با برنامه‌ریزی،

این فرصت

را در طول

سال به‌ویژه

در نیمه دوم

سال که شرایط

آب‌وهوایی

مناسب‌تر

است،

گسترش داد

نفس تولید به شماره افتاده است



نسرین اوجاچی، دبیر کل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران

رکود من پخش صنعت ایران ناشی از ترکیبی از عوامل ساختاری، سیاستی و اجتماعی است که بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، تحریم‌های طولانی‌مدت و کاهش قدرت خرید مردم به دلیل تورم بالا و محدودیت‌های صادراتی از مهم‌ترین آنها است. سامانه‌های ناکارآمد مانند سامانه جامع تجارت یا فرآیندهای پیچیده و تغییرات مکرر، تولیدکنندگان را در تامین مواد اولیه با مشکل مواجه کرده‌اند و هزینه‌های تولید را افزایش داده‌اند. علاوه بر این، نبود برنامه‌ریزی منسجم برای توسعه بازارهای صادراتی و کاهش تقاضای داخلی، ظرفیت کارخانجات را به شدت کاهش داده و رکود را پایدار کرده است. جدا از این موضوعات، تغییر هرم جمعیتی و تغییرات اجتماعی ایجاد شده در جامعه هم نقش پررنگی در رکود فعلی دارد. علاوه بر این، بحران انرژی، به‌ویژه قطعی مکرر برق، تأثیر مخربی بر صنعت داشته است. در تابستان ۱۴۰۴، قطعی یک‌روز در میان برق صنایع، تولید را در برخی واحدهای لوازم خانگی تا ۲۰ درصد کاهش داد که برای جبران این مشکل، بسیاری از شرکت‌ها با هزینه‌های هنگفت اقدام به خرید ژنراتور کردند تا خطوط تولیدشان متوقف نشود. اما دولت به تعهد خود برای تامین سوخت این ژنراتورها پایبند نبود و شرکت‌ها مجبور شدند سوخت مورد نیاز را از بازار آزاد تهیه کنند. این وضعیت نه تنها چالش‌های جدیدی مانند بر خورد های ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مواجه کرده است، این در حالی است که کنتورهای نصب‌شده روی ژنراتورها نشان می‌دهد سوخت صرفاً برای تولید برق و نه هیچ استفاده دیگری مصرف شده است. این مسائل نفس تولید را به شماره انداخته و حاشیه سود واحدهای صنعتی را به حداقل رسانده است. صنعت نمی‌تواند این شرایط را برای مدت طولانی تحمل کند، زیرا هزینه‌های اضافی و توقف‌های مکرر، بسیاری از واحدها را در آستانه زیان‌دهی قرار داده است. انتظار از دولت، تامین پایدار انرژی و پایبندی به تعهداتش در این زمینه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولید برق و توقف برخورد های غیر منطقی با تولید کنندگان در حوزه سوخت است. در حال حاضر عدم توجه دولت به برنامه‌ریزی بلندمدت برای رفع ناترازی انرژی مشهود است. بی‌ثباتی قوانین، از جمله تغییرات ناگهانی در دستورالعمل‌ها، این ثبات سفارش و تخصیص ارز، از دیگر موانع اصلی تولید است. این تغییرات برنامه‌ریزی بلندمدت را برای تولید کنندگان غیرممکن کرده و اعتماد آنها به سیاست‌گذاران را کاهش داده است. برای پایان دادن به این بی‌ثباتی، دولت باید سیاست‌های صنعتی را با مشورت تشکلات بخش خصوصی تدوین و برای حداقل ۵ تا ۱۰ سال تثبیت کند. ایجاد یک شورای عالی هماهنگی اقتصادی با حضور نمایندگان بخش خصوصی و الزام دستگاه‌ها به اجرای سیاست‌های مصوب، می‌تواند این مشکل را حل کند. ساده‌سازی فرآیندهای گمرکی و ثبت سفارش نیز ضروری است. بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی به سیاست‌گذاران ناشی از عدم تحقق وعده‌ها، تغییرات مکرر سیاست‌ها و نبود تعامل موثر با بخش خصوصی است. تولید کنندگان احساس می‌کنند نظرات‌شان در تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته می‌شود و سیاست‌ها بدون توجه به واقعیت‌های تولید وضع می‌شوند. دولت در برخی موارد، مانند برگزاری جلسات با تشکلات صنعتی، تلاش‌هایی برای بهبود تعامل داشته، اما این اقدامات به دلیل نبود نتایج ملموس، تأثیر چندانی نداشته است. برای رفع بی‌اعتمادی، دولت باید شفافیت را در اولویت قرار دهد، مکانیسم‌های مشاورتی دائمی با بخش خصوصی ایجاد و سیاست‌ها را پیش‌بینی‌پذیر کند. اجرای آزمایشی سیاست‌ها پیش از اجرای سراسری و ارائه گزارش‌های دوره‌ای از پیشرفت برنامه‌های صنعتی، می‌تواند اعتماد را بازسازی کند. خروج دولت از تصدی‌گری در صنعت و ابلاغ نقش تسهیل‌گرانه و تامین زیرساخت‌ها قطعاً نیازمند برنامه‌ریزی مستمر است. یکی از راه‌های کلیدی برون‌رفت از رکود، توسعه صادرات است. دولت می‌تواند با تسهیل فرآیندهای گمرکی و کاهش بروکراسی، بازارهای صادراتی را برای محصولات ایرانی باز کند. برای مثال، اجازه استفاده از ارز صادراتی برای تامین نیازهای وارداتی خود یا واگذاری به دیگر تولید کنندگان، می‌تواند انگیزه صادرات را در تولید کنندگان افزایش دهد. علاوه بر این، ساده‌سازی فرآیندهای تولید، بهبود فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنعتی می‌تواند رونق را تسریع کند. بدون این اقدامات، رکود ادامه خواهد یافت، اما با اجرای سیاست‌های هدفمند، می‌توان به احیای صنعت امیدوار بود. در کلامی خلاصه توسعه صادرات از طریق ایجاد مشوق‌های مالی و کاهش موانع لجستیکی می‌تواند اعتماد خارجی برای محصولات ایرانی را افزایش دهد. همچنین، تدوین برنامه‌های صنعتی با مشارکت بخش خصوصی و اجرای آنها به صورت شفاف و پایدار، می‌تواند تحول ایجاد کند. ترکیب این اقدامات با سیاست‌های اثباتی، صنعت را از رکود خارج خواهد کرد. برای بازسازی اعتماد، دولت باید اقدامات عملی انجام دهد مانند تامین انرژی پایدار و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولید برق، تامین سوخت یارانه‌ای برای ژنراتورهای صنعتی و جلوگیری از برخورد های غیر منطقی با تولید کنندگان در حوزه نتایج ملموس مانند تامین پایدار انرژی و تسهیل در امر ثبت سفارش، یکپارچه‌سازی و رفع مشکلات سامانه‌ها، کاهش زمان ترخیص کالا و... را ارائه دهد. رویکرد دولت فعلی در مواجهه با صنعت، ترکیبی از تلاش‌های ناکافی و فقدان هماهنگی بوده است. هر چند جلسات و برنامه‌هایی برای حمایت از صنعت در جریان است، اما تداوم مشکلات ساختاری مانند نبود رابطه پایدار و ثابت دیپلماتیک، هزینه بالای تولید به دلیل عدم امکان ورود فناوری‌های نوین، ناکارآمدی سامانه‌ها و بی‌ثباتی سیاست‌ها، تأثیر این اقدامات را محدود کرده است. بر همین مبنا دولت باید با جدیت بیشتری به نظرات بخش خصوصی گوش دهد، سیاست‌های اثباتی و بلندمدت تدوین کند، و موانع عملیاتی مانند بروکراسی گمرکی را برطرف کند. توسعه صادرات از طریق تسهیل فرآیندهای گمرکی و اصلاح سیاست‌های ارزی، می‌تواند نقشی کلیدی در احیای صنعت ایفا کند.

گروه اقتصاد
editor@smtnews.ir

تولیدکنندگان و فعالان عرصه تولید در سال‌های اخیر با چالش‌های بسیاری دست به گریبان هستند که برخی از این چالش‌ها متأثر از سیاست‌گذاری‌های داخلی و ناشی از سیاست‌های بین‌المللی و مشخصاً تحریم است. در هر حال این موانع از هر ناحیه‌ای بروز کرده باشند باید رفع شوند تا تولید زمین‌گیر نشود و به اصطلاح چرخ اقتصاد بچرخد. در همین راستا فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان راهکارها و پیشنهادهاتی دارند که می‌تواند به دولت در رفع این مشکلات یاری برساند. عباس جبال‌پازی، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران از جمله این فعالان است که پیشنهادات خود را در قالب یادداشتی که در ادامه می‌خوانید مطرح کرده است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی هر کشور، میزان رشد تولید ملی آن است. تولید، موتور محرک اقتصاد و پشتوانه اصلی اشتغال، سرمایه‌گذاری و بهبود معیشت مردم است. با این حال، تحقق رشد تولید در گرو برداشتن موانع ساختاری، مدیریتی و زیرساختی است که سال‌هاست همچون زنجیری، بر پای اقتصاد ایران سنگینی می‌کند.

مشکلاتی همچون بروکراسی پیچیده، نبود دسترسی آسان به منابع مالی، نوسانات نرخ ارز، واردات بی‌رویه و کم‌اثر بودن حمایت‌های دولتی از تولید کنندگان، تنها بخشی از چالش‌هایی است که فعالان اقتصادی روزانه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. از سوی دیگر، تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی نیز بر تامین مواد اولیه و صادرات محصولات ایرانی سایه انداخته‌اند. برای عبور از این وضعیت و فراهم‌سازی بستر مناسب برای رشد تولید، لازم است نهادهای تصمیم‌گیرنده با نگاه واقع‌بینانه، به اصلاح ساختارها بپردازند. تسهیل فضای کسب‌وکار، کاهش هزینه‌های تولید، حمایت هدفمند از صنایع داخلی و همچنین مبارزه با فساد اداری، از جمله اقداماتی است که باید به‌صورت جدی در دستور کار قرار گیرد. رشد تولید نه تنها به تقویت بنیه اقتصادی کشور منجر می‌شود، بلکه عاملی کلیدی در تحقق عدالت اجتماعی، کاهش فقر و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار است. اگر موانع برطرف و مسیر تولید هموار شود، می‌توان به آینده‌ای روشن‌تر برای اقتصاد کشور امیدوار بود. مسئله اصلی برای رشد تولید رفع موانع و مشکلات پیش روی این بخش مهم اقتصادی است که سعی شده در این یادداشت به برخی از مشکلات و موانع که حل آنها در گرو تصمیم دولت محترم است، اشاره شود.

۱- بهبود رتبه کسب‌وکار :

بر اساس آخرین رتبه‌بندی بانک جهانی رتبه کسب‌وکار کشور ما عدد ۱۲۷ است. همچنین مطابق گزارش پایش محیط کسب‌وکار که توسط مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران انجام شده، میانگین نمره ارزیابی عدد ۶۰.۵ از ۱۰۰ بوده است که هر دو این پایش نشان‌دهنده وضعیت نامناسب محیط کسب‌وکار است؛ از این رو اصلاح روش‌ها و مقررات و اقدامات لازم برای ارتقای رتبه کشور از عدد ۱۲۷ به دورقمی زیر ۵۰ عامل بسیار مهمی در رشد تولید بوده و از خواسته‌های اصلی بخش خصوصی است.

۲- اجرای قانون مستمر بهبود فضای کسب‌وکار:

الف- اجرای کامل مواد ۲ و ۳ و ۲۴ قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار توسط دولت محترم، وزارتخانه‌های مربوط و دستگاه‌های مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی در خصوص نظرخواهی از تشکلات بخش خصوصی و اتاق‌ها، استفاده از جایگاه قانونی شورای گفت‌وگو قبل از صدور هر بخشنامه و تصمیم اقتصادی عامل بسیاری مهمی برای رشد تولید و برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی است. متأسفانه تاکنون اغلب بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها بدون نظرخواهی از اتاق‌ها و تشکلات بخش خصوصی صادر و اجرا شده است. ب- رعایت ماده ۲۵ قانون مستمر بهبود فضای کسب‌وکار مبنی بر قرار ندادن واحدهای تولیدی در اولویت قطع گاز و برق که متأسفانه در سال‌های اخیر خلاف این تکلیف قانونی بخش تولید در اولویت قطع گاز در زمستان و قطع برق در تابستان بوده و هیچ‌گونه جبران خسارتی هم انجام نشده است.

۳- تامین سرمایه در گردش:

باوجود افزایش شدید نرخ مواد اولیه و نرخ ارز، سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی متناسب با نیاز توسط سیستم بانکی تامین نمی‌شود که این مسئله باعث کاهش تولید به‌ویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط شده است. ۴- تمدید سرمایه در گردش در سرسید صرفاً با اخذ بهره: در حال حاضر بانک‌ها به دلیل بخشنامه‌های بازدارنده بانک مرکزی و دستگاه‌های نظارتی از تمدید سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی در سرسید صرفاً با اخذ بهره خودداری می‌کنند که متأسفانه این موضوع باعث افزایش معوقات بانکی و همچنین مشکلات عدیده از جمله وارد شدن نام بنگاه‌های تولیدی در لیست سیاه بانک‌ها و محروم شدن از خدمات بانکی شده است.

در صورتی که اگر بانک‌ها صرفاً با اخذ بهره سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را که عمدتاً به‌صورت کار در جریان ساخت، طلب از مشتری یا موجودی مواد اولیه است در سرسید تمدید کنند، این حجم از معوقات بانکی و به تبع آن گرفتاری واحدهای تولیدی را نخواهیم داشت.

بانک و بیمه

editor@smtnews.ir



رشد تولید در گرو رفع موانع بازدارنده



از کارگاه‌های ثابت خلاف قانون رفع موانع تولید باعث دلسردی کارآفرینان برای توسعه بنگاه و افزایش اشتغال شده است؛ از این رو ایجاد سازمان‌های مشابه تامین اجتماعی که ارائه‌دهنده خدمات بازنشتی و درمان باشند از ضرورت‌های لازم و به نفع بقای سازمان تامین اجتماعی است. بیم آن می‌رود که ادامه وضع موجود در آینده نزدیک تامین اجتماعی را مشابه سایر سازمان‌های بازنشتی، بودجه‌گیر دولت کند. سازمان بیمه مرکزی امکانات و توانایی مالی لازم را برای انجام این مهم دارد.

ب- در ترکیب فعلی هیات‌های بدوی و تجدیدنظر نماینده وزیر از سازمان تامین اجتماعی تعیین شده که متأسفانه این مسئله هیات‌ها را از یک مرجع بی‌طرف به یک مرجع یک‌طرفه تبدیل کرده است. تعیین نمایندگان وزیر محترم در ترکیب هیات‌های بدوی و تجدیدنظر امری ضروری و رعایت عدالت در صدور رأی را به دنبال خواهد داشت.

۱۲- برداشتن فشار مالیاتی و همراهی سازمان مالیاتی با بخش تولید کشور: الف- اجرای کامل تبصره ۲ ماده ۹۷ قانون مالیات‌ها در رسیدگی‌ها به اظهارنامه‌ها که نهایه‌بند کردن مالیات بر مبنای ریسک است. ب- جلوگیری از تعجیل در اجرای سامانه مؤدیان مالیاتی و جلوگیری از سپردن سرنوشت بنگاه‌های کوچک و متوسط به شرکت‌های معتمد که خلاف آشکار محرم‌انگی و افشای اطلاعات مؤدیان است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود این سازمان با هماهنگی تشکلات بخش خصوصی، به‌ویژه اتاق بازرگانی با ارائه آموزش لازم، ایجاد زیرساخت کامل و نرم‌افزارهای واسطه‌ای ضمن انجام تکالیف قانونی از گرفتاری واحدهای تولیدی نیز جلوگیری کند.

۱۳- تعدد سامانه‌های گزارش‌گیری:

در حال حاضر بنگاه‌های تولیدی موظف به ارائه گزارش در سامانه‌های مختلف از جمله سامانه ماده ۱۶۹، سامانه جامع انبار و... هستند و هر دستگاهی با ایجاد سامانه خاص خود بنگاه‌های تولیدی را وادار به ارائه گزارش و ثبت اطلاعات کرده و هزینه اضافی را به این بنگاه‌ها تحمیل می‌کند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود این دستگاه‌ها ضمن هماهنگی با یکدیگر یک سامانه مرکزی برای اخذ اطلاعات طراحی کرده و تولید کنندگان صرفاً اطلاعات را در این سامانه بارگذاری کنند و هر دستگاهی به فراخور نیاز خود اطلاعات را برداشت کند.

۱۴- واگذاری اختیارات به مدیران استانی:

متأسفانه در حال حاضر مدیران استانی از اختیارات کافی برای تصمیم‌گیری در زمینه حل مشکلات بنگاه‌های تولیدی به‌ویژه در حوزه‌های بانکی برخوردار نیستند و عمدتاً کارگروه‌های رفع موانع استانی کارایی لازم را ندارند و بخشی از مصوبات این کارگروه‌ها به دلیل نداشتن اختیار لازم در عمل اجرا نمی‌شود. ۱۵- حمایت شرکت شهرک‌ها و سازمان صنایع کوچک از بنگاه‌های SME: الف- واگذاری زمین با حداکثر ۲۰ درصد پیش‌پرداخت و اقساط ۶۰ ماهه پس از به بهره‌برداری رسیدن بنگاه تولیدی. ب- حمایت مالی از ایجاد شعبه توسط بنگاه‌های SME در کشورهای هدف صادراتی و حداقل ۳ کشور تا سقف ۵۰ درصد هزینه تاسیس و راه‌اندازی شعبه ج- عدم دریافت وجوه غیر متعارف مثل هزینه نقل و انتقال، تفکیک و... که هیچ‌گونه توجیهی ندارد. د- ساخت کارگاه‌های کوچک و واگذاری در قالب اجاره به‌شرط تملیک به کارفرمایان زیر ۱۰ نفر کارگر.

۱۶- اصلاح قانون کار:

الف- قانون کار فعلی توانایی لازم را در خصوص حمایت از نیروی کار و کارآفرینان ندارد و بیشتر یک قانون یک‌طرفه است که در عمل به‌جای حمایت از کارگر، افزایش اشتغال و به تبع آن افزایش تولید باعث سوق دادن کارفرمایان به کاهش نیروی کار و در برخی موارد استفاده از خدمات بازنشتی‌گزار شده است. اصلاح این قانون با هماهنگی تشکلات کارفرمایی و کارگری از موضوعات مهم و حائز اهمیت است. ب- هزینه اجاره مسکن از اصلی‌ترین مشکلات کارگران است که گهگاه تا ۷۰ درصد حقوق این قشر زحمتکش را در بر می‌گیرد. وزارت کار می‌تواند با هماهنگی بانک رفاه کارگران با پرداخت تسهیلات بلندمدت خرید مسکن (۳۰ ساله مشابه سایر کشورها) این معضل را تا حدودی حل کند که باعث رشد بهره‌وری و تولید خواهد بود.

۵- تامین سرمایه ثابت برای سرمایه‌گذاری جدید یا اجرای طرح‌های توسعه توسط بنگاه‌های تولیدی موجود:

متأسفانه چندین سال است که بانک‌ها پرداخت تسهیلات سرمایه ثابت را به حداقل و در برخی از موارد نیز به صفر رسانده‌اند و عملاً این موضوع در کنار کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و ورود سرمایه‌های سرگردان به فعالیت‌های دلالتی (ارز، سکه و...) باعث رشد منفی نرخ تشکیل در سرمایه‌گذاری ثابت شده است؛ از این رو تامین سرمایه ثابت طرح‌ها دارای توجیه اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای کشور و از وظایف اصلی وزارت صمت و بانک مرکزی است.

۶- حمایت هدفمند از صادرات غیر نفتی:

سازمان توسعه تجارت به‌عنوان مسئول گسترش تجارت خارجی کشور باید با همکاری تشکلات بخش خصوصی، به‌ویژه اتاق بازرگانی و استفاده از تجربیات کشورهای موفق برنامه و اقدامات لازم را برای توسعه صادرات غیرنفتی به عمل آورد.

الف- ایجاد دفاتر ارائه خدمات بازاریابی و مشاوره فروش در کشورهای هدف صادراتی که تاکنون در آنها این دفاتر ایجاد نشده است.

ب- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم برای تشکیل شرکت‌های حرفه‌ای مدیریت صادرات در کلاس جهانی.

ج- حمایت‌های مالی و ارائه مشوق‌های قابل توجه برای شرکت در نمایشگاه‌های خارجی به بنگاه‌های تولیدی که ظرفیت صادرات دارند.

د- ارائه جوایز صادراتی و همچنین پرداخت یارانه در زمینه هزینه حمل محصولات صادراتی.

هـ- انجام توافقات لازم با کشورهای همسایه در زمینه برقراری تعرفه‌های ترجیحی فی‌مابین.

۷- ثبات در نرخ مواد اولیه:

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های بنگاه‌های تولیدی به‌ویژه SMEها تغییرات شدید نرخ مواد اولیه و همچنین تامین آن است که عمدتاً توسط بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی تولید و توزیع می‌شوند. بی‌ثباتی قیمت‌ها و همچنین دشواری تامین از بورس و شکل گرفتن بازار دلالتی در برخی از موارد ۵۰ درصد کاهش تولید را در بنگاه‌های کوچک و متوسط به دنبال داشته است.

۸- تخصیص و تامین ارز:

متأسفانه در حال حاضر فرآیند تخصیص و تامین ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات بخش تولید حداقل به ۵ ماه رسیده و بانک مرکزی به‌جای حل مشکل با صدور بخشنامه‌های خلق الساعه از جمله بخشنامه سپرده‌گذاری، واحدهای تولیدی را با چالش نقدینگی مواجه کرده است. تخصیص و تامین ارز در حداقل زمان ممکن خواسته اصلی بخش خصوصی است.

۹- افزایش شدید نرخ ارز:

از شهریور سال گذشته تاکنون نرخ ارز جهش بیش از ۱۰۰ درصدی داشته و بانک مرکزی به‌جای بررسی و حل مشکل اصرار به کاذب بودن نرخ بازار و پافشاری به نرخ‌های پایین‌تر دارد. این در حالی است که تغییرات روزانه نرخ ارز امکان برنامه‌ریزی مدیران بخش تولید را به سرفر رسانده و عملاً برنامه‌ریزی بنگاه‌های اقتصادی از سال به ماه و از ماه به‌روز رسیده است. حذف ارز چند نرخ و ثبات نسبی نرخ ارز از الزامات اولیه رشد تولید است.

۱۰- اصلاح رویه گمرکی:

در حال حاضر چنانچه کالای بنگاه‌های تولیدی اعم از مواد اولیه یا ماشین‌آلات وارد گمرک شده باشد اما تامین ارز صورت نگرفته باشد که عمدتاً مشکل از طرف صرافی‌ها یا بانک مرکزی است، واحد تولیدی امکان خروج کامل کالای خود را از گمرک نخواهد داشت در صورتی که: الف: عدم تامین ارز هیچ‌گونه تعهدی برای گمرک نخواهد داشت، زیرا اصولاً گشایش اعتبار اسنادی انجام نشده و واردکننده نیز اسناد مرتبط را به گمرک تحویل می‌دهد.

ب: عدم تامین ارز هیچ ارتباطی به بنگاه تولیدی نداشته و مشکل بانک مرکزی است؛ از این رو ترخیص ۱۰۰ درصدی کالا یا ماشین‌آلات با اخذ کامل حقوق و عوارض گمرکی باید انجام گردد تا واحدهای تولیدی دچار مشکل نشوند.

۱۱- صدور مجوز سازمان‌های بیمه‌ای مشابه سازمان تامین اجتماعی و اصلاح ترکیب هیات‌های بدوی و تجدیدنظر: الف- در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی به دلیل انحصاری بودن یا اخذ حق بیمه مضاعف در حسابرسی‌های غیرقانونی و تحمیل بخشنامه‌های غیرقانونی به کارفرمایان از جمله بازرسی غیرتخصصی

در بررسی **اقتصاد** از موانع جذب سرمایه در بخش تولید تاکید شد

تغییر رویکرد، راه ناگزیر سیاست گذار



در حدود یک دهه اخیر به‌ویژه از سال ۱۳۹۷ که با روی کار آمدن ترامپ امریکا از برجام خارج و تحریم‌ها تشدید شد، وضعیت اقتصاد ایران و در نخستین زنجیره تولید تحت تأثیر منفی قرار گرفت؛ هرچند برخی‌ها بر این باورند که تحریم نه‌تنها تولید را تحت فشار قرار نداده، بلکه فرصتی را برای رشد آن فراهم کرده است، اما اگر واقع‌بینانه به داستان نگاه کنیم، نمی‌توانیم عدم دسترسی به فناوری روز، تأمین مواد اولیه در سخت‌ترین روند ممکن، تأمین پرمشقت ارز و... را برای تولید فرصت بشماریم. اما اکنون مشکلات از مسائل یادشده نیز فراتر رفته و در داخل نیز مسائلی چون ناترازی انرژی، تورم بالا و کاهش قدرت خرید مردم، سیاست‌گذاری‌های ضدتولید و ایجاد محدودیت برای تولیدکنندگان و... امکان فعالیت آسان را از فعالان اقتصادی گرفته که در نتیجه این امر سال‌هاست در شاخص رشد سرمایه ثابت ناچیزی رضایت‌بخشی را کسب نکرده‌ایم، زیرا سرمایه‌گذار زمانی برای تزریق سرمایه به بخش تولید اقدام خواهد کرد که اطمینانی از بابت از بین نرفتن سرمایه در گام نخست و کسب سود مناسب از محل سرمایه‌گذاری در گام دوم به‌دست آورد؛ شرایطی که براساس اظهارات فعالان حوزه اقتصاد اکنون تنش‌های سیاسی موجود و عدم اطمینان از آینده در حال حاضر اقتصاد ما را آن دور کرده است.

نااطمینانی‌ها عامل فرار سرمایه از بخش تولید

از آنجا که در اقتصاد کنونی ما تورم هر روز در حال رشد است، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید کاهش یافته است؛ به‌گونه‌ای که در برخی از سال‌ها نرخ استهلاک سرمایه‌ما بیش‌تر از نرخ سرمایه‌گذاری بوده است.

ندری با بیان اینکه اگر تورم وارد کانال‌های بالاتری شود، به‌طور قطع شاهد اثرات منفی بیش‌تر آن در بخش سرمایه‌گذاری و تولید خواهیم بود، تاکید کرد: انتظارات تورمی در جامعه‌ما بسیار بالا است که همین مسئله نیز به عاملی بازدارنده در توسعه سرمایه‌گذاری در بخش تولید بدل شده است. عموماً سرمایه‌گذار با برآورد هزینه، درآمد و سود اقدام به ورود به فعالیتی اقتصادی و تزریق سرمایه برای شکل‌گیری آن می‌کند، اما وقتی فضای اقتصادی به‌گونه‌ای است که تورم روزافزون امکان برآورد مالی درست را از بین ببرد و به‌اصطلاح ریسک اقتصادی را افزایش دهد، سرمایه‌گذار رغبتی به سرمایه‌گذاری از خود نشان نمی‌دهد.

مانعی به‌نام عقب‌ماندگی زیرساختی

این اقتصاددان عدم توسعه زیرساخت‌های اقتصادی را دیگر مانع جذب سرمایه به کشور توصیف کرد و در این باره توضیح داد: بست‌های نرم‌افزاری و در عبارتی کلان‌تر ساختار اقتصادی‌ما به‌گونه‌ای نیست که سرمایه‌گذار بدون دغدغه وارد کشور شود. تنها در یک مورد «بازار مالی» ما دچار عقب‌ماندگی زیادی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای اطراف است. وی معضلات موجود در تأمین زیرساخت‌های تولید را نیز به‌عنوان دیگر مانع جذب سرمایه به بخش مولد اقتصاد معرفی و اظهار

اگر دشمن دست تولید کننده را بست؛ دولت پایش را باز کند

بوده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که اکنون تنها ۴۰ درصد ظرفیت‌های تولید در حال بهره‌برداری است. **فعالیت تولید تنها با ۴۰ درصد ظرفیت** این فعال حوزه تولید با اشاره به اینکه بهره‌برداری از کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت تولید سبب رشد قیمت تمام‌شده و شکنندگی آن می‌شود، تصریح کرد: اگر محدودیت‌ها و سیاست‌های دستوری فراگیرتر و بیش‌تر شود، به‌طور قطع در آینده‌ای نه‌چندان دور وضعیت تولید بغرنج‌تر خواهد شد و در ادامه آن در بخش عرضه شاهد کاستی‌های فراوان و به‌تبع آن رشد تورم خواهیم بود.

ایمن کارشناس تولید در بیان راهکارهایی برای رفع مشکلات موجود در حوزه اقتصاد بیان کرد: تنها راهکار موجود این است که اگر دشمن خارجی دست تولید‌کننده داخلی را بسته، دولت، قوه مقننه و در مجموع حاکمیت جمهوری اسلامی با اصلاح روند و سیاست‌گذاری مطلوب تلاش کنند یای تولیدکننده باز شود. به‌بیان دقیق‌تر باید فضا برای فعالیت مستقل بخش خصوصی بازتر شود، زیرا بخش خصوصی می‌تواند با ارتباطات و تعاملاتی

بروکراسی، مانعی فراگیر

سرمایه‌پذیری کشور همخوانی ندارد. این استاد دانشگاه در اشاره به دیگر عوامل عدم‌تمایل سرمایه‌گذار خارجی برای ورود به ایران تصریح کرد: بروکراسی‌های پیچیده و عدم شفافیت قوانین هم جزو موانع ورود سرمایه به کشور به‌شمار می‌روند؛ به‌گونه‌ای که دیده‌شده سرمایه‌گذار ورود کرده، اما در آغاز کار چنان در گیر روند اداری شده که در نهایت عطای کار را به لقایش بخشید و دست از کار کشید. ضمن اینکه نااطمینانی‌های ناشی از ریسک‌های سیاسی و اقتصادی هم ایران را از شمار کشورهای اقبال در جذب سرمایه‌های بین‌المللی خارج کرده است.

ساختارهای رانتی سرمایه را فرای می‌دهد

شقایی ثابت نبودن قوانین و تغییر مقررات با تغییر دولت‌ها را دیگر مانع جذب سرمایه عنوان و تاکید کرد: در کنار موانع یادشده، فساد و ساختارهای رانتی موجود نیز نقش تأثیرگذاری در ناکامی ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذار خارجی دارند، زیرا سرمایه‌گذار زمانی ورود می‌کند که برداشت‌اش از فضای سرمایه‌گذاری امنیت اقتصادی، ثبات قوانین و رویه‌ها، شفافیت و از همه مهم‌تر دوری از رانت و فساد باشد. آیا در ایران چنین شرایطی حاکم است؟ این اقتصاددان در ادامه تاکید کرد: البته آنچه گفته شد

یک اقتصاددان درباره تولید و سرمایه‌گذاری در این بخش بر این باور است که وقتی ریسک‌ها چه به‌لحاظ سیاسی و چه اقتصادی و اجتماعی در کشوری افزایش پیدا می‌کند شاخص سرمایه‌گذاری در آن کشور روند منفی را تجربه خواهد کرد و اکنون کشور ما نیز دقیقاً در همین وضعیت قرار دارد؛ بر همین مینا چندان نمی‌توان به بهبود وضعیت تولید امیدوار بود. کامران ندری، اقتصاددان در گفت‌وگو با **اقتصاد** در تشریح موانع رشد تولید اظهار کرد: در شرایط فعلی با توجه به التهابات سیاسی موجود و مشخصاً اجرای مکانیسم ماشه سرمایه‌گذار خارجی تمایلی به وارد کردن سرمایه به ایران ندارد و سرمایه‌گذاران داخلی نیز حتی اگر این ریسک‌های سیاسی و... را نادیده بگیرد، بستری برای فعالیت تولیدی نمی‌بیند. وی با تاکید بر اینکه در یکی دو دهه اخیر جز در سال‌هایی معدود نرخ تشکیل سرمایه در اقتصاد ما بسیار پایین بوده است، ادامه داد: من معتقدم با وضعیت فعلی نه‌تنها نمی‌توان به رشد سرمایه‌گذاری و به تبع آن رونق تولید امیدوار بود، بلکه شاید وضعیت تولید بدتر شود.

تورم، مانع توسعه سرمایه‌گذار

ایمن اقتصاددان در پاسخ به پرسش **اقتصاد** مبنی بر اینکه با توضیحاتی که ارائه کرده‌اید به‌منظر می‌رسد راهکاری را نیز در این شرایط دارای تأثیرگذاری عمیق نمی‌دانید؟ تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در حال حاضر نااطمینانی‌های موجود و شاید مهم‌ترین این نااطمینانی‌ها اقتصادی و مربوط به قیمت‌ها باشد که سبب شده تولید در وضعیتی نامطلوب قرار بگیرد؛ یعنی

یک فعال حوزه تولید نیز درباره وضعیت تولید بر این باور است که اقتصاد دستوری و بر خورد سختگیرانه با تولیدکننده و در مجموع فعالان اقتصادی با توجیه دشوار بودن شرایط، وضعیت تولید را از آنچه که اکنون شاهدیم، بدتر خواهد کرد و سیاست‌گذار با این روش مهم‌ترین و شاید تنها ظرفیت موجود برای گذر از شرایط سخت فعلی را هم از دست خواهد داد.

حسن فروزانفرد، فعال حوزه اقتصاد در گفت‌وگو با **اقتصاد** بیان کرد: در حال حاضر دشمن با تحریم و برقراری محدودیت دست‌های فعالان اقتصادی را بسته و سرمایه‌گذاری و تولید را در شرایطی نامطلوب قرار داده است. یعنی تولید اکنون در حال تجربه گرفتاری‌های بین‌المللی است.

وی سیاست‌های فعلی یعنی حرکت به سمت اقتصاد کوپنی و دستوری و ایجاد محدودیت در فضای فعالیت اقتصادی را زمینه‌ساز از بین رفتن آخرین رمق‌های تولید دانست و تاکید کرد: گزارش اخیر شاخص شاخخ که از سوی اتاق بازرگانی منتشر شده نشان می‌دهد در ماه‌های اخیر به‌صورت مداوم شاهد نزول وضعیت تولید

درباره سرمایه‌گذاری در بخش تولید و موانع جذب آن به کشور یک اقتصاددان دیگر اقتصاد هم تا حدودی نظری مشابه ندری دارد و بر این باور است که عوامل گوناگونی مانع ورود سرمایه‌گذار به ایران شده که در صدر آنها تحریم جای می‌گیرد.

وحید شقاقی شهری، کارشناس اقتصاد و استاد دانشگاه درباره وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور گفت: ما در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در حدود یکی دو سال اخیر وضعیت مطلوبی نداشتیم و حتی گزارش آنتکان نیز با اعلام رقم کمتر از ۲ میلیارد تومان برای این شاخص، بر این مسئله صحه می‌گذارد. این استاد اقتصاد در گفت‌وگو با **اقتصاد** در مقایسه‌ای کوتاه بین ایران و کشورهای منطقه در حوزه جذب سرمایه خارجی اظهار کرد: در حالی که میانگین جذب سرمایه کشور ما در سال‌های اخیر کمتر از ۲ میلیارد تومان است، در همسایگی‌ما، امارات متحده عربی در این شاخص رقم حدود ۲۰ میلیارد دلار را ثبت کرده و حتی در سال گذشته حدود ۳۰ میلیارد دلار سرمایه وارد این کشور شده است.

وی در ادامه با تاکید بر ظرفیت‌های فراوان کشور برای جذب سرمایه‌گذاری تصریح کرد: باوجود ظرفیت‌های فراوان در کشور، ما جزو کشورهای بسیار ضعیف در جذب سرمایه خارجی هستیم که این مسئله از عوامل گوناگونی که در صدر آنها تحریم قرار دارد، ناشی می‌شود؛ گرچه پیش از تحریم هم در شاخص سرمایه‌گذاری وضعیت چشمگیری نداشتیم. تحریم تنها یک دلیل عدم ورود سرمایه‌گذار به کشور ما است؛ گما اینکه در دهه ۸۰ که شدت تحریم‌ها به اندازه سال‌های اخیر نبوده هم سالانه کمتر از ۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی وارد کشور می‌شد؛ رقمی که با ظرفیت‌های

مرضیه توکل
editor@smtnews.ir

براساس نظرسنجی از ۶۲ پژوهشگر اقتصادی، آینده صنعت ایران در سال ۱۴۰۴ با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد بود. اغلب این اقتصاددانان معتقدند تحریم‌ها همچنان مهم‌ترین مانع تولید در کشور هستند و اگر سیاست‌گذار به رفع تحریم و اصلاح ساختاری اقتصاد توجه نکند، صنعت ایران به سمت رکود و تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی پیش خواهد رفت.

هم‌زمانی عواملی همچون محدودیت‌های تجاری، رکود در بخش تولید، کاهش تقاضای داخلی به‌دلیل افت قدرت خرید مردم و افت شدید سرمایه‌گذاری صنعتی، می‌تواند شرایطی را رقم بزند که صنعت‌دایی در کشور شدت گیرد. این پژوهشگران هشدار داده‌اند که اگر سیاست‌های مناسبی در حوزه تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید اتخاذ نشود، زنجیره تأمین صنعتی کشور با گسست جدی مواجه خواهد شد و توسعه اقتصادی ایران با عقب‌گردی قابل توجه همراه می‌شود. تحلیل‌نظرات این پژوهشگران نشان می‌دهد رکود و کاهش سرمایه‌گذاری به‌عنوان چالش‌کلیدی بخش صنعت در ۱۴۰۴ شناخته شده است. پس از این عامل، بی‌ثباتی اقتصادی، تحریم‌ها، نوسانات ارزی و عدم جذب سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین موانع توسعه صنعتی کشور برشمرده شده‌اند.

در این میان، برخی کارشناسان نیز معتقدند صنعت ایران در برخی حوزه‌ها ممکن است رشد کند، اما این رشد به‌دلیل مشکلات ساختاری و اقتصادی محدود خواهد بود. باوجود تمام این چالش‌ها، اقتصاددانان به برخی از مزیت‌های نسبی صنعت ایران اشاره کرده‌اند که در صورت مدیریت صحیح، می‌توانند زمینه توسعه صنعتی کشور را فراهم کنند.

براساس نتایج این نظرسنجی، دسترسی به منابع انرژی ارزان، موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران، ظرفیت بالای نیروی کار ماهر و تنوع صنعتی ازجمله مهم‌ترین مزیت‌هایی هستند که می‌توانند به رشد صنعت کمک کنند. با این حال، تاکید شده است که تحریم‌ها مانع بهره‌برداری از این مزیت‌ها شده و توسعه صنعتی کشور را به‌شدت محدود کرده است. برخی کارشناسان معتقدند در صورت رفع تحریم‌ها، تنوع صنعتی ایران می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای ورود سریع‌تر به بازارهای جهانی فراهم کند. چالش‌های ساختاری همچنان مانع اصلی رشد صنعت ایران در سال ۱۴۰۴ خواهند بود. عدم ثبات اقتصادی و نوسانات شدید نرخ ارز، محدودیت‌های تأمین مالی، مشکلات تأمین مواد اولیه، تحریم‌ها و محدودیت‌های تجارت بین‌الملل، قیمت‌گذاری دستوری و کاهش تقاضای داخلی از جمله عواملی هستند که به‌عنوان موانع اصلی توسعه صنعتی کشور شناسایی شده‌اند. از بین این چالش‌ها، تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری بیشترین تأثیر منفی را بر صنعت ایران خواهند گذاشت، زیرا هم تأمین قطعات و تکنولوژی‌های پیشرفته خارجی را دشوار و هم صادرات را محدود می‌کنند. در چنین شرایطی، راهکارهایی که می‌توانند از بحران پیش روی صنعت ایران جلوگیری کنند، بر رفع تحریم‌ها و تسهیل تجارت خارجی، اصلاحات ساختاری، بهبود محیط کسب‌وکار، حذف قیمت‌گذاری دستوری، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ثبات‌بخشی به سیاست‌های ارزی و مالی تمرکز دارند. اقتصاددانان تاکید دارند اگر سیاست‌گذار در سال ۱۴۰۴ این اصلاحات اساسی را اجرا نکند، رکود صنعتی ایران عمیق‌تر خواهد شد و فرصت‌های توسعه از بین خواهند رفت. تنها در صورت اجرای این اصلاحات است که می‌توان از ظرفیت‌های موجود در کشور، نظیر انرژی ارزان، موقعیت جغرافیایی استراتژیک و نیروی کار ماهر، برای رشد اقتصادی و افزایش توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی استفاده کرد.

دیر خانه و با یگانی روشی برای بهبود کارایی سازمان



سر درود: اداره امور دفتری و با یگانی یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر سازمان است که نقش حیاتی در مدیریت مکاتبات و اسناد سازمانی دارد. دیر خانه و با یگانی به عنوان مراکز اصلی مدیریت این امور، وظیفه نظم‌بخشی و سهولت در دسترسی به اطلاعات و اسناد را بر عهده دارند. در واقع، سیستم‌های کارآمد دیر خانه و با یگانی می‌توانند به بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت انجام امور در سازمان کمک کنند. با توجه به این اهمیت، انتخاب روش مناسب برای اداره امور دفتری بسیار حائز اهمیت است.

اهمیت اداره امور دفتری در سازمان‌ها

اداره امور دفتری و با یگانی در سازمان‌ها به دلیل تأثیر مستقیم بر کارایی و اثربخشی عملیات سازمانی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. دیر خانه و با یگانی به عنوان ستون فقرات مدیریت اطلاعات، نقش کلیدی در: **- حفظ و نگهداری اسناد:** ایجاد نظم و ترتیب در با یگانی اسناد و مکاتبات. **- سهولت دسترسی به اطلاعات:** فراهم آوردن دسترسی سریع و آسان به اسناد و اطلاعات مورد نیاز کارکنان و مدیران. **- کنترل و مدیریت مکاتبات:** تضمین صحت و دقت در ثبت و پیگیری مکاتبات ورودی و خروجی.

- بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری: فراهم کردن اطلاعات دقیق و به‌روز برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک. **- کاهش هزینه‌ها و زمان:** بهینه‌سازی فرآیندهای کاری و کاهش هزینه‌های مربوط به مدیریت اسناد و مکاتبات.

عوامل مؤثر در انتخاب روش مناسب برای دیر خانه و با یگانی

- حجم مکاتبات سازمان

یکی از عوامل کلیدی در انتخاب روش مناسب برای دیر خانه و با یگانی، حجم مکاتبات سازمان است. سازمان‌هایی که حجم بالایی از مکاتبات دارند، نیازمند سیستمی هستند که بتواند این حجم را به طور مؤثر مدیریت کند. در چنین شرایطی، روش غیرمتمرکز یا نیمه متمرکز می‌تواند مناسب باشد، زیرا هر واحد می‌تواند به طور مستقل مکاتبات خود را مدیریت کند و با کارایی بر روی یک واحد مرکزی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، سازمان‌هایی با حجم مکاتبات کمتر ممکن است از روش متمرکز بهره بیشتری ببرند، زیرا این روش به کنترل و نظارت بهتر بر مکاتبات کمک می‌کند.

- پراکندگی جغرافیایی واحدها

پراکندگی جغرافیایی واحدهای سازمان نیز در انتخاب روش مناسب نقش مهمی دارد. سازمان‌هایی که دارای واحدهای پراکنده در مکان‌های مختلف هستند، ممکن است با چالش‌های خاصی در مدیریت مکاتبات مواجه شوند.

در این موارد، روش غیرمتمرکز یا نیمه متمرکز کارایی بیشتری دارد، زیرا هر واحد می‌تواند به صورت مستقل مکاتبات خود را مدیریت کند. این امر به کاهش زمان و هزینه‌های مربوط به انتقال فیزیکی مکاتبات کمک می‌کند. از سوی دیگر، در سازمان‌هایی که واحدهای آنها در یک مکان متمرکز شده‌اند، روش متمرکز می‌تواند بهترین گزینه باشد.

منابع و امکانات سازمان

میزان منابع و امکانات موجود در سازمان نیز تأثیر زیادی بر انتخاب روش مناسب دارد. سازمان‌هایی با منابع و امکانات محدود ممکن است از روش متمرکز بهره بیشتری ببرند، زیرا نیاز به نیروی انسانی و تجهیزات کمتری دارند. در مقابل، سازمان‌هایی که منابع کافی در اختیار دارند، می‌توانند از روش‌های غیرمتمرکز یا نیمه متمرکز استفاده کنند، زیرا این روش‌ها نیاز به تجهیزات و نیروی انسانی بیشتری دارند. انتخاب روش مناسب باید با نظر گرفتن بودجه، نیروی انسانی و تجهیزات موجود در سازمان انجام شود.



کرد: درک وضعیت نامناسب تولید اصلا کار سختی نیست؛ کافی است ناترازی‌های موجود در بخش انرژی، تأمین سرمایه در گردش و روند اخذ تسهیلات بانکی برای این منظور، قوانین

زائد و... را در نظر بگیریم تا به وضعیت تولید پی ببریم. آیا در چنین فضایی انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرد؟

توسعه سرمایه‌گذاری بر پایه نفت

ندری در پاسخ به سوال **اقتصاد** مبنی بر اینکه با توجه به وضعیت نامناسب تولید، برقراری فعالیت بنگاه‌هایی که پیش از این شکل گرفته‌اند را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ گفت: وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران وابستگی بالایی به درآمدهای نفتی دارد؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های فزونی درآمد نفتی، نرخ رشد سرمایه‌گذاری در اقتصاد بالاتر بوده و هر زمانی که درآمد نفتی کاهش پیدا کرده، میزان سرمایه‌گذاری هم در اقتصاد افت پیدا کرده است؛ بر این مبنا می‌توان گفت بزرگ‌ترین و فعالیت بخش عمده‌ای از بنگاه‌های موجود مرهون درآمدهای نفتی است. این اقتصاددان در پایان در بیان راهکارهایی به‌منظور رشد سرمایه‌گذاری تصریح کرد: تا زمانی که بی‌ثباتی‌های موجود در اقتصاد برطرف نشود و تصویر روشنی از شرایط سیاسی شکل نگیرد، نمی‌توانیم امیدوار به ورود سرمایه به کشور باشیم که خود همین موارد نیازمند اصلاحات ساختاری عمیق در نظام رویکردی و سیاست‌گذاری است.



که خودش با بازارهای بین‌المللی شکل داده، بهبودی را در بخش تولید رقم بزند. فروزانفرد با بیان اینکه صحبت از مکانیسم ماشه یعنی گرفتار شدن دولت در محدودیت‌های لجستیکی، مالی و ارزی و... افزود: بخش خصوصی اکنون ظرفیت مناسبی در اختیار دولت، برای گذر از شرایط سخت است و برقراری محدودیت برای این بخش با حاکمیت اقتصاد دستوری یعنی نادیده گرفت ظرفیتی باری‌رسان.

واقعیت این‌است که اکنون کاهش ارزش پول ملی، در کنار پیامدهای منفی‌اش، فرصت مناسبی را برای رشد صادرات در اختیار ما قرار داده که اگر محدودیت‌هایی چون پیمان‌سازی ارزی، تعیین سقف یا ممنوعیت صادرات و... وجود نداشته باشد، بخش خصوصی می‌تواند با بهره‌گیری از این فرصت، توسعه سرمایه‌گذاری در بخش تولید و به‌تبع آن اقتصاد را محقق کند.



به‌معنای آن نیست که سرمایه‌گذار تمایلی به ورود به کشور ما ندارد. معمولاً با توجه به ظرفیت‌های بالقوه کشور درخواست‌ها و تمایلاتی مطرح می‌شود، یعنی سرمایه جلب می‌شود، اما جذب نمی‌شود که برای گذر از مرحله جلب به جذب باید موانعی که به آنها اشاره شد برداشته شود.

شقایی در پایان تصریح کرد: مشکلات و موانعی که از آنها یاد شد، فقط سرمایه‌گذار خارجی را در گیر نمی‌کند و سرمایه‌گذار داخلی نیز روندی آسان‌تر و فرآیند ساده‌تری را نسبت به سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور طی نمی‌کند؛ به‌گونه‌ای که بارها دیده‌شده سرمایه‌گذار چند سال زمان صرف کرده تا بستر قانونی راه‌اندازی کسب‌وکار مدنظرش را فراهم کند، اما زمانی که برای دریافت مجوزهای قانونی و شروع کسب‌وکار مراجعه می‌کند، متوجه می‌شود قواعد و ضوابط تغییر کرده و باید متناسب با قوانین و قواعد جدید عمل کند؛ حالا این تغییر و تحول می‌تواند ناشی از تغییر دولت‌ها باشد یا تغییر قوانین ازسوی قوه مقننه.

سخن پایانی

جذب سرمایه در بخش تولید مستلزم فراهم بودن بستر مناسب برای فعالیت تولید است و این شرایط تنها به دست سیاست‌گذار با تعریف قوانینی حمایتگر، تأمین زیرساخت، رفع محدودیت‌ها و... ایجاد خواهد شد؛ شرایطی که اکنون در کشور ما وجود ندارد؛ بر همین مبنا کارشناسان بر این باورند که اگر دولت در پی تغییر وضعیت تولید و رشد آن است تغییر رویکرد الزامی است که نمی‌تواند از آن بگریزد.

منبع معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html
 صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منبع معدن»
مدیرمسئول: عاطفه خسروی
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۸۱-۵۲۸۸-۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی--۱۰۸) توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir چاپخانه: صمیم
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaaz.com/smtnews https://ble.ir/smtnews
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات

تاب‌آوری روی گسل‌های تولید

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که تا زمانی که رویکردهای کلان تغییر نکند و ثبات اقتصادی ایجاد نشود، هیچ تحولی در تولید رقم نخواهد خورد. اما زیر پوست این بحران، کاهش تولید تنها یک روی سکه است؛ روی دیگر آن

بسیاری از کارشناسان معتقدند امروز چالش اصلی کشور حوزه اقتصاد و به ویژه ستون فقرات اقتصاد یعنی بخش تولید است؛ بنابراین بهتر است دولت به صورت ویژه به بررسی و حل مشکلات این بخش بپردازد. ۱- نخستین دغدغه فعالان حوزه تولید و صنعت مربوط به وضعیت تأمین مواد اولیه می‌شود. متأسفانه تولیدکنندگان طی سال‌های اخیر با مشکلات عدیده‌ای از جمله گرانی مواد اولیه، تغییر نرخ در فاصله‌های کوتاه مدت و عرضه مهندسی در بورس کالا در این بخش مواجه بودند؛ به گونه‌ای که یکی از عمده دلایل تعطیلی واحدهای تولیدی مباحث مربوط به تأمین مواد اولیه است.

۲- تولیدکنندگان در مسئله تأمین ارز نیز مشکل دارند؛ این موضوع در مقطعی از سال حتی منجر به کاهش تولید برخی از صنایع از جمله لاستیک شده بود. تداوم فرآیند طولانی تخصیص ارز و ترخیص از گمرک باعث کمبود مواد اولیه و به طبع آن تولید در ظرفیت‌های پایین‌تر از توان تولیدی و در نتیجه تعدیل نیروی کار شده است.

۳- تورم ام المصاببات اقتصاد ایران است که منجر به بی‌ثباتی قیمت‌ها شده است؛ بررسی وضعیت بخش صنعت و معدن بیانگر آن است که به دلیل تورم بالا در اقتصاد ایران، این بخش بیش از پیش نیازمند تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش شده است. در واقع وضعیت بفرنج تولید در دستیابی به سرمایه در گردش که هر روز به بیشتر از دیروز می‌شود بر یک نکته تأکید می‌کند و آن اینکه دولت باید اولویت نخست خود را کاهش نرخ تورم قرار دهد چراکه هر چقدر افسار تورم رهاتر باشد به همان میزان نیز صنایع در بخش‌های مختلف به ویژه در استخدام نیروی کار، هزینه خرید مواد اولیه و موجودی مواد اولیه در تنگنا قرار می‌گیرند و همین مسئله موجب افزایش تمایل این بخش به دریافت تسهیلات بیشتر می‌شود.

۴- دیگر مشکلات عمده تولیدکنندگان باید به وضعیت ناگوار تجهیزات و ماشین‌آلات اشاره کرد؛ به گفته تولیدکنندگان، بخش عمده‌ای از تجهیزات فرسوده و قدیمی بوده و از فناوری روز عقب است. همچنین ماشین‌آلات جدید هم بعضاً پشت درهای گمرک رسوب شده و به موقع به‌دست تولیدکننده نمی‌رسد.

۵- دغدغه مهم دیگر بخش تولید کشور مربوط به تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش می‌شود؛ متأسفانه فعالان بخش تولید و صنعت به دلیل عدم توانایی در تأمین نقدینگی که خود دلایل متعددی دارد توان پاسخگویی به نیازهای واحد خود را ندارد که همین مسئله در ادامه منجر به تعطیلی و راکد شدن صنایع می‌شود و یا اینکه در بهترین حالت واحد تولیدی مجبور به کار کردن با ظرفیت کمتر می‌شود.

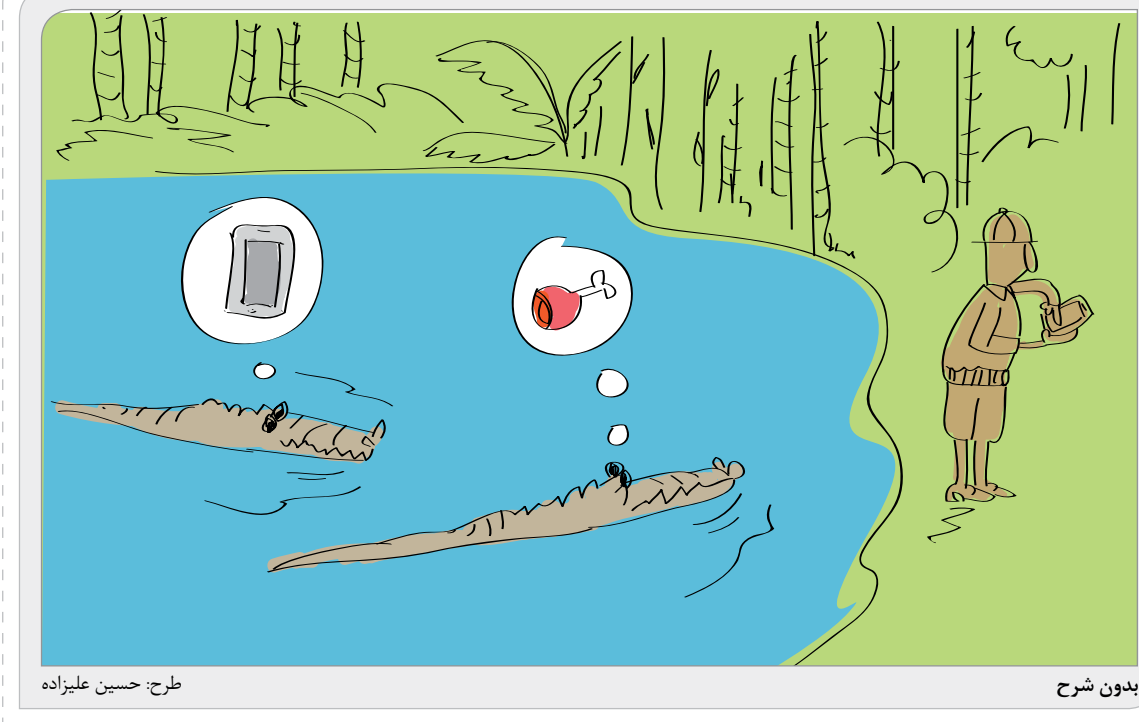
۶- همانطور که اشاره شد عدم توانایی تولیدکنندگان در تأمین نقدینگی دلایل متعددی دارد که عمده دلیل آن، بروز بحران تقاضا در اقتصاد ایران است که این موضوع نیز در شکل کلان خود نتیجه کاهش قدرت خرید مردم بوده که در نهایت واحدهای تولیدی را با مشکل نقدینگی مواجه کرده است.

این در حالیست که با کاهش رکود در بازار ظرفیت واحدهای تولید افزایش می‌یابد و به‌طور حتم هزینه‌های سربار تولید کاهش یافته و کتان آن فضای رقابت برای تولیدکننده داخلی با اجناس وارداتی بهبود خواهد یافت.

۷- از جمله دیگر دلایلی که منجر به ضعیف شدن صنایع در دستیابی به نقدینگی شده، عدم همراهی نظام بانکی با بخش تولید به ویژه صنایع کوچک و متوسط است؛ متأسفانه آنطور که تولیدکنندگان می‌گویند برای دریافت وام و تسهیلات باید در صف‌های طولانی بمانند و در نهایت با نرخ بهره‌های بالا نسبت به بازپرداخت تسهیلات اقدام کنند.

۸- چالش‌ش دیگر تولیدکنندگان مربوط به حوزه تأمین اجتماعی می‌شود؛ در همین راستا نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین گلابه و شکایت و دادخواست‌های مطروحه از طرف صاحبان کسب و کار علیه سازمان تأمین اجتماعی است.

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین عزیزاده

یادداشت

چرا حقوقی‌ها در بازار سرمایه فروشنده‌اند؟

فیروزه عسگری فعال بازار سرمایه

در ماه‌های اخیر، رفتار فروشندگان نهادهای حقوقی در بازار سرمایه ایران به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز میان فعالان بازار، تحلیل‌گران و رسانه‌ها تبدیل شده است. این رفتار، چه در مقیاس خرد و چه در سطح کلان، تأثیر قابل‌توجهی بر روند معاملات و روان بازار داشته و گاهی باعث تشدید فضای منفی در بین سهام‌داران حقیقی شده است. اما چرا نهادهای حقوقی، که معمولاً به عنوان بازیگران اصلی بازار و حامیان آن شناخته می‌شوند، در شرایطی که بازار نیازمند حمایت و تقویت است، در نقش فروشنده ظاهر می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم بررسی دقیق ابعاد مختلف اقتصادی، مالی و رفتاری این پدیده است.

۱. تأمین نقدینگی و تعهدات مالی

یکی از مهم‌ترین دلایل فروش حقوقی‌ها، تأمین نقدینگی مورد نیاز برای انجام تعهدات مالی است. نهادهای حقوقی مانند شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، معمولاً وظایف و تعهداتی دارند که نیازمند منابع مالی مستمر است. برای مثال، پرداخت سود تقسیمی به سهام‌داران، بازخرید واحدهای سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها، تأمین بودجه عملیاتی یا پرداخت هزینه‌های جاری، از جمله این موارد هستند. در شرایطی که درآمدهای جایگزین یا بازدهی مناسبی از سایر بازارها حاصل نشود یا منابع نقدینگی به شکل محدود در دسترس نباشد، این نهادها ناچار به فروش بخشی از دارایی‌های بورسی خود می‌شوند تا تعهدات خود را پوشش دهند. این فروش‌ها اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت فشار بر نرخ سهام وارد کند، اما بخشی از سازوکار طبیعی مدیریت مالی حقوقی‌ها است.

۲. استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری جایگزین

با افزایش نرخ بهره بین‌بانکی و رشد قابل توجه سود اوراق بدهی دولتی و شرکتی، جذابیت بازار سرمایه برای نهادهای حقوقی کاهش یافته است. این نهادها که معمولاً به دنبال حفظ تعادل میان ریسک و بازدهی هستند، ممکن است ترجیح دهند منابع خود را به سمت بازارهای کم‌ریسک‌تر و مطمئن‌تر هدایت کنند. به خصوص صندوق‌های درآمد ثابت که هدف اصلی آنها ارائه بازدهی بدون ریسک به سرمایه‌گذاران است، این سیاست خروج تدریجی از بازار سهام و سرمایه‌گذاری در ابزارهای درآمد ثابت را منطقی می‌دانند. این تغییر جهت، در بلندمدت می‌تواند بخشی از جریان نقدینگی را از بورس خارج کند و باعث فروش حقوقی‌ها شود.

۳. فشارهای نظارتی و الزامات قانونی

برخی نهادهای حقوقی به‌خصوص آن دسته که زیر نظر سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی یا دولتی فعالیت می‌کنند، با محدودیت‌ها و الزامات قانونی خاصی روبه‌رو هستند. این الزام‌ها می‌تواند شامل دستورالعمل‌های بودجه‌ای، نیاز به تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری یا پرداخت مالیات‌های سنگین باشد. در چنین شرایطی، حقوقی‌ها برای تأمین منابع مالی لازم ممکن است مجبور به فروش دارایی‌های بورسی خود شوند، حتی اگر در کوتاه‌مدت به زیان بازار باشد. این رفتار در واقع بیشتر ناشی از فشارهای بیرونی است تا تصمیمات صرفاً سرمایه‌گذاری.

۴. رفتار محافظه‌کارانه در شرایط عدم قطعیت اقتصادی

عدم قطعیت‌های موجود در اقتصاد کلان، شامل نوسانات نرخ ارز، تغییرات ناگهانی در سیاست‌های پولی و مالی و بی‌ثباتی‌های قانونی، باعث افزایش نگرانی‌ها در بین فعالان بازار شده است. حقوقی‌ها که اغلب رفتار محافظه‌کارانه‌تری نسبت به سهام‌داران خرد دارند، در چنین شرایطی ترجیح می‌دهند ریسک‌های خود را کاهش دهند و بخشی از سودهای تحقق یافته را نقد کنند. این نوع فروش‌ها معمولاً در زمانی که چشم‌انداز بازار مبهم است، افزایش می‌یابد. این رویکرد به منظور حفظ سرمایه و مدیریت ریسک، در واقع نشان‌دهنده هوشمندی در مواجهه با شرایط نامطمئن است، اما می‌تواند به صورت کوتاه‌مدت فضای بازار را تحت تأثیر منفی قرار دهد.

۵. کنترل قیمتی و مداخله در مدیریت بازار

در برخی موارد، حقوقی‌ها به عنوان بازارگردان‌ها یا سهام‌داران عمده نقش تنظیم‌گری بازار را بر عهده دارند. فروش‌های کنترل‌شده و هدفمند این نهادها می‌تواند با هدف مدیریت هیجانات قیمتی، جلوگیری از نوسانات شدید و حفظ تعادل بازار انجام شود. این مداخلات که ممکن است به ظاهر باعث کاهش نرخ سهام شوند، در واقع برای پیشگیری از ایجاد حباب قیمتی یا افت ناگهانی طراحی شده‌اند. البته فقدان شفافیت در این اقدامات می‌تواند سوءتفاهم و بی‌اعتمادی در بین سهام‌داران خرد ایجاد کند و به تشدید جو منفی دامن بزند.

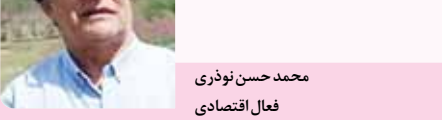
جمع‌بندی

رفتار فروش حقوقی‌ها در بازار سرمایه را نمی‌توان صرفاً به عنوان یک اقدام منفی یا ضدبازار تحلیل کرد. این رفتار نتیجه ترکیب پیچیده‌ای از عوامل درونی مانند ساختار مالی، اهداف سرمایه‌گذاری، تعهدات نقدینگی و سیاست‌های داخلی نهادهای حقوقی و همچنین عوامل بیرونی نظیر شرایط اقتصاد کلان، سیاست‌های مالی و نظارتی است. آنچه در این میان اهمیت فراوان دارد، شفافیت در عملکرد نهادهای حقوقی و اطلاع‌رسانی دقیق به سهام‌داران است. بدون این شفافیت، هر حرکت حقوقی‌ها می‌تواند به یک عامل تشدیدکننده بی‌اعتمادی و فرار سرمایه تبدیل شود که در نهایت به ضرر کل بازار سرمایه خواهد بود.

بنابراین، برای حفظ تعادل و رشد پایدار بازار، علاوه بر مدیریت مناسب رفتار حقوقی‌ها، نیاز به ایجاد بسترهای شفاف، تقویت نظارت و آموزش فعالان بازار بیش از پیش احساس می‌شود تا سرمایه‌گذاران خرد نیز با اعتماد کامل و دانش کافی در این بازار مشارکت کنند.

یادداشت

الزامات ایجاد تحول در تولید



محمد حسن نوذری فعال اقتصادی

وضعیت تولید در ایران امروز به نقطه‌ای رسیده که مشکلات چندوجهی و ساختاری آن، به جای تقویت این بخش حیاتی، به مانعی جدی برای توسعه و رشد تبدیل شده است. خاموشی‌های مکرر و ناترازی مستمر در تأمین انرژی، چنان آسیب‌های عمیقی به تولیدکنندگان وارد کرده که تولید در وضعیت سختی به سر می‌برد.

اما مشکل تنها در کمبود انرژی یا مسائل تکنیکی خلاصه نمی‌شود؛ روند نامناسب تخصیص ارز، فرسودگی تجهیزات و ماشین‌آلات، و سیاست‌های اقتصادی ناپایدار و متناقض، همراه با فساد و رانت‌خواری، همه دست به‌دست هم داده‌اند تا چرخه‌ای معیوب شکل بگیرد که هر تصمیم اقتصادی را به مانعی تبدیل می‌کند؛ نه فرصتی برای بهبود. رونق تولید ملی لزوماً نیازمند سازکاری خاص، رعایت اصول مشخص و تصویب قوانین لازم است که در این یادداشت به آنها خواهیم پرداخت.

۱. اصل اول

تغییر نگاه حکومت، دولت و مجلس و هماهنگی دقیق و اعتقاد راسخ به تولید ملی و ابتیاع ابزار لازم به منظور حمایت از تولید ملی.

۲. اصل دوم

وجود امنیت تولید و استمرار استراتژی تولیدمحور در فضای تولید و تشویق تولیدکننده در مسیر تولیدِ نیازهای کشور.

بدیهی است با این حرکتِ تولیدمحور، مسیر برای رونق تولید هموار شده و در همین راستا شعار اشتغال پایدار عملی خواهد شد.

۳. اصل سوم

اصلاح ساختاری بانک‌ها و هدایت آنها در حمایت از تولید و پرداخت تسهیلات مناسب به واحدهای تولیدی، بدون واسطه و به دور از هرگونه رانت، بلکه با حضوری دغدغه مند و همسو با منافع ملی و حرکت در راستای تسهیل و رونق تولید ملی که این همه باید همراه با به حاشیه راندن افراد و جریانهای ضد تولید ملی باشد.

بدیهی است تولید زمانی به رونق واقعی و کامل دست خواهد یافت که تبعیض و رانت و ... وجود نداشته باشد و محیطی امن، عادلانه و رقابت پذیر فراهم گردد.

لازمه رسیدن به این هدفها، تصویب قوانین تولیدمحور و هم سو با منافع ملی و به دور از سیاسی کاری و افراط و تفریط است.

به عبارت دیگر رویکرد و طرز نگاه به تولیدکنندگان قطعاً باید به دور از بغض و کینه بوده و با حمایت عملی تمام سران کشور همراه باشد، به طوریکه تولیدکننده در جایگاه واقعی خود قرار گرفته و با دیده احترام و تکریم به آنها نگریسته شود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که قوانین مصوب به همین منظور دارای ضمانت اجرایی بوده و با سلیقه و ذائقه مدیران و دولت‌ها فقط در راستای اصلاح و بهبود قابل تغییر باشند.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه این قوانین باید به شکل همه جانبه نوشته شود تا خدای نکرده باعث آبادی یک بخش و ویرانی بخش‌های دیگر نگردد.

باید دانست که بخش تولید در صورت حمایت معقولانه و همه جانبه، قطعاً راه خود را پیدا کرده و با اقتدار به مرحله رونق و شکوفایی خود خواهد رسید، کمالاتکه نمونه‌های آن در دنیا قابل مشاهده است.

این روند فرخنده، باعث تشویق سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاری در بخش تولید شده و نتیجه نهایی آن رونق تولید خواهد بود.

به همین دلیل قطعاً کسانی در تولید موفق‌ترند که دارای عرقِ ملی، روحیه وطن‌پرستی و به دور از تفکر جریان‌های سیاسی غیرمسئول بوده و از تخصص‌های لازم بهره‌مند باشند.

با به کارگیری افراد متخصص و دل‌سوز، شاهد رونق تولید، کاسته شدن مشکلات و توانمندشدن این بخش خواهیم بود. در چنین بستری است که تولیدکننده با خاطری آسوده به تولید مشغول شده و در فکر توسعه و پیشرفت کتّی و کیفی کار خواهد بود.

لازمه رسیدن به اهداف نگاشته شده در فوق این است که تمام مسئولین وزارت خانه‌ها و ادارات کل و ... با برنامه و استراتژی دقیق و با سرعت و دقت در راستای برطرف کردن موانع تولید، مجدانه بکوشند و در این راستا از ظرفیت‌های متخصصین و نخبگان تولید حتما بهره‌مند شوند.

به عنوان مثال چند نمونه از موانع تولید را عنوان می‌داریم:
– هزینه بالای تأمین انرژی و شرایط دشوار و بدون تسهیلات بازپرداخت آن

– نرخ مالیات و حق بیمه کارگران و مسائل مربوط به سازمان تأمین اجتماعی

– شرایط تأسّف‌بار تخصیص تسهیلات بانکی

– نرخ‌های غیرمنطقی و غیراقتصادی وام‌ها و

بنابراین، راه‌حل‌های مقفّعی و جزیره‌ای نمی‌تواند پاسخگوی این معضل ساختاری باشد. نیازمند بازنگری اساسی در سیاست‌های اقتصادی، ایجاد ثبات در بازار ارز، اصلاح نظام توزیع انرژی و مبارزه جدی با فساد و رانت هستیم تا فضای کسب‌وکار امن و قابل پیش‌بینی شود. در کنار آن، حمایت از تولید داخلی و افزایش قدرت خرید مردم باید در اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد.

ایجاد این هم‌افزایی میان تولید، توزیع و تقاضا است که می‌تواند چرخه معیوب کنونی را شکسته و راه را برای رشد پایدار اقتصاد باز کند. اگر نگذاریم این چرخه معیوب ادامه یابد، اقتصاد کشور روزه‌روز عمیق‌تر در رکود و بحران فرو خواهد رفت؛ موضوعی که نمی‌توان آن را صرفاً با سیاست‌های موتقی و شعارهای سیاسی حل کرد، بلکه به تصمیمات شجاعانه، علمی و پایدار نیازمند است.